



سلسله جلسات

مسجد و اداره جامعه

عنوان جلسه چهاردهم:

راه های تأمین مالی مساجد

محورهای جلسه:

۱. تأمین مالی امام جماعت مسجد
۲. تأمین مالی برای مسائل و مشکلات روزمره
۳. تأمین مالی برای نیازهای کلان
۴. تأمین مالی برای افراد بیکار
۵. تأمین مالی فقرا و از کار افتادگان
۶. تأمین مالی سادات فقیر
۷. تأمین مالی مشاغل
۸. تأمین مالی برای اهالی خانواده

شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

تیرماه ۱۴۰۲

الحَمْدُ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش رو ویرایش اول صد و چهل و پنجمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده ی گفت و گوی حجة الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در چهاردهمین جلسه دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه" با موضوع "راه های تأمین مالی مساجد" می باشد. این سخنرانی در جمع برخی از فضلاء حوزه علمیه قم در بنیاد هدایت و در تاریخ ۵ تیر ۱۴۰۲ برگزار شده است.



۱. مقدمه: مرور پرسشی پنجم دوره درباره ابزارهای ارتباطی مساجد تمدنی با مردم..... ۱۰

- ۱/۱. محوریت روایات "أصناف الناس" در ارتباط گیری امام جماعت با مؤمنین ۱۰
- ۱/۲. أحداث (کودکان و نوجوانان) به عنوان مهم ترین صنف و گروه ۱۰
- ۱/۳. اجرایی کردن چرخه چهاربخشی تحریک فکر، متناسب با هر صنف و گروه از مردم ۱۳
- ۱/۳/۱. استفاده از چرخه تحریک فکر به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای ارزیابی یک امام جماعت ۱۳
- ۱/۴. آیات پایانی سوره حمد به عنوان مصدر اصلی روایات اصناف الناس ۱۴

۲. منابع مالی اجرای چرخه چهاربخشی تحریک فکر را از کجا تهیه کنیم؟..... ۱۷

- ۲/۱. پولی کردن خدمات مسجد به عنوان یکی از پاسخ های احتمالی ۱۷
- ۲/۱/۱. اشکالات سه گانه این روش: نقض آیات "لا أسئلكم أجرا"، نقض روایات "نشر العلم زکاته" و نقض روایات "سوق المسلمین کمسجدهم" ۱۷
- ۲/۲. راه حل تامین مالی زندگی امام جماعت مسجد ۱۸
- ۲/۲/۱. تجارت و خرید و فروش، صاحب حرفه شدن و استفاده از موقوفات بویژه موقوفه های خود مسجد ۱۸
- ۲/۲/۲. موقوفه های حوزه علمیه خان مروی در تهران و مدرسه عباسقلی خان در مشهد به عنوان دو نمونه ۱۸
- ۲/۳. راه حل تامین مالی برای مشکلات و مسائل روزمره ۲۰
- ۲/۳/۱. زیارت، قرض دادن، هدیه دادن و امور مربوط به سلامتی به عنوان چند نمونه از مسائل روزمره مساجد ۲۰
- ۲/۴. راه حل تامین مالی برای نیازهای کلان جامعه مانند ساخت مسجد ۲۶
- ۲/۵. راه حل تامین مالی برای افراد بیکار محله ۲۸
- ۲/۵/۱. توزیع مردمی و استحصال خُرد از معادن به عنوان شیوه اسلامی مدیریت معادن ۲۸
- ۲/۶. راه حل تامین مالی افراد ضعیف و فقرا محله ۳۰
- ۲/۶/۱. زکات: صندوق محرومیت زدایی امام جماعت مسجد ۳۰
- ۲/۷. راه حل تامین مالی سادات فقیر ۳۲
- ۲/۸. راه حل تامین مالی برای خانواده ۳۳

۳. اولویت دار ترین کار در شرایط کنونی: احیاء و استفاده صحیح از موقوفات..... ۳۶

- ۳/۲. استفاده از روشهای مختلف تامین مالی در اسلام، به عنوان منبع تامین درآمدها در مدل بودجه ریزی اسلامی ۳۷
- پیوست ها ۴۲
- پیوست شماره یک: مسجد ۴۲

بخش اول: آیات	۴۲
بخش دوم: روایات	۴۴
پیوست شماره دو: چرخه چهاربخشی تحریک فکر	۴۹
مطلب اول:	۴۹
مطلب دوم:	۵۰
مطلب سوم:	۵۱
پیوست شماره سه: پیشگیری ساختاری از بیماری	۵۲
مطلب اول:	۵۲
مطلب دوم:	۵۶
مطلب سوم:	۵۷
مطلب چهارم:	۵۸
پیوست شماره چهار: زکات	۶۰
بخش اول: آیات	۶۰
بخش دوم: روایات	۶۳
پیوست شماره پنج: موضعگیری علما و مراجع درباره ربوی بودن بانکها	۶۶

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء و حبيب قلوبنا و طبيب نفوسنا ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين المنتجبين سيما بقيه الله في الارضين ارواحنا لثراب مقدمه الفداء وعجل الله تعالى فرجه الشريف واللعن الدائم على اعدائه اعداء الله من الان الى قيام يوم الدين.

۱. مقدمه: مرور پرسش پنجم دوره درباره ابزارهای ارتباطی مساجد تمدنی با مردم

۱/۱. محوریت روایات "أصناف الناس" در ارتباط گیری امام جماعت با مؤمنین

۱/۲. أحداث (کودکان و نوجوانان) به عنوان مهم ترین صنف و گروه

جلسه گذشته درباره پنجمین پرسش از سؤالات دوره مباحثاتی "مسجد" و اداره جامعه^۱ بود. موضوع این پرسش درباره روش انتقال محتوا و نظریات فقهی، به نمازگزاران و مردم یک محله است. این نکته را هم داخل پراکنش عرض

۱. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیه ۲۹: قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَكَ بگو: پروردگارم به میانه روی [در همه امور و به اجتناب از افراط و تفریط] فرمان داده و [امر فرموده]: در هر مسجدی [به هنگام عبادت] روی [دل] خود را [آن گونه] متوجه خدا کنید [که از هر چیزی غیر او منقطع شود]، و او را در حالی که ایمان و عبادت را برای وی از هر گونه شرکی خالص می کنید بخوانید؛ همان گونه که شما را آفرید، [پس از مرگ به او] بازمی گردید.

برای مطالعه بیشتر درباره "مسجد" به پیوست شماره یک مراجعه فرمایید.

۲. ارجاع پرورشی: هفت محور جلسه:

روش استنباط در مسئله مسجد چیست؟

مفاهیم پایه مسجد کدامند؟

ساختار خدمات مسجد برای تحقق مفاهیم پایه چیست؟

ابزارهای امام جماعت برای تحقق مفاهیم پایه کدامند؟

اقدامات کاربردی چهل گانه مسجد چیست؟

نحوه تامین مالی مسجد چگونه است؟

کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مسجد چگونه باید باشد؟

حجه الاسلام علی کشوری. جلسه اول دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت

برای دریافت متن کامل جلسه به نشانی زیر مراجعه فرمایید.

<https://eitaa.com/olgou4/5519>

کنم که هر جای یک امام جمعه یا جماعت تصمیم به برنامه ریزی برای احیا و آبادانی^۳ مسجد گرفت، باید این برنامه ریزی با توجه به روایات "أصناف الناس" باشد. نباید همه مردم را در یک صنف دسته بندی کنیم. البته بنده نرسیدم این دسته از روایات را توضیح دهم ولی بدانید که همه مردم از یک جوهر و صنف نیستند. باید مردم را برای خودمان

۳. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره توبه آیه ۱۸: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ».

آباد کردن مساجد خدا فقط در صلاحیت کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز را برپا داشته و زکات پرداخته و جز از خدا نترسیده اند؛ پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند.

۴. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ سُلَيْمٍ مَوْلَى طِرْبَالٍ قَالَ حَدَّثَنِي هِشَامٌ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ الطَّيَّارِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النَّاسُ عَلَى سِتَّةِ أَصْنَافٍ قَالَ قُلْتُ مَا أَكْتُبُ قَالَ أَكْتُبُ أَهْلَ الْوَعِيدِ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَهْلَ النَّارِ وَأَكْتُبُ «وَأَخْرُوجُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا ضَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا» قَالَ قُلْتُ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ وَحْشِي مِنْهُمْ قَالَ وَأَكْتُبُ «وَأَخْرُوجُونَ مُزَجَّوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ» قَالَ وَأَكْتُبُ «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا» لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً إِلَى الْكُفْرِ وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا إِلَى الْإِيمَانِ: «فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُو عَنْهُمْ» قَالَ وَأَكْتُبُ أَصْحَابَ الْأَعْرَافِ قَالَ قُلْتُ وَمَا «أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ» قَالَ قَوْمٌ اسْتَوَتْ حَسَنَاتُهُمْ وَسَيِّئَاتُهُمْ فَإِنْ أَذْخَلَهُمُ النَّارَ فَبِذُنُوبِهِمْ وَإِنْ أَذْخَلَهُمُ الْجَنَّةَ فَبِرَحْمَتِهِ.

- از حمزه بن طیار، گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: مردم بر شش صنف باشند، گوید: گفتیم: به من اجازه می‌دهید که بنویسم؟ فرمود: آری، گفتیم: چه بنویسم؟ فرمود: بنویس: ۱- اهل و عید (یعنی مکلفان مسئول) از اهل بهشت و دوزخ - بنویس (۱۰۲ سوره توبه): ۲- «دیگرانی که به گناهانشان اعتراف دارند، کردار خوب را با کردار بد در آمیخته‌اند» گوید: گفتیم: اینان کیانند؟ فرمود: وحشی از اینها است - گوید: فرمود: بنویس (۱۰۶ سوره توبه): ۳- «و دیگرانی که در عاقبت خود به امر خداوند یا آنها را عذاب کند و یا آنکه از آنها درگذرد و به آنها ببخشد»، گوید: فرمود: بنویس (۹۸ سوره نساء): ۴- «جز مستضعفان از مردان و زنان و کودکان که نه چاره‌ای توانند و نه به راهی پی برند، چاره‌ای ندارند که به کفر گریند و راهی هم به ایمان ندارند» (۹۹ سوره نساء): ۵- «آنهاست که بسا باشد خدا ازشان درگذرد» فرمود: بنویس: ۶- اصحاب اعراف را، گوید: گفتیم: اصحاب اعراف چیستند؟ فرمود: مردمی که حسنات و سینات آنها برابر باشد، و اگر آنها را به دوزخ برد، به کیفر گناهان آنها است و اگر آنها را به بهشت برد از رحمت و مهربانی او است.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۳۸۱

دیگر منابع: الوافی ج ۴ ص ۲۱۲ / تفسیر البرهان ج ۲ ص ۱۵۵ / تفسیر نور الثقلین ج ۵ ص ۳۳۹

عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: النِّسَاءُ أَرْبَعَةٌ أَصْنَافٍ فَمِنْهُنَّ رِبْعٌ مُزْبَعٌ وَمِنْهُنَّ جَامِعٌ مُجْمَعٌ وَمِنْهُنَّ كَرْبٌ مُقْمَعٌ وَمِنْهُنَّ غُلٌّ قَمْلٌ فَأَمَّا الرِّبْعُ الْمُزْبَعُ فَالَّتِي فِي حَجَرِهَا وَلَدٌ وَفِي بَطْنِهَا آخَرٌ وَالْجَامِعُ الْمُجْمَعُ الْكَثِيرَةُ الْخَيْرِ الْمُحَصَّنَةُ وَالْكَرْبُ الْمَقْمَعُ السَّيِّئَةُ الْخُلُقِ مَعَ زَوْجِهَا وَغُلٌّ قَمْلٌ هِيَ الَّتِي عِنْدَ زَوْجِهَا كَالْغُلِّ الْقَمْلِ وَهُوَ غُلٌّ مِنْ جِلْدٍ يَقَعُ فِيهِ الْقَمْلُ فَيَأْكُلُهُ فَلَا يَبْقَى أَنْ يُحْلَ مِنْهُ شَيْئًا وَهُوَ مَثَلٌ لِلْعَرَبِ.

مسعدة بن زیاد از جعفر بن محمد از پدرش علیهما السلام روایت کرده که فرمود: زنهار چهار دسته‌اند: ۱- ربیع مربع (پسر فرزند و بارور)، ۲- جامع مجمع (سرشار از خیر و حاصلخیز)، ۳- کرب مقمع (آفت کوبنده جان)، ۴- غل قمل (کردن بند و قلاده‌ای از چرم که پسر از شپش باشد). احمد بن محمد خالد برقی گفت: «جامع مجمع» (یعنی پسر خیر و حاصلخیز و «ربیع مربع» زنی که فرزندی در دامن دارد و فرزندی در شکم، و «کرب مقمع» یعنی بدخو و بد رفتار با شوهرش، و «غل قمل» آنکه در پیش شوهرش مانند قلاده پسر شپش باشد، و آن قلاده‌ای است از پوست که شپش در او افتاده باشد و شخص را آزار دهد و چاره‌ای نتواند کرد، و این يك ضرب المثل عرب است. (مراد آنست که مانند قلاده‌ای به گردن انسان طوق است که نه تحمل آن را می‌تواند بکند و نه قدرت طلاق او را از سنگینی مهر دارد).

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۳۸۶

دیگر منابع: الآداب الدینیة ج ۱ ص ۱۰۴ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۹۸ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۳۲

طبقه بندی و چرخه چهاربخشی تحریک فکر^۵ را با همه این گروهها متناسب با خودشان فعال کنیم. به نظر بنده مهم ترین گروهها هم "احداث"^۶ و کودکان هستند. قاعدتا برنامه های مرتبط با این دسته، مهم ترین بخش برنامه های یک امام جمعه یا امام محله است.

^۵. ارجاع پرورشی: چرخه تحریک فکر چیست؟

از یک حیث مهمترین نظریه بخشی فقه هدایت؛ چرخه چهار بخشی تحریک فکر است. این نظریه بخشی به سوال چگونگی تصمیم سازی (چگونگی مشورت) پاسخ می دهد! مرز باریکی میان تصمیم سازی و تحمیل تصمیم در یک جامعه وجود دارد و اگر "تحریک وعاء فکر مخاطب"، حذف و یا تضعیف شود؛ مدیران سطوح مختلف به سمت تحمیل به مخاطب، تمایل یافته اند!

در چرخه چهار بخشی تحریک فکر، مراحل تحریک فکر را در ۴ مرحله ۱- مدیریت خبر، ۲- مدیریت تضارب، ۳- مدیریت کتابت و ۴- مدیریت نمونه سازی مباحثه می کنیم. بهترین نظریات فقهی اگر در فضای چرخه چهار بخشی تحریک فکر مطرح نشوند؛ در فرایند تحقق آنها اختلال ایجاد می شود!

حجت الاسلام علی کشوری - ۹ ذوالحجه ۱۴۴۰ هجری قمری (روز عرفه) - قم مبارک

پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/1713>

برای مطالعه بیشتر در مورد "چرخه چهاربخشی تحریک فکر" به پیوست شماره دو مراجعه فرمایید.

^۱. ارجاع پژوهشی: قال مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَبِي جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ وَأَنَا أَسْمَعُ أَبَيْتِ الْبَصْرَةَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَذُخُولَهُمْ فِيهِ قَالَ وَ أَلَّهُ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ وَ لَقَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَلْحَدَاتٍ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ ثُمَّ قَالَ مَا يَقُولُ أَهْلُ الْبَصْرَةِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهَا لِأَقَارِبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ كَذَبُوا إِنَّمَا نَزَلَتْ فِيْنَا خَاصَّةً فِي أَهْلِ الْبَيْتِ فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

اسماعیل بن عبد الخالق می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام به ابو جعفر احوال فرمود: تو به بصره رفتی؟ عرض کرد: آری. امام علیه السلام فرمود: شتاب مردم را در پذیرش شیعه چگونه یافتی؟ او در پاسخ عرض کرد: بخدا سوگند آنها اندکند و اگر چه کوشش هم می کنند ولی کوشش آنها هم ناچیز است. حضرت علیه السلام فرمود: به جوانان روی آورید که آنها به هر کار خیری شتابان ترند. امام علیه السلام فرمود: مردم بصره پیرامون این آیه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» چه می گویند؟ گفت: قربانت گردم آنها می گویند: ایشان نزدیکان پیامبر خدا هستند. امام علیه السلام فرمود: دروغ می گویند این آیه مخصوصا در باره ما اهل بیت، علی، فاطمه، حسن و حسین که اصحاب کسا هستند نازل شده است.

مصدر: قرب الإسناد ج ۱ ص ۱۲۸ / الکافی ج ۸ ص ۹۳

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۲۳ ص ۲۳۶ / تفسیر البرهان ج ۴ ص ۸۱۵ / بحار الأنوار ج ۲۳ ص ۲۳۶

۱/۳. اجرایی کردن چرخه چهاربخشی تحریک فکر، متناسب با هر صنف و گروه از مردم

۱/۳/۱. استفاده از چرخه تحریک فکر به عنوان یکی از مهم ترین ابزارهای ارزیابی یک امام جماعت

بنابراین در پرسش پنجم درباره ابزارها و راه های ارتباطی ائمه جمعه و جماعت با مردم گفت و گو کردیم. عرض کردیم که چهار ابزار ارتباطی وجود دارد: مدیریت خبر^۷، مدیریت تضارب^۸، مدیریت مکتوبات^۹ و چهارمین ابزار هم مدیریت نمونه سازی^{۱۰} است. یکی از بحثهایی که در همین زمینه وجود دارد این است که چگونه و با چه معیارهایی می توانید میزان موفقیت یک امام جماعت را ارزیابی کنید. یکی از معیارهای مهم این است که امام

^۷. ارجاع پرورشی: خبر کار خودتان را به افراد اهل برسانید. پس اولین کار امام جمعه یا امام جماعت محل، مدیریت خبر برای اهل می شود. قید اهل هم بسیار مهم است. مدیریت خبر برای "اهل"، نه برای همه مردم مانند آنچه که در رسانه اتفاق می افتد. البته مدیریت خبر در سطح عمومی هم برای جلوگیری از شایعات داریم، اما اساس بحث همان مدیریت و رساندن خبر به اهل است. بنابراین گروهی که با قرآینی تشخیص می دهید اهل علم پیامبر و نصرت ایشان هستند را انتخاب کنید و اخبار کارها و برنامه هایتان را به آنها برسانید. این خبر هم می تواند انواع مختلفی داشته باشد. مثلاً می توانید بگویید: فلانی ما هر روز جلسه مباحثه داریم شما هم تشریف بیاورید. او هم که اهل دریا در روایات و این چنین جلساتی است به شما ملحق می شود. یا می توانید یک کتاب را برای فرد بفرستید یا به او معرفی کنید. در همین راستا می توانید مطلب و یادداشتی را برای افراد "اهل" ارسال کنید. یا می توانید از ابزارهای پیشرفته انتقال خبر مانند سفره انداختن و مهمانی دادن هم استفاده کنید. همانطور که می دانید خیلی کار مهمی است که دیگران را دعوت کنید.

حجت الاسلام علی کشوری. سیزدهمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت، خرداد ۱۴۰۲ قم

^۸. ارجاع پرورشی: ملحق به "تضارب"، گفت و گو با مخالفین و جدال احسن را هم داریم. اما باید توجه داشته باشیم که این ها در حکم گفت و گوهای فرعی یک مؤمن محسوب می شود. یک سؤال مهم این است که گفت و گو یک مؤمن با جبهه ی خودی اصل است یا با جبهه دشمن؟ روایات به ما می گویند اهل سر و راز باشید. بعضی از مسائل را اصلاً نمی شود به دیگران گفت. بنابراین اگر بحثهای مهمی دارید باید در قالب "تضارب" آن را پیش ببرید و نباید وارد جدال احسن شوید. به هر حال از هر جهت که نگاه کنید تضارب اصل است.

حجت الاسلام علی کشوری. سیزدهمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت، خرداد ۱۴۰۲ قم

^۹. ارجاع پرورشی: بعد از این وارد مرحله سوم می شویم. حال آیا این مراحل برای انتقال تفکرات یک امام جماعت به جامعه کفایت می کند؟ شارع می فرماید از ابزارهای کتبی هم استفاده کنید. در روایت داریم که "کتابت" ابزار نشر است. مثلاً در یک روایت داریم که: إِخْتَفِطُوا بِكُتُبِكُمْ فَإِنَّكُمْ سَوْفَ تَخْتَابُونَ إِلَيْهَا. حضرت می فرمودند کتابهایتان را خیلی محافظت کنید چرا که به زودی محتاج آنها می شوید. در حال حاضر که همه نمی توانند به قم بیایند یا در جلسه تضاربی شما مشارکت کنند، می توانید برای آنها کتاب ارسال کنید. در بحث کتاب هم مسئله اهلیت داشتن و آن طبقه بندی ها جریان دارد.

حجت الاسلام علی کشوری. سیزدهمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت، خرداد ۱۴۰۲ قم

^{۱۰}. ارجاع پرورشی: آخرین مرحله دعوت این است: كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ یعنی با اعمال تان یعنی با نمونه سازی. یعنی یک ایده را ببرید عملیاتی و اجرایی کنید.

حجت الاسلام علی کشوری. سیزدهمین جلسه دوره بحثی مسجد و اداره جامعه. بنیاد هدایت، خرداد ۱۴۰۲ قم

^{۱۱}. ارجاع پرورشی: فقه الفرقان چه می گوید؟!

برای دستیابی به تعالی و پیشرفت اسلامی، نیازمند ارزیابی دائمی امور بر اساس شاخصه های فقهی هستیم. فقه الفرقان، فرق گذاشتن مردم میان پیشرفت و پسرفت (فرقان عمومی) را بر اساس محورهای زیر پی گیری می کند.

محترم محله توانایی انجام این چهار کار را دارد یا خیر؟ بعضی از ائمه جماعت فقط سخنان خوبی هستند، بعضی ها دست به قلم هم هستند. آیا اینها کفایت می کند؟ قطعاً خیر و باید هر چهار مورد را داشته باشیم. اگر یک امام مدیریت خبر نکرد، شایعه ها کارهای او را تضعیف می کنند. بنابراین از این چرخه می توان به عنوان یک معیار مهم برای ارزیابی هم استفاده کرد.

۱/۴. آیات پایانی سوره حمد به عنوان مصدر اصلی روایات اصناف الناس

حال قرار است با چه کسانی ارتباط بگیریم؟ با اصناف الناس. این تکمله پاسخ ما به پرسش پنجم است که می گوید: با یک مخاطب یکسان سر و کار ندارید. البته ریشه روایات اصناف الناس هم آیات پایانی سوره حمد است.^{۱۲} می فرماید مردم یا جزء "أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ"^{۱۳} هستند و در صراط مستقیم. یا در گروه "ضالین" قرار دارند و هنوز راهشان را تشخیص نداده اند. در نهایت ممکن است جزء "مغضوبین" باشند یعنی کسانی که اهل لجاجت و عناد با راه صحیح انسانیت اند.^{۱۴} باز در روایت توضیح دارد که "مغضوبین" یهودی ها هستند، "ضالین" نصاری و

۱- تبیین مفاهیم پایه ارزیابی و فرقان در بیان شارع محترم

۲- معرفی حوزه های اصلی ارزیابی و فرقان در بیان شارع محترم

۳- معرفی شاخصه های بخشی ارزیابی در بیان شارع محترم

۴- معرفی ساختارهای ارزیابی در بیان شارع محترم

معاونت پژوهش مدرسه هدایت - جمعه انتظار ۱۷ آذر ۱۴۰۲

<https://eitaa.com/olgou4/5945>

^{۱۲}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره حمد آیات ۷ تا ۷: إِيَّاكَ تَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ.

[بار الها] تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جویم ما را به راه راست هدایت فرما راه آنان که گرامی شان داشته ای نه [راه] مغضوبان و نه [راه] گمراهان.

^{۱۳}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نساء آیه ۶۹: وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا.

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند.

^{۱۴}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره ممتحنه آیه ۱۳: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبِئَسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ.

ای مؤمنان! با قومی که خدا بر آنان خشم گرفته، دوستی نکنید. آنان به یقین از آخرت مأیوسند، همان گونه که کافران مدفون در قبرها [که به سرانجام شوم خود رسیده اند، از نجات خویش] مأیوسند.

اهالی صراط مستقیم هم شیعیان حضرت آقا امیرالمؤمنین علیه السلام و مسلمانان هستند.^{۱۵} ذیل این روایات اصناف الناس، پیامبر سلام الله فرموده اند به یهودیان امت من سلام نکنید.^{۱۶} این یعنی در امت پیامبر صلوات الله علیه هم مغضوبین و ضالین وجود دارند. همه امت پیامبر سلام الله علیه اهالی صراط مستقیم نیستند وگرنه حضرت نمی فرمودند: یهودی و مسیحی امت من^{۱۷}، یعنی فرد باطنا در آن دو گروه است و در ظاهر مسلمان. غرض اینکه روایات اصناف الناس بسیار مهم است. این دسته از روایات می تواند ارتباط امام محل را با مردم تنظیم کند. می تواند با مؤمنین، با کودکان و احداث وقت زیادی بگذارد. برای مخالفین هم باید زمانی را اختصاص داد اما نه به عنوان

قرآن کریم سوره مجادله آیه ۱۴: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَخْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ. آیا به کسانی که قوم مورد خشم خدا را به دوستی گرفتند، ننگرستی؟ اینان نه از شما هستند و نه از آنان، و به دروغ سوگند می خورند [که از شما نیستند] و خود آگاهند [که دروغ می گویند].

^{۱۵} ارجاع پژوهشی: الصادقین (علیها السلام) - صراط الذين أنعمت عليهم فهديتهم بالإسلام و بولايت علي بن أبي طالب (عليه السلام) و لم تغضب عليهم و لم يضلوا غير المغضوب عليهم اليهود و النصارى و الشكاك الذين لا يعرفون إمامة أمير المؤمنين (عليه السلام) و لا الضالين عن إمامة علي بن أبي طالب (عليه السلام).

امام باقر و امام صادق (علیها السلام) صراط الذين أنعمت عليهم؛ آنهایی که به اسلام و ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) هدایت نمودی و هرگز بر آنها خشم نگرفتی و آنها هرگز گمراه نشدند، غیر المغضوب علیهم؛ که یهود و نصاری می باشند و شگاکانی که امامت امیرمؤمنان (علیه السلام) را نمی شناسند؛ و لا الضالین؛ از امامت علی بن ابیطالب (علیه السلام) گمراه شده اند.

مصدر: تفسیر القمی ج ۱ ص ۲۹ / تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۲۴

دیگر منابع: اثبات الهداة ج ۱ ص ۱۶۶ / تفسیر البرهان ج ۱ ص ۱۰۸ / بحار الأنوار ج ۲۴ ص ۲۰ / تفسیر نور الثقلین ج ۱ ص ۲۴

^{۱۶} ارجاع پژوهشی: سلموا على اليهود والنصارى ولا تسلموا على يهود أمّتي قبل ومن يهود أمّتك قال تراك الصلاة. از پیامبر سلام الله علیه: به یهود و نصاری سلام کنید اما به یهودیان امت من نه. پرسیدند یهودیان امت شما چه کسانی اند؟ فرمودند تارکان نماز. کشف الخفاء - ط القدسی نویسنده: العجلونی جلد ۱: صفحه ۴۵۵

^{۱۷} ارجاع پژوهشی: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ فِي الْيَهُودِ، هَؤُلَاءِ الْيَهُودُ [الَّذِينَ] تَقْضُوا عَهْدَ اللَّهِ، وَ كَذَّبُوا رُسُلَ اللَّهِ، وَ قَتَلُوا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ: أَفَلَا أُتْبِكُمْ بِمَنْ يُضَاهِيهِمْ مِنْ يَهُودِ هَذِهِ الْأُمَّةِ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ: قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِي يَنْتَحِلُونَ بِأَنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ مِلَّتِي، يَقْتُلُونَ أَفَاضِلَ دُرِّيَّتِي وَ أَطَابِبَ أَرْوَمَتِي، وَ يُبَدِّلُونَ شَرِيعَتِي وَ سُنَّتِي، وَ يَقْتُلُونَ وَلَدِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ كَمَا قَتَلَ أَشْلَافَ هَؤُلَاءِ الْيَهُودِ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى . أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ يَلْعَنُهُمْ كَمَا لَعَنَهُمْ، وَ يَبْعَثُ عَلَى بَقَايَا ذُرَارِيهِمْ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ هَادِيًا مَهْدِيًا مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ، يُحَرِّفُهُمْ [بِسُيُوفِ أَوْلِيَائِهِ] إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ .

آیا خبر ندهم به شما نسبت به کسانی که مانند یهودیان پیمان شکن هستند و یهودیان امت من به حساب می آیند؟ اصحاب آن حضرت گفتند آری ای رسول خدا بگوئید، حضرت فرمودند: یهودیان این امت، طایفه ای هستند از امت من که خویش را امت من می دانند. اما با فضیلت ترین ذریه ی مرا شهید می کنند. حسن و حسین علیهما السلام را مانند زکریا و یحیی به قتل می رسانند و خداوند قاتلان را لعنت می کند. خدای توانا از نسل حسین علیه السلام کسی را می فرستد که انتقام خون او را می گیرد. آگاه باشید که خداوند، قاتلان و دوستان قاتلان و آن هایی که بدون تقیه از لعن آن ها خودداری می کنند، لعنت کرده است.

مصدر: التفسیر العسکری علیه السلام ج ۱ ص ۳۶۸

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۴۴ ص ۳۰۴ / عوالم العلوم ج ۱۷ ص ۵۹۷

وقت اصلی. در حدی که بتوان پرسش هایشان را پاسخ گفت یا کاری کرد تا اقدامات آنها تبدیل به ضد برنامه برای مسجد محله نشود. عمده مسئله رابطه اخوت و برادری با مؤمنین و کسانی است که حاضرند فداکاری بیشتری برای جبهه حق داشته باشند.

۲. منابع مالی اجرای چرخه چهاربخشی تحریک فکر را از کجا تهیه کنیم؟

۲/۱. پولی کردن خدمات مسجد به عنوان یکی از پاسخ های احتمالی

۲/۱/۱. اشکالات سه گانه این روش: نقض آیات "لَا أَسْأَلُكُمْ أَجْرًا"، نقض روایات "نشر العلم زکاته" و نقض روایات "سوق

المسلمین کمسجدهم"

از اینجا به بعد وارد ششمین پرسش دوره می شویم. عرض کردیم از کجا هزینه های راه اندازی چرخه چهاربخشی تحریک فکر را تأمین کنیم؟ یکی از احتمالات این است که خدمات مسجد را پولی کنیم. مثلاً بازار یا مغازه های مسجد را اجاره بدهیم. باید عرض کنم که این کار صحیح نیست و باید بازار را رایگان در اختیار مردم یا حداقل محرومین گذاشت. یا بخواهیم نرمش قهرمانانه داشته باشیم باید بگویم مغازه ها و بازار مسجد را حداقل دو بخش کنید. یک بخش را کرایه و بخش دیگر را رایگان کنید. حضرت آقا امام صادق علیه السلام می فرمایند: آقا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند: سُوْقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ قَالَ وَكَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بُيُوتِ السُّوقِ كِرَاءً.^{۱۸} این نکته مهم را ائمه جمعه و جماعت باید توجه داشته باشند. حضرت آقا امیرالمؤمنین علیه السلام بازار می ساختند ولی از غرفه ها کرایه دریافت نمی کردند. به هر روی اگر مسجد به سمتی برود که خدماتش را پولی کند، اصل مهم "لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا"^{۱۹} نقض شده است. اصل "زکاه العلم نشره"^{۲۰} همین طور. جدای از اینها روایت "سوق المسلمین کمسجدهم" نقض شده است. در نهایت مجموعه از روایات نقض

^{۱۸} ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُوْقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ قَالَ وَكَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بُيُوتِ السُّوقِ كِرَاءً.

و نیز فرمود علیه السلام: امیر المؤمنین علیه السلام فرموده: بازار مسلمانان چون مسجد آنها است، پس هر کس بمکانی از آن پیشی گرفت (و زودتر از دیگران در جایی نشست) او سزاوارتر است بدان جا تا شب، و فرمود: آن حضرت از دکانهای بازار کرایه از مردم نمیگرفت.

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۶۶۲ / تهذیب الأحکام ج ۷ ص ۹

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۵ ص ۲۷۸ / وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۴۰۵

^{۱۹} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره هود آیه ۵۱: يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۵۱) ای قوم من! از شما [در برابر ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداشم فقط بر عهده کسی است که مرا آفریده: آیا نمی اندیشید؟

^{۲۰} ارجاع پژوهشی: عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَمْدِيُّ فِي الْعُرَرِ وَ الدَّرَرِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: زَكَاةُ الْعِلْمِ نُشْرُهُ زَكَاةُ الْجَاوِ بِذُلَّةِ زَكَاةُ الْحِلْمِ الْإِحْتِمَالُ زَكَاةُ الْمَالِ الْإِفْضَالُ زَكَاةُ الْقُدْرَةِ الْإِنْصَافُ زَكَاةُ الْجَمَالِ الْعِفَافُ زَكَاةُ الظَّفَرِ الْإِحْسَانُ زَكَاةُ الْبَدَنِ الْجِهَادُ وَ الصِّيَامُ زَكَاةُ الْيَسَارِ بِرُ الْجَبَرَانِ وَ صَلَةُ الْأَرْحَامِ زَكَاةُ الصَّحَةِ السَّعْيُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ زَكَاةُ السَّجَاعَةِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ زَكَاةُ السُّلْطَانِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ زَكَاةُ النَّعَمِ إِصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ زَكَاةُ الْعِلْمِ بِذُلَّةِ لِمُسْتَحَقِّهِ وَ الْجِهَادُ النَّفْسِ فِي الْعَمَلِ بِهِ.

مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۴۶

خواهد شد. نتیجه اینکه ما نمی توانیم خدمات مسجد را پولی کنیم. اگر این را بگوییم باز این پرسش مطرح می شود که هزینه های مسجد را از چه راهی تأمین کنیم؟

۲/۲. راه حل تأمین مالی زندگی امام جماعت مسجد

۲/۲/۱. تجارت و خرید و فروش، صاحب حرفه شدن و استفاده از موقوفات بویژه موقوفه های خود مسجد

۲/۲/۲. موقوفه های حوزه علمیه خان مروی در تهران و مدرسه عباسقلی خان در مشهد به عنوان دو نمونه

اولا توجه کنیم که تأمین مالی در اسلام یک الگوی واحد ندارد اینجا یک بحث بسیار تخصصی و سنگین وجود دارد. اسلام برای هر کاری یک الگوی تأمین مالی خاصی قرار داده است. بنابراین باید سؤال را دقیق تر پرسید. باید ابتدا گفت: مخارج مسجد چیست؟ تا بتوانیم روش های تأمین مالی در مسجد را مورد بحث قرار دهیم. اگر مرادتان از مخارج مسجد، هزینه امام جماعت و زندگی اوست، پاسخ این است که امام جماعت باید اهل تجارت^{۲۱} و حرفه^{۲۲} باشد. روایاتی که می فرمایند: مؤمن باید اهل حرفه باشد یا نباید از دین ارتزاق کند دلالت بر این مسئله می کند^{۲۳}. افضل این است که مؤمن دارای حرفه باشد. امام علیه السلام نمی فرمایند مؤمن برود تاجر شود بلکه "تعرضوا للتجارة" بعضی روزها برود تجارت کند و متعرض تجارت شود. پس این یک سرفصل است که به نظرم تأمین مالی امام جماعت نباید به عهده دیگران باشد. این امر چند دلیل دارد از جمله اینکه امام جماعتی که از لحاظ مالی وابسته

۲۱. ارجاع پژوهشی: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا غِنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ .

محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: دست به تجارت بزنید که برای شما بی نیازی از مال و دارایی های مردم را به ارمغان می آورد.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۱۴۹ / من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۹۳

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۱۲ / الوافی ج ۱۷ ص ۱۲۴ / وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۱۱ / بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۹۶

۲۲. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَزِفَ الْأَمِينَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَزِفَ .

محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: به راستی خداوند عز و جل صاحب حرفه ای را که امانت دار باشد، دوست می دارد. در روایت دیگری آمده است: به راستی خداوند مؤمن صاحب حرفه را دوست می دارد.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۱۱۳

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۱۳۴ / شهاب الأخبار ج ۱ ص ۳۶۴ / الوافی ج ۱۷ ص ۱۸۱

۲۳. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُسْتَأْكِلُ بِدِينِهِ حُطَّةٌ مِنْ دِينِهِ مَا يَأْكُلُهُ.

آنکه دین را وسیله خوردن کند بهره اش از دین همانست که بخورد.

مصدر: تحف العقول ج ۱ ص ۲۲۳

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۶۳

به دیگران است، زبانی پر از مصلحت خواهد داشت. یا اگر شرایط خیلی سختی دارد می‌توانیم از محل موقوفات^{۲۴}، مخارج زندگی او را تأمین کنیم. این مدل از تأمین مالی در دوره صفویه^{۲۵} خیلی رواج داشته است. از باب مثال همین مدرسه علمیه خان مروی را در تهران ببینید. البته این را هم بگویم که بنده مخالف این هستم که الآن فقط "مرو" می‌گویند و خان را حذف کرده‌اند، باید همان چیزی که بوده را استفاده کرد. جناب مروی یکی از خوانین مؤمن بوده^{۲۶}. یا در همین زمینه می‌توان به مدرسه علیمه عباسقلی خان در مشهد اشاره کرد^{۲۷}. این مدارس

^{۲۴} ارجاع پرورشی: وقف در لغت به معنای توقف و درنگ کردن است و در اصطلاح فقها، عبارت از عقدی است که ثمره آن، حبس اصل و تسبیل منافع است، یعنی صرف کردن مال در جهتی که واقف تعیین کرده است. به بیان روشن‌تر، وقف، مقدار مالی است که فرد یا افرادی با اختیار خود از مالکیت خود خارج می‌کنند تا مورد استفاده عموم قرار بگیرد و منافع آن در راه تأمین نیامندی‌های مردم مصرف شود. به عبارت دیگر وقف به معنای حبس و منع است و در اصطلاح عقدی است که نتیجه آن، ایستایی اصل و رهایی منافع آن است. این تعریف شامل دو بخش است:

۱. ایستایی اصل: معادل واژه تحبیس در عربی، که از ریشه "حبس" به معنای زندانی کردن و در قید درآوردن و جلوی آزادی چیزی را گرفتن است، زیرا با وقف شدن ملک، آزادی نقل و انتقال (خرید و فروش، هبه و غیره) از آن گرفته می‌شود.

۲. رهایی منافع: معادل واژه تسبیل در عربی، یعنی در راه خدا آزاد گذاردن است، زیرا منافع وقف برای موقوف‌علیه‌مباح و آزاد است، تا از آن، انتفاع ببرند. به مال و زمین وقف‌شده، موقوفه و به کسانی که برای آنها وقف می‌شود، موقوف‌علیه‌م می‌گویند.

دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، مدخل «وقف / نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرائع الاسلام، ج ۲۸، ص ۳ / ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۲۰ / محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۴۴۲ / مغنیه، محمدجواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، ص ۵۸۵ / نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۷

^{۲۵} ارجاع پرورشی: بیشترین توسعه اوقاف مربوط به دوران صفویه است. در این دوران، شاهان صفوی به‌ویژه شاه عباس اول همه اموال، رقبات و املاک خالصه را وقف کرد. به تبعیت از پادشاه، بسیاری از حاکمان مناطق نیز املاک فراوانی را در سرتاسر مملکت به‌صورت وقف درآوردند. در این دوران، بسیاری از املاک، وقف مقاصد خیریه مخصوصاً وقف بقاع متبرکه و از همه بالاتر آستانه امام رضا (علیه‌السلام) در مشهد و حضرت معصومه (سلام‌الله‌علیها) در قم شد. در دوره نادرشاه، برخلاف گذشته اوقاف محدود شد، به‌گونه‌ای که در سال‌های آخر سلطنت نادرشاه، طی فرمانی همه اوقاف به‌صورت املاک خالصه درآمد و تحت عنوان "رقبات نادری" در دفاتر مخصوصی ثبت شد

حائری، محمدحسن، وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی، ص ۵۱

^{۲۶} ارجاع پرورشی: مدرسه علمیه مروی یکی از مدارس حوزه علمیه تهران است، که توسط محمد حسین خان از نزدیکان فتحعلی‌شاه قاجار وقف شد. محمد حسین خان مروی که ثروت بسیاری داشت آثار خیری چون مدرسه، مسجد، باغ و بازارچه مروی را در تهران از خود بر جای گذاشت و تمام املاک خود را برای مسجد و مدرسه خویش وقف کرد.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی مدرسه علمیه خان مروی

<https://howzehmarvi.ir/history1>

^{۲۷} ارجاع پرورشی: مدرسه عباسقلی خان توسط عباسقلی خان بیگلربیگی در سال ۱۰۷۷ق به دستور شاه سلیمان صفوی ساخته شده و نام سازنده در کتیبه سردر ورودی مدرسه ذکر شده است. مدرسه عباسقلی خان از جمله آثار معماری مشهد بوده که تحت نظارت سازمان میراث فرهنگی خراسان است. این مدرسه، اکنون در نزدیکی حرم رضوی در حاشیه جنوبی پایین‌خیابان (نواب صفوی) قرار داشته و یکی از مراکز حوزه علمیه مشهد به شمار می‌آید. مدرسه عباسقلی خان در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۵۷ش با شماره ثبت ۱۶۱۷ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

فاضل، مدارس قدیم مشهد، ۱۳۵۱ش / معماری مدرسه علمیه عباسقلی خان شاملو، سایت موقوفه عباسقلی خان شاملو

و امثال اینها موقوفات بسیاری دارند^{۲۸} که می توان از آنها استفاده کرد. البته این راه حل دوم است چرا که شاید بعضی ها نتوانند در اول طلبگی صاحب شغل شوند یا کسانی تا آخر عمر ضعیف باشند و نتوانند حرفه ای را انتخاب و عمل کنند. بنابراین به طریقه ای که در عهد صفویه و قاجار بوده می توان بر اساس موقوفات تامین مالی ها را انجام داد. اما اصل اولی همان صاحب حرفه شدن فرد مؤمن است. اتفاقا امام صادق علیه السلام در همین زمینه دلیلی را در لزوم محترف بودن مؤمن می آورند و می فرمایند: اگر مؤمن حرفه نداشته باشد از دینش ارتزاق می کند^{۲۹}. این حدیث در مسائل مربوط به حوزه علمیه ظهور فراوانی دارد. البته منافاتی هم ندارد که انسان کارهای تبلیغی و فعالیت های خودش را انجام بدهد و هدیه ای هم در کار باشد، به این شرط که انسان واقعا انتظاری نداشته باشد. اینکه بخواهیم برای انتقال فرمایشات اهل بیت علیهم السلام شرط و شروط مالی بگذاریم حقیقتا مسئله غیر قابل پذیرشی است.

۲/۳. راه حل تامین مالی برای مشکلات و مسائل روزمره

۲/۳/۱. زیارت، قرض دادن، هدیه دادن و امور مربوط به سلامتی به عنوان چند نمونه از مسائل روزمره مساجد

جدای از این ممکن است کسی بگوید ما مشکلات روزمره هم در مسجد داریم. در پاسخ عرض می کنم که پاسخ مشکلات روزمره در اسلام مسئله انفاق است که در نظریه فقهی انفاق این را توضیح داده ایم^{۳۰}. از جمله حاجات

^{۲۸}. ارجاع پرورشی: مدرسه عباسقلی خان از جمله مدارسی است که غنی ترین موقوفات اعم املاک و مستغلات موقوفه را در اختیار دارد تا آنجا که حتی در خارج از مشهد مانند شهر هرات افغانستان هم موقوفات زیادی داشته و دارد. بر اساس طبق وقف نامه تاریخ ۱۰۷۸ق، بنیانگذار مدرسه پس از احداث آن، املاکی را در مشهد، هرات، ولایت جام، ولایت باخرز، ولایت فراه و ولایت بادغیس وقف کرده است.

پسنیدیه، حوزه علمیه خراسان، ۱۳۸۵ش، ص ۱۹۱ و ۱۹۲

^{۲۹}. ارجاع پژوهشی: عَنْ إِبْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَظَرَ إِلَى الْرَجُلِ فَأَعْجَبَهُ قَالَ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالُوا لَا قَالَ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي قِيلَ وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعْيشُ بِدِينِهِ.

و روایت کرد ابن عباس گفت بود رسول خدا صلی الله علیه و آله چون نظر میکرد بمردی پس خوش می آمد آن حضرت را میفرمود آیا او را پیشه هست پس اگر میگفتند نه میفرمود آن حضرت که پست شد در چشم من گفتند چگونه است این یا رسول الله فرمود از برای آنکه مؤمن چون نیست او را پیشه معیشت میکند بدین خود.

جامع الأخبار ج ۱ ص ۱۳۹ / بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۹ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۱

^{۳۰}. ارجاع پرورشی: بازخوانی تکاملی مفهوم انفاق در مقایسه با تعریف کینزی از پس انداز و هدایت نقدینگی در اقتصاد کلان / جامعه بدون انفاق می میرد!

سرفصل هفتم مباحث فقه المکاسب به "بازخوانی تکاملی مفهوم انفاق" در مقایسه با برخی از مفاهیم اقتصادسرمایه داری مانند: مفهوم پس انداز و مفهوم هدایت نقدینگی در اقتصاد کلان اختصاص دارد. انفاق به صورت ساده و قابل تفاهم به معنای هدایت نقدینگی افراد به سمت تنظیم روابط انسانی است

و تفاوت فراوانی با هدایت نقدینگی به بخش تولید (از مفاهیم اقتصاد کلان) دارد. جامعه بدون اتفاق به سمت اصطکاک میل پیدا می کند و برای گسترش وحدت و حفظ امنیت ملی لازم است تا این مفهوم مورد بازخوانی قرار گیرد و مفاهیم و قوانین معارض اتفاق به چالش کشیده شود. برای تبیین تکاملی مفهوم اتفاق، ضرورت دارد که مفهوم تنظیم روابط انسانی در حوزه های ۱۳ گانه به عنوان مفهوم اصلی جامعه سازی دینی و محور تعادل اجتماعی بحث شود و سپس مفهوم سود ارتباطی و ابزارهای تحقق آن - که در مجموع اتفاق نامیده می شود - تبیین گردد. (تنظیم روابط انسانی و احکام مرتبط با آن سیاق مفهوم اتفاق است.)

در روایات و آیات علاوه بر توسعه مفهومی کنز در ذهنیت فرد، میزان پس انداز مشروع برای فرد (تعریف حد کنز مالی: *وَإِذَا عَشَرَ أَلْفَ دِرْهَمٍ كُنْزٌ - التَّمَحِیصُ -* ابی علی محمد بن همام الاسکافی) و ساختار هدایت مال در حوزه های روابط انسانی بر اساس قاعده متعالی "بیان مبتنی بر کم" شرح داده شده است. (۸ ساختار اصلی برای هدایت مال در راستای روابط انسانی) شرح دقیق موارد مختلف مصرف و اتفاق مال (بخوانید: هدایت نقدینگی افراد به بخش تنظیم روابط انسانی) بر اساس "قاعده بیان مبتنی بر کم" زمینه انتخاب دقیق فرد در هدایت مال خود به حوزه های سود ارتباطی را فراهم می آورد. (امداد غیر متمرکز محرومین)

مزیت بازخوانی تکاملی ساختار اتفاق در فضای سود ارتباطی در مقایسه با مفاهیم معیوبی مانند "هدایت نقدینگی به سمت تولید متمرکز" روشن می گردد و در واقع با احتساب معایب شش گانه تولید صنعتی و متمرکز (مانند: ایجاد فاصله طبقاتی، تخریب محیط زیست، نفی تازه خوری و گسترش بیماری، افزایش مصرف انرژی، افزایش تصدی گری دولت و تضعیف کارکردهای تمدنی خانواده و...) هدایت نقدینگی به بخش تولید به معنای مشارکت مالی در توسعه فساد های شش گانه تولید صنعتی است.

حجت الاسلام علی کشوری - بازخوانی تکاملی مفهوم اتفاق در مقایسه با تعریف کینزی پس انداز (Savings) و مفهوم هدایت نقدینگی - ۱ دی ۱۴۰۰ قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3740>

برای مطالعه متن کامل گزارش راهبردی مدرسه هدایت درباره نظریه فقهی اتفاق (باب هفتم فقه المکاسب) در مقایسه با تعریف کینزی از پس انداز و مفهوم معیوب هدایت نقدینگی به سمت تولید به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

<https://eitaa.com/olgou4/4595>

روزمره می توان به زیارت کربلا اشاره کرد^{۳۱}. در روایت دارد که یکی از مصادیق انفاق فی سبیل الله این است که فردی را راهی سفر کربلا کنید. یا می فرماید پول قرض کنید و نوره بخرید^{۳۲}. یعنی هیچ وقت نظافت و سلامت تان

^{۳۱} ارجاع پژوهشی: وَ عَنْهُمَا يَهْدَى الْإِسْنَادُ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْعَصْفَرِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: يُقْبَرُ إِنِّي بِأَرْضٍ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَاءُ هِيَ الْبُقْعَةُ الَّتِي كَانَتْ فِيهَا قُبَّةُ الْإِسْلَامِ الَّتِي نَجَّى اللَّهُ عَلَيْهَا الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَ نُوحٍ فِي الطُّوفَانِ.

از پدرم و علی بن الحسین بن بابویه با همان اسناد (اسناد حدیث قبل از شماره، از ابی سعید عصفری از حماد بن ایوب، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، از پدران گرامش، از امیر المؤمنین علیه السلام: حضرت فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: فرزندم در زمینی دفن می شود که به آن «کربلاء» می گویند: کربلاء بقعه و مکانی است که در آن قبة الاسلام (مراد بصره است) بوده و این همان مکانی است که حق تعالی در طوفان نوح مؤمنینی را که به آن حضرت ایمان داشتند همراه، آن جناب نجات داد و از آن مهلکه رها نمود.

مصدر: کامل الزیارات ج ۱ ص ۲۶۹

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۹۸ ص ۱۰۹ / مستدرک الوسائل ج ۱۰ ص ۳۲۴

حَدَّثَنِي أَبِي رَه عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَعِيدٍ الْعَصْفَرِيُّ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَضَّلَ الْأَرْضِينَ وَ الْمِيَاءَ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فَمِنْهَا مَا تَفَاخَرَتْ وَ مِنْهَا مَا بَعَثَ فَمَا مِنْ مَاءٍ وَ لَا أَرْضٍ إِلَّا عُوقِبَتْ لِتَرْكُهَا التَّوَاضُعَ لِلَّهِ حَتَّى سَلَّطَ اللَّهُ الْمُشْرِكِينَ عَلَى الْكَعْبَةِ وَ أَرْسَلَ إِلَى زَمْزَمَ مَاءً مَالِحاً حَتَّى أَفْسَدَ طَعْمَهُ وَ إِنَّ أَرْضَ كَرْبَلَاءَ وَ مَاءَ الْفُرَاتِ أَوَّلُ أَرْضٍ وَ أَوَّلُ مَاءٍ قَدَّسَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَبَارَكَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا - فَقَالَ لَهَا تَكَلَّمِي بِمَا فَضَّلَكَ اللَّهُ تَعَالَى فَقَدْ تَفَاخَرَتِ الْأَرْضُونَ وَ الْمِيَاءُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ قَالَتْ أَنَا أَرْضُ اللَّهِ الْمُقَدَّسَةُ الْمُبَارَكَةُ الشَّفَاءُ فِي ثَرْبَتِي وَ مَائِي وَ لَا فَخْرَ بَلْ خَاضَعَةُ ذَلِيلَةً لِمَنْ فَعَلَ بِي ذَلِكَ وَ لَا فَخْرَ عَلَى مَنْ دُونِي بَلْ شُكْرًا لِلَّهِ فَأَكْرَمَهَا وَ زَادَ فِي تَوَاضُعِهَا [وَ زَادَهَا لِتَوَاضُعِهَا] وَ شَكَرَهَا اللَّهُ بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَصْحَابِهِ - ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى.

پدرم رحمه الله علیه، از علی بن ابراهیم بن هاشم، از پدرش از محمد بن علی، وی می گوید: عباد ابو سعید عصفری از صفوان جمال برای ما نقل کرد که او گفت: شنیدم حضرت ابا عبد الله علیه السلام می فرمودند: خداوند تبارک و تعالی برخی از زمین، و آبها را بر بعضی دیگر تفضیل و برتری داد، پاره ای تفاخر و تکبر نموده و تعدادی از آنها ستم و تعدی نمودند از این رو آب و زمین نماند مگر آنکه مورد عقاب الهی قرار گرفت زیرا تواضع و فروتنی در مقابل خدا را ترک کردند حتی خداوند متعال مشرکین را بر کعبه مسلط کرد و به زمزم آبی شور وارد نمود تا طعمش فاسد گردید. ولی زمین کربلاء و آب فرات اولین زمین و اولین آبی هستند که خداوند متعال مقدس و پاکیزه شان نمود و برکت به آنها داد و سپس به آن زمین فرمود: سخن گو به آنچه خدا تو را به آن فضیلت داده مگر نبوده که زمین ها و آبها بعضی بر برخی دیگر تفاخر و تکبر نمودند؟! زمین کربلاء عرضه داشت: من زمین خدا بوده که من را مقدس و مبارک آفرید، شفاء را در تربت و آب من قرار داد، هیچ فخری نکرده بلکه در مقابل آن کس که این فضیلت را به من داده فروتن و ذلیل می باشم، چنانچه بر زمین های دون خود نیز فخر نمی کنم بلکه خدا را شکر و سپاس می کنم پس خداوند متعال بواسطه حسین علیه السلام و اصحابش آن سرزمین را مورد اکرام قرار داد و در تواضع و فروتنی و شکرش افزود سپس حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند: کسی که برای خدا تواضع و فروتنی کند حق تعالی او را بلند کند و کسی که تکبر نماید وی را پست و ذلیل خواهد نمود.

مصدر: کامل الزیارات ج ۱ ص ۲۷۰

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۱۴ ص ۵۱۵ / بحار الأنوار ج ۹۸ ص ۱۰۹

^{۳۲} ارجاع پژوهشی: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: النُّورَةُ نُشْرَةٌ وَ طَهْرٌ لِلْجَسَدِ.

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: نوره، موجب زدودن غم و اندوه و طهارت و پاکیزگی بدن است.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۰۶ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۱

دیگر منابع: الوافی ج ۶ ص ۶۱۴ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۶۵ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۸۹

را ترک نکنند. پس قرض دادن یکی دیگر از انواع انفاق است. یا حضرت علیه السلام می فرمایند: حنا بخريد و به ديگران هم هديه بدهيد^{۳۳}. معنای این کار چیست؟ معنای این کار یعنی ترویج دارویی که چهارده اثر در حوزه سلامت انسان دارد^{۳۴}. در حال حاضر هم مسائلی مشابه این را داریم. مثلاً فقرایی به مسجد می آیند و می گویند پول این نسخه را نداریم به ما کمک کنید. در صورتی که در عصر تشریع وضع به گونه ای دیگر رقم می خورده است. چون مؤمنین فهم پیشگیری از بیماری^{۳۵} داشتند حنا می خریدند و هديه می دادند. شاید سه مورد از مهم

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمُتَقَرِّي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: السُّنَّةُ فِي الثَّوَرَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا فَإِنَّ أَتَيْتَ عَلَيْكَ عَشْرُونَ يَوْمًا وَلَيْسَ عِنْدَكَ فَاسْتَقْرِضْ عَلَى اللَّهِ .
حسين بن احمد بن منقري گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

سنت در نوره کشیدن، در هر پانزده روز يك بار است. پس اگر بیست روز بر تو بگذرد و پولی نداری، بر عهده خدا (با توکل به خدا و ضمانت او) قرض کن (و نوره بکش).

مصدر: الکافي ج ۶ ص ۵۰۶ / من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۱۹ / تهذيب الأحكام ج ۱ ص ۳۷۵
ديگر منابع: الوافي ج ۶ ص ۶۱۶ / وسائل الشيعة ج ۲ ص ۷۱

۳۳. ارجاع پژوهشی: وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : مَا خَلَقَ اللَّهُ شَجَرَةً أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الْحِنَاءِ .

-فرمود صلی الله علیه و آله و سلم: خدا درختی محبوبتر خود از حنا نیافریده.

بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۲۹۹ / طب النبي صلى الله عليه وآله ج ۱ ص ۳۰ / مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۳۹۳

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْحِنَاءُ يَزِيدُ فِي مَاءِ الْوُجْهِ .

هشام بن حکم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رنگ حنا چهره انسان را شاداب می کند.

مصدر: الکافي ج ۶ ص ۴۸۳

ديگر منابع: مكارم الأخلاق ج ۱ ص ۸۰ / الوافي ج ۶ ص ۶۴۱ / وسائل الشيعة ج ۲ ص ۹۴

۳۴. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَحْمَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْرَانَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : نَفَقَةُ ذَرْهَمٍ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ ذَرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ عَشْرَةَ خَصْلَةً يَطْرُقُ الرِّيحُ مِنَ الْأَذْنَيْنِ وَ يَجْلُو الْغِشَاءُ عَنِ الْبَصَرِ وَ يُلَيِّنُ الْخِشَاءَ وَ يَطْيِبُ الْنِكَهَةَ وَ يَشُدُّ اللَّئَةَ وَ يَذْهَبُ بِالْغَشْيَانِ وَ يُقِلُّ وَ سُوسَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرُخُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَ يَسْتَبَشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَغِيظُ بِهِ الْكَافِرُ وَ هُوَ زِينَةٌ وَ هُوَ طِيبٌ وَ بَرَاءَةٌ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَحْيِي مِنْهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ .

راوی گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود:

هزینه يك درهم برای خضاب، برتر از هزینه يك درهم در راه خدا است؛ بهراستی که در خضاب چهارده ویژگی است: باد گوش‌ها را دور می کند، پرده را از چشم دور می نماید، خیشوم‌های بینی را نرم و روان می کند، دهان را خوشبو می کند، لثه را محکم می نماید. غشیان (بیهوشی به خاطر غلبه زردآب) را از بین می برد، و سوسه شیطان را اندک می کند. فرشتگان به آن شادمان می شوند، مؤمن به آن بشارت می گیرد و کافر را به خشم می آورد. خضاب زینت و پاکی و موجب برانت در قبر است و دو فرشته نکیر و منکر از آن شرم و حیا می کنند.

مصدر: الکافي ج ۶ ص ۴۸۲ / من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۱۲۳ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۱ / الخصال ج ۲ ص ۴۹۷

ديگر منابع: الوافي ج ۶ ص ۶۳۶ / وسائل الشيعة ج ۲ ص ۸۵ / مكارم الأخلاق ج ۱ ص ۷۸

۳۵. ارجاع پرورشی: نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری چه می گوید؟

ترین فواید حنا این ها باشند: ضعف چشم را درمان می کند و وزوز گوش را هم از بین می برد. به عبارتی عینک فروش ها و سمعک فروش ها را خلوت می کند. سوم اینکه جزء ابزارهای خوشبو کننده بدن است. خاصیت های دیگری هم برای حنا شمرده اند مثلاً می فرمایند: حنا شیاطین را دور می کند. در واقع از اشیائی است که می توان برای گناه نکردن هم آن را مورد استفاده قرار داد. علاوه بر اینها می فرماید حنا گرفتن موجب دلخوشی زن به شوهر می شود^{۳۶}. لذاست که روایت می فرماید به همدیگر حنا هدیه بدهید. به هرحال در حوزه سلامت، زیارت و حتی

نگاه ما به روایات و آیات حوزه سلامت، نگاهی فقهی و غیر اخباری است و در ابتدای امر برای تبویب و درایه در آیات و روایات این حوزه، قواعد اصولی خود را برای مخاطب تشریح می کنیم. یکی از مهمترین قواعدی که در تبویب "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" از آن بهره برده ایم؛ قاعده اصولی "بیان در فضای نظام مقایسه" است.

مطابق قاعده "بیان در فضای نظام مقایسه" در ابتدای امر، برای حفظ موازنه با طب سلول پایه و سازمان Who، ساختاری سه بخشی را برای تبویب روایات و آیات حوزه سلامت تأسیس کرده ایم. به عبارت دیگر معتقدیم اگر در سه حوزه ۱- سیاست گذاری و مدیریت، ۲- پیشگیری و درمان و ۳- مبانی نظری، آیات و روایت را تبویب کنیم؛ قدرت موازنه طب اسلامی در مقایسه با پزشکی موجود ارتقاء می یابد.

بخش اول "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" به تبویب و درایه در آیات و روایات حوزه سیاست گذاری و مدیریت بخش سلامت اختصاص دارد. تبیین مفهوم "نسخه موازنه" و "نسخه مشاوره"، تبیین "کراهت ارتزاق از پزشکی" و بحث از حمام، از مصادیق مباحث این بخش است. حمام به شرحی که خواهد آمد؛ جزئی از بسته فقهی مدیریت و سیاست گذاری سلامت در محله ها محسوب می شود.

بخش دوم "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" به تبیین مفاهیم و تدابیر حوزه پیشگیری و درمان اختصاص دارد. احیای نقش قلب و نقش تنظیم روابط انسانی در تحلیل های مرتبط با سلامت، در کنار تبیین نقش طبایع اربعه و تغذیه، از مباحث مهم این بخش محسوب می شود.

بخش سوم "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری" به شرح مبانی نظری حوزه سلامت، اختصاص دارد. تبیین "روش تحقیق فقهی در حوزه سلامت"، تبیین خاصیت های اشیاء در حوزه سلامت، بخش مهمی از بحث های بخش مبانی نظری را تشکیل می دهد.

معتقد هستیم، ساختار "نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری"، قدرت موازنه با مفاهیم و سیاست های سازمان بهداشت جهانی را دارد و به تدریج معماری "نظام سلامت آینده" را تبیین می کند.

حجت الاسلام علی کشوری - سومین نشست تخصصی نقد مبانی نظری پزشکی - شنبه ۱۱ دی ماه ۱۴۰۰ - مدرسه علمیه مشکات قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3783>

برای مطالعه بیشتر درباره نظریه "فقهی پیشگیری از بیماری" به پیوست شماره سه مراجعه فرمایید.

^{۳۶}. ارجاع پژوهشی: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَخْضِبَ رَأْسَهَا بِالسَّوَادِ قَالَ وَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النِّسَاءَ بِالْخِضَابِ ذَاتِ الْبُعْلِ وَ غَيْرَ ذَاتِ الْبُعْلِ أَمَّا ذَاتُ الْبُعْلِ فَتَنْزِيْلُ لَزْوَجِهَا وَ أَمَّا غَيْرُ ذَاتِ الْبُعْلِ فَلَا تُشْبِهُ يَدَهَا يَدَ الرَّجَالِ . پیغمبر (صلی الله علیه و آله) به زن اجازه داده که سر را به رنگ سیاه خضاب کند، و زنان را به خضاب کردن (دستها) امر فرمود، -چه شوهردار و چه بی شوهر، - که شوهر دار برای شوهر زینت می کند، و دیگری دستش شبیه دست مردان نخواهد بود.

مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۸۲ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۹۷ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۰۲

مشکلات روزمره و خُرد می توان از راه قرض الحسنه^{۳۷} و انفاق اقدام کرد. به صورت کلی تامین مالی های خرد را می توان از راه انفاق تامین کرد. مثلاً در روایت دارد که به همسر خود هدیه بدهید^{۳۸}. خب این روایات، تامین مالی هدیه را بحث کرده اند. یعنی بخشی از بودجه باید برای هدایا تخصیص پیدا کند چرا که هدیه محبت آور است. حال چه چیزهایی به عنوان هدیه انتخاب کنیم؟ می فرماید بهترین هدیه ای که برای همسران می خرید گوسفند است. با توجه به اینکه در آن زمان از نعمت حیاط برخوردار بودند. در حال حاضر ما تصور می کنیم که هدیه فقط طلاست که البته نه تنها منعی ندارد بلکه ممکن است دارای فضیلت هم باشد^{۳۹}. به هر حال این تامین مالی های خرد را باید

^{۳۷} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۴۵: مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.

کیست آنکه به خدا وام نیکو دهد، تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که [روزی را] تنگ می گیرد و وسعت می دهد؛ و [همه شما برای دریافت پاداش] به سوی او بازگردانده می شوید.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَمَّا أُنْزِلَتْ هَذِهِ آيَةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ زِدْنِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ زِدْنِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ - مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً فَعَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ الْكَثِيرَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُحْصَى وَلَيْسَ لَهُ مُنْتَهَى .
ابو أيوب خزاز گوید: از امام علیه السلام شنیدم که فرمود: چون این آیه بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل گردید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا» (هر کس که عمل نیکی انجام دهد، پس او را سزائی و پاداشی بهتر از آن کار نیکو است-نمل ۲۷: ۸۹) پیغمبر صلی الله علیه و آله به درگاه خدا عرضه داشت: پروردگارا بر من افزون فرما، پس خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل کرد: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (و هر کس که کار نیکی بکند، پاداشی ده برابر آن را دارد-انعام ۶: ۱۶۰) پس پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارا برابرم زیادترا از این بفرما! خداوند این آیه را بر او فرو فرستاد: «مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» (کیست آنکه قرض دهد به خدا قرضی نیکو، پس خدا بیفزاید آن را برایش افزایش بسیار-بقره ۲: ۲۴۵). پس پیامبر صلی الله علیه و آله دانست کثیر از جانب خدا بی شمار است و پایانی برایش نیست.

مصدر: معانی الأخبار ج ۱ ص ۳۹۷

دیگر منابع: الأربعون حدیثاً (للشهيد الأول) ج ۱ ص ۶۶ / تفسیر الصافی ج ۱ ص ۲۷۳ / تفسیر البرهان ج ۱ ص ۵۰۴ / بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۲۴۶

^{۳۸} ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَهَادَوْا تَحَابُّوا تَهَادَوْا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالضَّعَائِنِ.

سکونی گوید: امام صادق علیه السلام می فرماید: به یکدیگر هدیه بدهید تا محبت به یکدیگر پیدا کنید؛ به یکدیگر هدیه بدهید، چون کینه ها را ریشه کن می کند.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۱۴۴ / الخصال ج ۱ ص ۲۷ / من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۲۹۹

دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۳۷۰ / وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۲۸۶

^{۳۹} ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُوسَى بْنِ أَكْبِيلٍ التَّمِيمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي الْحَدِيدِ أَنَّهُ حَلِيَّةُ أَهْلِ النَّارِ وَالدَّهَبُ حَلِيَّةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَجَعَلَ اللَّهُ الدَّهَبَ فِي الدُّنْيَا زِينَةً لِلنِّسَاءِ فَحَرَّمَ عَلَى الرِّجَالِ لِبْسَهُ وَالصَّلَاةَ فِيهِ وَجَعَلَ اللَّهُ الْحَدِيدَ فِي الدُّنْيَا زِينَةً لِلْجِنَّ وَالنَّيَاطِينِ فَحَرَّمَ عَلَى الرِّجَالِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَلْبَسَهُ فِي الصَّلَاةِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ قِتَالًا عَدُوًّا فَلَا بَأْسَ بِهِ» قَالَ قُلْتُ لَهُ فَالرَّجُلُ فِي السَّفَرِ يَكُونُ مَعَ السَّكِينِ فِي حِفْهِ لَا يَسْتَغْنِي عَنْهُ أَوْ فِي سَرَاوِيلِهِ مَشْدُودًا وَالْمِفْتَاحُ يَخْشَى أَنْ يَضَعَهُ ضَاعَ أَوْ يَكُونَ فِي وَسْطِهِ الْمِنْطَقَةُ مِنْ حَدِيدٍ قَالَ «لَا

بحث کنیم. پول هدیه را باید به عنوان جزئی از درآمدهای روزانه در نظر گرفت. یعنی جدول هزینه کردها را که می گذارید، بخشی را به هدیه خریدن برای افراد خانواده و دیگران^{۴۰} اختصاص می دهید.

۲/۴. راه حل تامین مالی برای نیازهای کلان جامعه مانند ساخت مسجد

جدای از این موضوعات، به تأمین مالی های کلان هم نیاز داریم. مثلاً می خواهید مسجد بسازید یا خانه درست کنید. بدیهی است که این چنین مواردی با انفاق های خرد و کیسه چرخاندن بین نمازگزاران شدنی نیست. در

بَأْسَ بالسَّكِينِ وَالْمُنْطَقَةِ لِلْمَسَافِرِ أَوْ فِي وَقْتِ ضَرُورَةٍ وَكَذَلِكَ الْمِفْتَاحُ إِذَا خَافَ الصَّيْعَةَ وَالنَّسِيَانَ وَلَا بَأْسَ بِالسَّيْفِ وَكُلُّ آلَةٍ السَّلَاحِ فِي الْحَرْبِ وَفِي غَيْرِ ذَلِكَ لَا يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْحَدِيدِ فَإِنَّهُ نَجَسٌ مَمْسُوعٌ» .

از امام صادق علیه السلام: و خداوند متعال طلا را در دنیا به عنوان زینت برای یانوان قرار داد.

مصدر: تهذیب الأحكام ج ۲ ص ۲۲۷ / الکافی ج ۳ ص ۴۰۰

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۲۷ / وسائل الشیعة ج ۴ ص ۴۱۹

۴۰. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الثَّوْقَلِيِّ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تُؤْهِدِي لِأَخِي الْمُسْلِمِ هَدِيَّةً تَتَفَعُّهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِمِثْلِهَا .

سکونی گوید: امام صادق علیه السلام می فرماید: امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: این که به برادر مسلمانم هدیه مفیدی بدهم، برایم محبوب تر از آن است که مانند آن چیز را صدقه بدهم.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۱۴۴ / تهذیب الأحكام ج ۶ ص ۳۸۰

دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۳۷۰ / وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۲۸۶

اینصورت باید بگوییم که راه حل تامین مالی پروژه های کلان مسئله "انفال"^{۴۱} است. مثلاً اگر زمین می خواهید راهش این است که قانون مترقی احیای موات را زنده کنید^{۴۲}.

^{۴۱}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره انفال آیه ۱: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا دَاوُدَ بْنَ يَسَّى وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

از تو درباره انفال [یعنی غنایم جنگی و هر گونه مالی که مالک معینی ندارد] می پرسند، [که مالک آنها کیست و چگونه باید تقسیم شود؟] بگو: [مالکیت حقیقی] انفال ویژه خدا و پیامبر است، پس اگر مؤمن هستید [نسبت به انفال] از خدا پروا کنید و [اختلاف و نزاع] بین خود را اصلاح نمایید، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید.

معنای انفال

انفال یعنی اموال عمومی که در اختیار پیامبر (ص) و جانشینان معصوم او (ع) قرار دارد و در زمان غیبت، اختیار آن با ولی امر مسلمین است (تحت تصرف حکومت اسلامی است) و از آن باید در مصالح عمومی جامعه و به سود همگان بهره برداری شود.

*منابع انفال

۱. فیء (آنچه بدون لشکرکشی و جنگ به دست مسلمانان افتاده است، خواه زمین یا غیر آن).

۲. زمینهای موات که جز با احیا و آباد کردن قابل استفاده نیست.

۳. شهرها و روستاهایی که صاحبانش آنها ترک گفته و از آنجا رفته اند.

۴. سواحل دریاها و ورودخانه های بزرگ.

۵. جنگلها و نیزارهای طبیعی و دره ها و بلندی کوهها.

۶. اموال برگزیده و گرانبهای شاهان که در جنگها به دست مسلمانان می افتد.

۷. غنایم برجسته، مانند اسب عالی، لباس گرانبها.

۸. غنایمی که به وسیله ی جنگهایی که بدون اذن پیشوای مسلمانان است به دست می آید.

۹. اموال کسانی که از دنیا می روند و وارث ندارند.

۱۰. معادن.

منبع: رساله توضیح المسائل آیه الله خامنه ای حفظه الله درس ۷۴

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=27744>

^{۴۲}. ارجاع پژوهشی: درباره قانون مترقی احیای موات

درباره قانون مترقی احیای موات سه ملاحظه کلی مطرح است؛ که رعایت و توجه به آنها سرمایه داران ایرانی و اجرای مخفی سند ۲۰۳۰ در کشور و منطقه را به چالش می کشد.

نکته اول: اجرای قانون مترقی احیای موات، زمینه ساز پنج فایده ۱- رونق تولید غیر متمرکز و مردمی در سه حوزه کشاورزی، دامداری و پرورش طیور و باغداری (پایه گذاری عدالت در الگوی تولید)، ۲- حفظ محیط زیست و کاهش تولید زباله، ۳- تولید محصولات طیب و سالم (پیشگیری از بیماری)، ۴- حل مشکل مستأجرها و سقوط آزاد قیمت زمین و ۵- مدیریت غیر متمرکز آب (کاهش هدر رفت آب و کاهش هزینه های استحصال و انتقال آب) است. (محاسن اجرای قانون مترقی احیای موات)

نکته دوم: برای دستیابی به محاسن پنج گانه فوق، احیای موات در سه حوزه ۱- واگذاری اراضی و احیای موات برای ساخت قنات و چشمه، ۲- واگذاری اراضی و احیای موات برای تقویت مشاغل برتر مرتبط با تولید غذا و لباس (کشاورزی، باغداری و دامداری) و ۳- واگذاری اراضی و احیای موات مرتبط با سکونت خانواده و ساخت دار و اسعه در قالب محله، موضوعیت دارد. برخی طرح های موجود برای احیای موات، فقط به احیای موات برای مسکن و صنعت می پردازند و طراحان آنها، احیای موات برای مدیریت آب و احیای موات برای مشاغل برتر را فهم نکرده اند. احیای موات برای مدیریت آب (ساخت قنات و چشمه)، زیرساخت سایر مصادیق احیای موات محسوب می شود. (تبیین انواع احیای موات)

۲/۵. راه حل تامین مالی برای افراد بیکار محله

۲/۵/۱. توزیع مردمی و استحصال خُرد از معادن به عنوان شیوه اسلامی مدیریت معادن

یا راه حل برای رفع مشکلات کسی که بیکار است و شغلی ندارد "معدن" است^{۴۳}. یعنی باید معادن به صورت مردمی توزیع و با استخراج خُرد مدیریت شود. مثالی که بنده همیشه می زنم این است که می توان استحصال دریاچه نمک قم^{۴۴} را به دویست نفر بدهید. در صورتی که الآن فقط دو نفر بهره بردار دارد. چرا باید چنین اتفاقی بیفتد؟ این نحوه

نکته سوم: واگذاری عادلانه زمین به مردم را یکی از دو زیر ساخت اصلی اجرای اولویت های تمدنی ۱۲ گانه می دانیم و برای فهم و تحقق آن، چرخه چهاربخشی تحریک فکر را فعال می نماییم. چهار موضوع: ۱- تولید خبر، ۲- راه اندازی تضارب و نشست تخصصی، ۳- تولید مکتوبات و ۴- نمونه سازی تمدنی حول قانون مترقی احیای موات، بزرگترین چالش اجرای سند ۲۰۳۰ و سرمایه داران در آینده است. (تصمیم سازی گسترده برای اجرای قانون مترقی احیای موات)

معاونت پژوهشی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی - یک شنبه ۸ تیر ۱۴۰۲ - تهران

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5449>

^{۴۳}. ارجاع پژوهشی: «معدن» از ماده «عَدَن» را به این جهت «معدن» می گویند که جایگاه استقرار فلزات و جواهرات است. جَنَاتٌ عَدَنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (پاداش آنان باغ های جاویدان بهشتی است که در آن وارد می شوند در حالی که با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته اند، و لباسشان در آن جا حریر است.)

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می فرماید: (جنات عدن) ظاهراً این جمله بیان همان فضل کبیر باشد. در مجمع البیان گفته: این جمله تفسیر فضل است گویا شخصی پرسیده: این فضل کبیر چیست؟ در پاسخ فرموده: بهشت هایی است که تقدیرش یا پاداش جنات است، یا دخول جنات، و ممکن هم هست کلمه جنات بدل از فضل باشد، گویا فرموده: ذلك دخول جنات - آن داخل شدن بهشت است.

راغب اصفهانی، حسین، المفردات، ط دارالقلم، ص ۵۵۳ / طریحی نجفی، فخرالدین، مجمع البحرین، ت الحسینی، ج ۶، ص ۲۸۱ / مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۸۷ / فاطر / سوره ۳۵، آیه ۳۳ / مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، ص ۴۳۸ / طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، ج ۱۷، ص ۶۶

^{۴۴}. ارجاع پردازی: خبرگزاری مهر- گروه استان ها- ندا سپاهی: یک امضا مانده تا عملیات اجرایی شهرک شیمیایی- معدنی در دریاچه نمک قم در شهرستان آران و بیدگل در شمال استان اصفهان آغاز شود، طرحی که اگرچه از سوی سازمان حفاظت محیط زیست تاکنون تأیید قطعی نشده اما حالا با توجه به اینکه در سطح کمتر از ۵۰ هکتار قرار است تأسیس شود پس از بررسی مطالعات ارزیابی اثرات زیست محیطی، از محیط زیست استان اصفهان می تواند مجوز دریافت کند.

دریاچه نمک قم که در قلب ایران، در مجاورت پارک ملی کویر و بین سه استان قم، اصفهان و سمنان قرار دارد در یک دهه گذشته به دلیل احداث سدهای متعدد و دریغ شدن حقایق، خشکانده شده است، با وجود این در شرایطی که مسئولان محیط زیست در سال های اخیر نسبت به خشکیدن، نابودی حیات دریاچه و فعال شدن کانون بالقوه ریزگردهای نمکی در مرکز ایران بارها هشدار داده اند عده ای دیگر از مسئولان به رؤیای ساخت شهرک صنعتی در دل دریاچه بی رمق جامه عمل می پوشانند.

زمزمه های احداث شهرک فرآوری نمک و عناصر معدنی از سال ۱۳۹۵ در دو استان اصفهان و قم به گوش می رسد؛ طرح پیشنهادی و مورد حمایت نماینده سابق مردم کاشان و آران و بیدگل در مجلس شورای اسلامی که بارها در رسانه ها دریاچه نمک را ظرفیت بالقوه توسعه منطقه، دریاچه ثروت و گنج پنهان توصیف کرده، حالا در آستانه تأسیس است. او احداث شهرک شیمیایی- معدنی و برداشت از دریاچه را منشأ تحولات بزرگ اقتصادی در

واگذاری معادن نادرست است. در فضای برداشت غیر متمرکز از معادن است که شارع می فرماید اگر کسی از طریق معدن - که بخشی از انفال است - دارای شغل شد، باید خمس^{۴۵} مالش را پردازد^{۴۶}. در واقع با این کاریک منبع تامین مالی هم برای امام علیه السلام طراحی شده است^{۴۷}. اما در حال حاضر معادن ما دست سرمایه

کاشان و آران و بیدگل دانسته و در آخرین اظهار نظر خود در سال گذشته گفته است که در مطالعات مجتمع اقتصادی امداد وابسته به کمیته امداد امام خمینی (ره) که با همکاری یک شرکت کانادایی انجام شده، اقتصادی بودن برداشت از این دریاچه به اثبات رسیده و مجوز تأسیس شهرک در آران و بیدگل صادر شده است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی خبرگزاری مهر

<https://www.mehrnews.com/news/5382748>

^{۴۵}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره انفال آیه ۴۱: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِيهِ الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» و بدانید هر چیزی را که [از راه جهاد یا کسب یا هر طریق مشروعی] به عنوان غنیمت و فایده به دست آوردید [کم باشد یا زیاد] یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و خویشان پیامبر، و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده اش روز جدا کننده حق از باطل، روز رویارویی دو گروه [مؤمن و کافر در جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده اید [پس آن را به عنوان حقی واجب به خدا و رسول و دیگر نامبردگان پردازید]؛ و خدا بر هر کاری تواناست.

^{۴۶}. ارجاع پرورشی: اگر از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، زغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدنهای دیگر چیزی بدست آورد در صورتی که به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

بهجت: بنا بر اقوی باید خمس آن را بدهد؛ و بر خلاف منفعت کسب، خمس معدن را نمی تواند تا سر سال به تأخیر بیندازد. سیستمی: مسئله معدن مثل طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، زغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدنهای دیگر از انفال است، یعنی مال امام علیه السلام می باشد، ولی اگر کسی چیزی از آن را استخراج نماید، در صورتی که شرعاً مانعی نباشد، می تواند آن را برای خود تملک کند، و چنانچه به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

مکارم: مسئله واجب است خمس چیزی را که از معادن طلا، نقره، سرب، آهن، مس، زغال سنگ، نفت، گوگرد، فیروزه، نمک و معدنهای دیگر و انواع فلزات به دست می آورند بدهند.

منبع: رساله توضیح المسائل مراجع مسأله ۱۷۹۸

^{۴۷}. ارجاع پرورشی: خمس چیزی است که خداوند متعال، آن را برای محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و ذریه اش - که خداوند نسل با برکت آن ها را زیاد بفرماید - به منظور احترام به آنان، عوض زکاتی که از آلودگی های دست های مردم است، قرار داده و کسی که از یک درهم آن جلوگیری کند جزء ستم کنندگان به آن ها و غصب کنندگان حق آنان می باشد که از مولای ما حضرت صادق (علیه السلام) است که: «همانا خداوند - که جز او خدایی نیست - چون که صدقه را بر ما حرام کرد برای ما خمس را نازل فرمود، پس صدقه بر ما حرام و خمس برای ما فریضه، و کرامت برای ما حلال است.» و از حضرت امام صادق (علیه السلام) است که: «هیچ بنده ای که چیزی از خمس خریده، معذور نیست که بگوید ای پروردگار من آن را به مال خودم خریدم تا اینکه اهل خمس به او اذن دهند» و از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) است که: «و برای احدی حلال نیست که چیزی از خمس بخرد تا اینکه حق ما به ما برسد.

موسوعة الامام الخميني، ج ۲۲، تحرير الوسيطة، ج ۱، ص ۳۶۹، كتاب الخمس، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۳۴ ه. ق.

دارهاست^{۴۸}. شاید بتوانید جهیزیه را از طریق انفاق حل کنید اما شغل و بیکاری را چه می کنید؟ خانه را چطور؟ عرض کردیم که اینها را باید از محل انفال تأمین مالی کرد. بنابراین منابع تأمین مالی مختلفی داریم.

۲/۶. راه حل تأمین مالی افراد ضعیف و فقراى محله

۲/۶/۱. زکات: صندوق محرومیت زدایی امام جماعت مسجد

علاوه بر اینها ممکن است بگویید فقرایی در محله داریم، یا زن سرپرست خانوار، یتیم یا انسان های از کار افتاده، بعضی ها مریض فلج در خانه دارند و... یعنی مجموعه فقرایی که اساساً امکان شغل شدن هم ندارند که بخواهیم از طریق معدن برایشان کاری کنیم. پاسخ این نوع از مشکلات "زکات"^{۴۹} است. زکات بویژه از موارد نه گانه^{۵۰}

^{۴۸} ارجاع پردازی: ایران جز ۱۰ کشور نخست جهان و اولین کشور خاورمیانه از نظر داشتن ذخایر معدنی است و طبق گزارش مرکز پژوهش های مجلس ۷ درصد ذخایر معدنی جهان در ایران جای دارد. طبق بررسی های صورت گرفته تاکنون حدود ۶ هزار معدن با ۷۰ نوع ماده معدنی در کشور شناسایی شده است و کشوردارای ۱۵ هزار محدود امید بخش معدنی شناسایی شده با ۴۰ میلیارد تن ذخایر قطعی به ارزش بیش از ۷۷۰ میلیارد دلار است. ایران به دلیل داشتن معادن غنی از نظر ذخایر بسیاری از مواد معدنی در جهان از جایگاه بالایی برخوردار است به شکلی که ۱۲ معدن مهم جهان در ایران قرار دارد، ۸ درصد ذخایر روی و سه درصد ذخایر سرب جهان در ایران جای گرفته است، کشور چهارمین تولید کننده سنگ تزئینی در دنیا است و ذخایر شناسایی شده مس ایران به بیش از ۳۰ میلیون تن می رسد. همچنین کشور به دلیل داشتن ذخایر اورانیوم، زغال سنگ و سنگ آهن هم در جایگاه بالایی در فهرست جهانی قرار دارد و طبق پیش بینی و بررسی ها ایران روی کمر بند آهن، روی، سرب، مریمیت، مس و طلا جای گرفته است و دست کم ۱۰۰ سال مواد معدنی برای تولید و استخراج دارد ولی با وجود همه این ذخایر بسیار غنی معدنی و پتانسیل رشد اقتصادی کشور به واسطه معادن، ایران تاکنون نتوانسته است برداشت مناسبی از ذخایر معدنی خود داشته باشد و سهم صادرات مواد معدنی در تولید ناخالص داخلی کشور بسیار اندک است. به شکلی که ایران با ۳۴۰ تن برداشت سالانه از ذخایر معدنی کم تر از ۴/۰ درصد از ذخایر خود را استخراج می کند درحالی که استاندارد برداشت از ذخایر معدنی در جهان یک درصد از حجم کلی ذخایر در سال است. سهم بخش معدن و صنایع معدنی در صادرات غیر نفتی کشور ۳۲ درصد و در ارزش بورس ۲۳ درصد بوده؛ یعنی اگر ۳۰ میلیارد دلار صادرات انجام شده ۱۰ میلیارد دلار آن صنایع معدنی بوده است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی خبرآنلاین

<https://www.khabaronline.ir/news/361920>

^{۴۹} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره روم آیه ۳۹: وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبِّا لَّيْرَبُوْا فِيْ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوْا عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُوْنَ.

اموال و اجناسی را که [به صورت وام] به ربا می دهید تا در میان اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت؛ و آنچه از زکات می دهید که [به سبب پرداختنش] خشنودی خدا را می خواهید [مایه فزونی است]؛ پس این زکات دهندگانند که مال و ثوابشان دو چندان می شود.

قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۷۷: اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَاَتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ. مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، و نماز را به پا داشتند، و زکات پرداختند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی [شایسته و مناسب] است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگینی می شوند.

^{۵۰} ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدٌ بْنُ يُّعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّازَ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلَتْ فِدَاكَ زُوي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ

صندوق محرومیت زدایی شماس^{۵۱}. پس اینها یک بحث فنی تخصصی نیاز دارد. باید توجه کنیم که ما یک صندوق و منبع مالی یکسان نداریم. منبع تأمین مالی مدرنیته را که دیده اید چقدر عقب افتاده است. تمام بارها را روی دوش بانک می اندازد که آنهم به سمت ربوی بودن می رود^{۵۲}. بعد می گویند بورس هم جزء منابع تأمین مالی ماست. در حالی که شارع محترم در اسلام یک نظام متکثر از منابع تأمین مالی را بحث کرده است.

أَشْيَاءَ عَلَى الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّيْبِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالنَّعْمِ وَالْبَقَرِ وَالْإِبِلِ وَعَمَّا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَمَّا سَوَى ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ فَائِلٌ عِنْدَنَا شَيْءٌ كَثِيرٌ يَكُونُ بِأَضْعَافِ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْأَزْرُقِيُّ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقُولُ لَكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَضَعَ الصَّدَقَةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَعَمَّا سَوَى ذَلِكَ وَتَقُولُ إِنَّ عِنْدَنَا أَرْزًا وَعِنْدَنَا ذَرَّةً قَدْ كَانَتْ الذَّرَّةُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَقَّعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَذَلِكَ هُوَ الزَّكَاةُ فِي كُلِّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر نه چیز زکات قرار داد: گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، شتر، گاو و گوسفند و غیر از اینها را بخشید.

مصدر: تهذیب الأحکام ج ۴ ص ۵ / الإستبصار ج ۲ ص ۵

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۹ ص ۵۵ / الفصول المهمة ج ۱ ص ۵۵۹

^{۵۱} ارجاع پژوهشی: وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّمَا وَضَعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِيَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَمُعَوْنَةً لِلْفُقَرَاءِ وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدُّوا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرٌ مُحْتَاجًا وَلَا سَتَغْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا اخْتَأَجُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَزُّوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ وَحَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَمْنَعَ رَحْمَتَهُ مَنْ مَنَعَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ وَأُقْسِمُ بِاللَّهِ خَلَقَ الْخَلْقَ وَبَسَطَ الرِّزْقَ أَنَّهُ مَا صَاعَ مَالٍ فِي بَرْ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا يَتْرُكُ الزَّكَاةَ وَمَا صَيْدَ صَيْدٌ فِي بَرْ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا يَتْرُكُهُ التَّسْبِيحُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَإِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَشْخَاهُمْ كَفًّا وَأَسْخَى النَّاسِ مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَلَمْ يَبْخُلْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ فِي مَالِهِ.

- و در روایت ابو الحسین محمد بن جعفر بن اسدی - رضی الله عنه - از محمد بن اسماعیل برمکی، از عبد الله بن احمد، از فضل بن اسماعیل، از معتب مولای امام صادق علیه السلام آمده است که گفت: امام علیه السلام فرمود: همانا که زکات برای آزمایش اغنیا، و کمک به فقرا وضع شده است، و اگر مردم زکات اموال خود را می پرداختند، هیچ مسلمانی فقیر و محتاج نمی ماند، و هر آینه با سهمی که خدای عز و جل برای او مقرر فرموده است مستغنی میشد، و مردم فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نشده اند مگر به علت گناهان اغنیا، و خدای عز و جل را سزاوار است که رحمت خود را از کسی که حق خدا در مال خود را باز داشته است بازدارد و به آن کسی که خلق را آفریده و خوان رزق را گسترده است قسم یاد میکنم که هیچ مالی در خشکی یا دریا تباه نمیشود مگر به علت ترک زکات، و هیچ صیدی در خشکی یا دریا شکار نمیشود مگر به علت ترک تسبیح در آن روز، و همانا که محبوبترین مردم نزد خدای عز و جل گشوده دست ترین ایشان است، و سخاوتمندترین مردم کسی است که زکات مالش را بپردازد، و در باره مؤمنین نسبت به حقّی که خدای عز و جل برای ایشان در مال او مقرر داشته است بخل نورزد.

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۷

دیگر منابع: عوالي اللئالی ج ۱ ص ۳۷۰ / الوافی ج ۱۰ ص ۵۰ / وسائل الشیعة ج ۹ ص ۱۲

برای مطالعه بیشتر درباره "زکات" به پیوست شماره چهار مراجعه فرمایید.

^{۵۲} ارجاع پردازی: به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، موضع گیری علما و بزرگان حوزه های علمیه در برابر برخی عملکردهای غیر شرعی و غیر قانونی بانکها، که ساز و کارهای کل اقتصاد ایران را تحت الشعاع قرار داده است، در سال ۱۳۹۵ نسبت به سالهای قبل از آن بی سابقه بود.

۲/۷. راه حل تامین مالی سادات فقیر

ملحق به اینها درباره ی سادات فقیر باید چه کنیم؟ برای اینها می گوید آنها سهم سادات^{۵۳} دارند که نیمی از خمس است. مخارج خود امام را چگونه تامین می کند؟ می گوید خمس یکی از منابع تامین مالی امام است^{۵۴} و خراج^{۵۵}

برای مطالعه بیشتر درباره ی موضع گیری مراجع درباره ی ربوی بودن بانکها به پیوست شماره پنج مراجعه فرمایید.

^{۵۳}. ارجاع پرورشی: سهم سادات بخشی از خمس است که به سادات (نسل بنی هاشم) نیازمند می رسد.

فقیهان شیعه، با استناد به آیه خمس بخشی از خمس را متعلق به سادات نیازمند می دانند که به سهم سادات شناخته می شود. آنان مراد از «یتامی»، «مساکین» و «ابن السبیل» را در این آیه، یتیمان، مساکین و در راه ماندگان از نسل بنی هاشم می دانند. بنا به گفته صاحب جواهر، مشهور فقهای شیعه معتقدند سهم سادات تنها به کسانی تعلق می گیرد که از طریق پدر به هاشم بن عبدمناف برسند و کسی که مادرش سیده (میرزا) باشد، سهم سادات به او نمی رسد. درباره چگونگی پرداخت سهم سادات، نظر یکسانی وجود ندارد؛ بیشتر مراجع تقلید بر این باورند که باید آن را به حاکم شرع یا مرجع تقلید تحویل داد و یا با اجازه او، به سادات نیازمند پرداخت کرد؛ اما برخی دیگر در پرداخت سهم سادات، اجازه مجتهد را شرط نمی دانند و معتقدند می توان آن را مستقیم به سید فقیر داد. فلسفه اختصاص بخشی از خمس به سادات را برای جبران ممنوعیت پرداخت صدقه غیر سادات به آنان دانسته اند.

سوره انفال، آیه ۴۱ / نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۸؛ ابن براج، المذهب، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۸۰ / نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۹۰ / بنی هاشمی خمینی، توضیح المسائل مراجع، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۷۵-۷۷ / نشریه الکترونیکی پرسمان، دلیل پرداخت خمس به سادات چیست و چرا سخت گیری می شود؟، بازیابی: ۲۹ مهر ۱۳۹۶ش.

^{۵۴}. ارجاع پرورشی: سهم امام بخشی از خمس است که به خدا، پیامبر (ص) و امام معصوم تعلق دارد. فقهای شیعه سه مورد (خدا، پیامبر و ذوی القربی) از مصارف شش گانه خمس را که در آیه خمس آمده، متعلق به امام دانسته و از آن به سهم امام یاد می کنند. از سهم امام، به سهم خدا، سهم پیامبر و سهم ذوی القربی نیز یاد می شود. در زمان غیبت امام، مراجع تقلید شیعه، سهم امام را دریافت می کنند و برای ترویج و تقویت اسلام خرج می کنند. برخی از فقیهان شیعه معتقدند که سهم امام در زمان غیبت، باید در مواردی مصرف شود که مرجع تقلید گمان می کند یا می داند که اگر امام معصوم حاضر بود، آن را در همان موارد مصرف می کرد؛ مانند حوزه های علمیه، بنای مساجد، امور کتابخانه ها و مدارس و رسیدگی به نیازمندان. البته اقوال دیگری نیز درباره سهم امام در زمان غیبت مطرح بوده، مانند ساقط شدن وجوب آن، مباح بودن آن برای شیعیان، پرداخت آن به سادات نیازمند، صدقه دادن آن، دفن، کنار گذاشتن و نگهداری آن تا زمان ظهور. آیت الله مکارم پس از نقل این اقوال، گفته است که قول مشهور نزد متأخرین و معاصرین این است که مرجع تقلید آن را در اموری که گمان می کند رضایت امام غایب در آن است، خرج کند.

سید مرتضی، رسائل شریف مرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۲۶ / نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶، ص ۸۴ / ابن براج، المذهب، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۸۰ / بروجردی، مرتضی، المستند فی شرح عروة الوثقی، ص ۳۳۰ / مکارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، کتاب الخمس و الانفال، ص ۴۸۳ / مکارم شیرازی، انوار الفقاهه، کتاب الخمس و الانفال، ۱۴۱۶ق، ص ۴۸۳

^{۵۵}. ارجاع پرورشی: خراج به مالیات اراضی گفته می شود و از آن در در باب های: زکات، تجارت، مزارعه، مساقات و اجاره سخن گفته اند. در متون حدیثی و منابع فقهی گاه واژه خراج به معنای لغوی دیگر آن، یعنی مالیات یا هر نوع مالی که متولی جمع آوری و مصرف آن حاکم است، به کار رفته که شامل خمس، زکات، فئ و جزیه می شود. عناوین نخستین آثاری که با این عنوان تألیف شده اند، از جمله کتاب الخراج قاضی ابویوسف (متوفی ۱۸۲) و اثری به همین نام از یحیی بن آدم (متوفی ۲۰۳)، ناظر به این مفهوم خراج است.

خراج در منابع فقهی، اصطلاحاً به معنای مالیاتی است که به اصل زمین، تعلق می گیرد. فقها در برخی اقسام زمین، به ویژه زمین هایی که با جنگ فتح شده و زمین هایی که بر پایه مصالحه مسلمانان با کفار در مالکیت مسلمانان درآمده است، پرداخت خراج را ضروری دانسته اند. فقها میزان خراج را تعیین نکرده اند و با استناد به ادله فقهی از جمله احادیث، آن را به تشخیص حاکم، بر پایه مصلحت و عرف، واگذاشته اند. بر این اساس، نوع و مقدار محصول زمین، ویژگی های زمین، نوع آبیاری و فاصله آن از آبادی در تعیین آن مؤثر بوده است.

یک بخش دیگر. بیت المال مسلمین از همه اینها تشکیل می شود و متنوع است. در رابطه با امام جماعت هم به نظرم باید اول برای تامین مالی خودش تعیین تکلیف کند. چرا که ما یک نوع تامین مالی واحد نداریم.

۲/۸. راه حل تامین مالی برای خانواده

یک نوع دیگر از تامین مالی برای خانواده خود انسان است که آنها وقف^{۵۶} است. یعنی ارث^{۵۷} تنها منبع تامین مالی برای فرزندان نیست. گاهی می بینید فرزند نا اهلی دارید که همین که از دنیا بروید تمام املاک و دارایی های شما را

ماوردی، علی بن محمد، الاحکام السلطانية والولايات الدينية، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۲، چاپ محمدجاسم حدیثی، بغداد ۱۴۲۲/۲۰۰۱/ ابن فراء، الاحکام السلطانية، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۷۳، چاپ محمد حامد فقی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳/ محقق کرکی، علی بن حسین، قاطعة اللجاج فی تحقیق حل الخراج، ج ۱، ص ۶۶/ الخراجیات، همان، ۱۴۱۳/ ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، کتاب الخراج، ج ۱، ص ۵۹-۶۰، قاهره ۱۳۵۲/ ماوردی، علی بن محمد، الاحکام السلطانية والولايات الدينية، ج ۱، ص ۳۰۸-۳۰۷، چاپ محمدجاسم حدیثی، بغداد ۱۴۲۲/ ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ج ۱، ص ۲۵۹۲۶۱، چاپ رضا استادی، اصفهان (۱۳۶۲ش).

^{۵۶} ارجاع پرورشی: وقف، در لغت به معنای توقف و حبس و در اصطلاح فقهی از عقود اسلامی به معنای حبس کردن مال و جاری کردن منفعت یا ثمره آن برای استفاده عموم مردم، بدون دریافت عوض است. وقف یکی از برترین مصادیق احسان و نیکوکاری است که در سامان دهی زندگی فردی و اجتماعی، نقش فراوانی دارد.

در باب وقف احادیثی که در آنها واژه صدقه و بر وارد شده است فراوان است و در کتب حدیثی، فقهی و اخلاقی شیعه و سنی زیاد به چشم می خورد. از جمله در وسائل الشیعه جلد نوزدهم باب وقف، احادیث بسیاری هست که فقها به مضامین آنها فتوا داده اند. ولی احادیثی که بنا به تاکید ما کلمه وقف در آنها آمده باشد اندک است و می توان آن را در مورد ذیل شمرد:

۱. هفده حدیث در وسائل در فصل های مختلف باب وقف؛

۲. یک حدیث در تهذیب.

۳. یک حدیث در بحار که از خصال نقل کرده و در وسائل نیز به آن اشاره شده است، ولی در بحار چنین است: «او صدقة موقوفة لاتورث» و در وسائل که از کافی نقل کرده آمده است: «او صدقة مبنولة لاتورث» و «مبنولة» به معنای مقطوعه است.

حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۷۱/ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۲۹/ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳،

ص ۱۸۱/ صدوق، محمد بن علی، خصال، ص ۳۲۳/ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۷۳/ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳،

ص ۱۸۱/ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱۳، ص ۴۶۶/ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۷۲

^{۵۷} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نساء آیه ۷۶: یَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلُّانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رَجُلًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضْلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ. از تو درباره کلاله [یعنی میراث برادران و خواهران] فتوا می خواهند، بگو: خدا درباره کلاله به شما فتوا می دهد: اگر مردی که فرزند ندارد، از دنیا برود و برای او خواهری باشد، نصف میراثی را که از او به جا مانده خواهر به ارث می برد، و اگر خواهری از دنیا برود و وارثش فقط یک برادر باشد، همه میراث به جا مانده خواهر را برادرش به ارث می برد، و اگر خواهران میت دو نفر باشند، دو سوم میراث به جا مانده را ارث می برند، و اگر خواهران و برادران متعدد باشند، سهم ارث برای مرد مانند دو زن است. خدا [احکامش را] برای شما بیان می کند تا گمراه نشوید؛ و خدا به همه چیز داناست.

قرآن کریم سوره نساء آیه ۱۱: يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلَّذَكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثُ مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا الشُّدُّسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ الشُّدُّسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

به باد خواهد داد، پس می توانید وقف اختصاصی برای خانواده خود هم داشته باشید. ملحق به وقف برای خانواده می توان وقف عام کرد و حبس مال برای همه مسلمین. در عین حال وقف خاص برای رفع فقر در فامیل و خاندان هم باید احیاء شود. گاهی می بینید که در خانواده و خاندان شما افرادی نیازمند وجود دارند و در عین حال بهر دلیلی نمی خواهید که مالتان را واگذار کنید. در چنین شرایطی می توانید وقف خاص را انجام دهید. بنابراین ابزارهای تامین مالی تابع نیازهایی است که داریم. همین بازار شهر قم، وقف یک واقف در دوره قاجاریه است^{۵۸}. الان خیرین را به سمت مدرسه سازی سوق داده ایم در حالیکه اولویت با ساخت بازارهای وقفی است که یکی از فوائد

خدا شما را درباره [ارث] فرزندان سفارش می کند که سهم پسر مانند سهم دو دختر است. و اگر [میراث بران میت] دخترند و بیش از دو دختر باشند، سهم آنان دو سوم میراث است؛ و اگر یک دختر باشد، نصف میراث سهم اوست. و برای هر یک از پدر و مادر میت چنانچه میت فرزندی داشته باشد، یک ششم میراث است؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و [تنها] پدر و مادرش ارث می برند، برای مادرش یک سوم است [و باقی مانده میراث سهم پدر اوست] و اگر میت برادرانی داشته باشد، سهم مادرش یک ششم است. [همه این سهام] پس از وصیتی است که [نسبت به مال خود] می کند، یا [پس از] دینی است [که باید از اصل مال پرداخت شود]. شما نمی دانید پدران و فرزندان کدام یک برای شما سودمندترند [بنابراین اختلاف سهم ها، شما را نگران نکند و موجب اعتراض نشود]. [این تقسیم بندی] فریضه ای از سوی خداست؛ زیرا خدا همواره دانا و حکیم است.

^{۵۸}. ارجاع پرورشی: بازار سنتی قم بخشی از بافت تاریخی این شهر است. این بازار امروزه در کنار محله عربستان و در بافت تاریخی خیابان آذر قرار گرفته است. اگرچه در روند خیابان-کشی و شهرسازی شهر قم در دوران نوین بافت تاریخی بازار، دستخوش دگرگونی و گسستگی شده است، این بازار همچنان جایگاه شهری خود را نگاه داشته است. این یادگار تاریخی از سال ۱۳۷۶ خورشیدی در فهرست آثار ملی ایران جای دارد. بازار قم سازه-ای است از خشت، آجر، گل و سنگ. این بازار تاریخی ایرانی ۲ رسته نو و کهنه سر پوشیده به درازای نزدیک به یک کیلومتر با پوشش گنبدی دارد که این بافت شهری را از گرما و سرمای کویری محافظت می-کند. جابجایی هوا و نورگیری این بازار با دریچه‌هایی گرد در دو سوی بالای پوشش گنبدی صورت می-گیرد. تعداد ۴ نیم تاق و ۷۸ تاق گنبدی در بازار قم وجود دارد و میانگین بلندای دو رسته سر پوشیده، ۶ متر است. از میان سراهای بازار قم می-توان سرای بناها، صدراعظم، همدانی‌ها، حاج عسگرخان، حاج عباسقلی، بلیتی‌ها و حاج میرزا را نام برد. جدای از این ۲ رسته سر پوشیده، بازار قم سراهای سرباز نیز دارد که با تغییر کاربری کاروانسراهای اطراف بازار شکل گرفته‌اند. بخشی که امروزه «بازار کهنه» قم نامیده می-شود، در دوران صفویه و پیرامون مسجد جامع ساخته شده است و تا پایان دوره قاجاریه همچنان سازه‌های دیگر نیز به آن افزوده شد. این بازار دارای بخش-هایی مانند کاروانسرای ملاحسین، میدانگاهی به نام میدان کهنه و مسجدی به همین نام یا نام «پامنار» با یک برج تاریخی است.

در میانه دوران قاجار، به فرمان ناصرالدین شاه، بازار قم توسعه یافت که به آن «بازار نو» گفته می-شود. در دو سوی رسته بازار نو، سازه-هایی مانند تیمچه بزرگ ساخته شده است. تیمچه بزرگ سازه-ای با دو اشکوب ۱۲ در بخش شمالی به معماری استاد حسن قمی است که در سال ۱۲۶۳ به بافت بازار قم افزوده شد. در معماری این یادگار تاریخی که ۱۵ متر بلندا و ۲۸ متر درازا و ۲ درگاه دارد گنبد عرق چینی، نورپردازی، رسمی-بندی، یزدی-بندی، ارسی، آجرکاری، مقرنس گچی، آسمانه سه چشمه به پهنای ۱۵ متری به کار رفته است.

گفته می-شود که تیمچه بزرگ بازار قم بزرگترین سقف ضربی در ایران است. بازار نو همچنان در دوران پهلوی نیز گسترش یافت. از دیگر بخش-های بازار نو می-توان چهار سوق، بازار کفا-ش-ها، سه راه بازار، بازارچه حسین آباد و بازار مسگرها را نام برد. امروزه پاساژهای «قائم»، «حجت» و «بوعلی سینا» در بازار نو جای دارند.

منبع: پرتال جامع گردشگری ایران

<https://www.visitiran.ir/fa/attraction>

آن کاهش قیمت هاست. علاوه بر این، غرفه های وقفی بازار را نباید ذیل سرقفلی واگذار کرد^{۵۹}. واگذاری باید به نحوی باشد که وقفیت باقی بماند. ظاهراً به نوعی میان سرقفلی و باقی ماندن موقوفه تعارض وجود دارد^{۶۰}. چون در حال حاضر این مغازه های وقفی قیمت ها را کاهش نمی دهند.

بحث دیگر این است که در مواردی می گوئید هدف من تامین مالی مستقیم نیست و بنده قصد کاهش قیمت ها را دارم. در این شرایط می توانید بازار بسازید. در واقع این کار هم به نوعی کمک مالی به همه مردم است اما از طریق کاهش تورم. غرض اینکه بحث های متنوعی در زمینه موضوع تامین مالی وجود دارد.

^{۵۹}. ارجاع پرورشی: وجه دریافتی هر یک از مستأجر و مالک از دیگری یا از شخصی سوم در ازای حق پیشه و کسب را سرقفلی گویند. از احکام سرقفلی در مسائل مستحدثه و نیز باب خمس سخن گفته اند.

سرقفلی از عناوین جدید است که به فقه راه یافته و در میان بازاریان و پیشه وران رواج پیدا کرده است و به محل کسب تعلّق می گیرد. این عنوان در پی تصویب قانونی در ارتباط با موجر و مستأجر، پدید آمد. مفاد این قانون چنین است: مالکی که محل کسب را اجاره داده، با پایان یافتن مدت اجاره نمی تواند آن را از مستأجر بگیرد یا اجاره بها را افزایش دهد و مستأجر تا هر زمان که بخواهد می تواند با همان اجاره بهای نخستین، آن محل را در اختیار داشته باشد، هر چند اجاره بهای فعلی آن افزایش پیدا کرده باشد یا آن را با همان مبلغ اجاره بها به دیگری واگذار کند و در ازای آن از فرد سوم وجهی که سرقفلی نامیده اند، دریافت نماید.

بنابر آنچه گفته شد ملاک مشروعیت و عدم مشروعیت سرقفلی این است که در هر موردی که مالک (موجر) حق داشته باشد اجاره بها را افزایش دهد یا از مستأجر بخواهد محل اجاره را تخلیه کند و او حق خودداری از آن نداشته باشد، گرفتن سرقفلی مشروعیت ندارد؛ اما در جایی که مالک حق افزایش اجاره بها یا درخواست تخلیه ملک را نداشته باشد و مستأجر نیز حق تخلیه ملک برای فردی سوم و اجاره دادن آن به او را داشته باشد، سرقفلی گرفتن مشروعیت دارد.

توضیح المسائل مراجع ج ۲، ص ۸۶۱

^{۶۰}. ارجاع پردازشی: الآن ما در کوچه مروی حدود صد مغازه داریم. صد تا مغازه در بازار عدد سنگینی است ولی سرقفلی آنها به سبب قانون اصلاحات ارضی واگذار شده است. خیلی ها می گویند اوقاف یا متولی موقوفات خیانت کرده و سرقفلی ها را فروخته است در حالی که ما اصلاً به کسی چیزی نفروختیم بلکه مال وقفی را به افراد واگذار کردند و ما تنها می توانیم اجاره بسیار کمی بابت این موقوفات از آنها بگیریم که تقریباً نزدیک به هیچ است. الآن اجاره مغازه های کوچه مروی ماهی ۲۰۰ هزار تومان است در حالی که اجاره واقعی آنها از ۴۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان است. شما اجاره ۵۰ میلیون تومانی را با اجاره ۲۰۰ هزار تومانی مقایسه کنید!

بخشی از مصاحبه حجت الاسلام عبداللّهی درباره وضعیت موقوفات حوزه علمیه مروی

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حوزه علمیه مروی تهران

<https://howzehmarvi.ir/posts/160>

۳. اولویت دار ترین کار در شرایط کنونی: احیاء و استفاده صحیح از موقوفات

حال در شرایط کنونی چه کنیم؟ از کدام یک از اینها می توانیم استفاده کنیم؟ به نظرم در شرایط فعلی بهتر است که به سمت احیای موقوفات کشور برویم. چون ما مجموعه ای از موقوفات داریم که از آنها به شکل مناسبی استفاده نمی شود^{۶۱} و دیگران به تبع آن تصمیم نادرست دوره پهلوی موقوفه ها را غصب کرده اند^{۶۲}. می توان موقوفه های تجاری را به لحاظ اولویت احیاء کرد. چون که هم وقف عام داریم و هم وقف خاص، می توانیم با توجه به شرایط مختلف و برای نیازهای مختلف کشور از آن ها استفاده کنیم. مثلاً گاهی که به کرمانشاه می روم، در آنجا یک طرف یک خیابان چند کیلومتری تماماً موقوفه است ولی کسی از آن استفاده نمی کند. یا در همین شهر قم، تمام این زمین هایی که دیوارهایشان را رنگ سبز زده اند موقوفه های حضرت معصومه سلام الله علیها هستند. چرا از این زمین

^{۶۱} ارجاع پردازی: حسن ربیعی روز سه شنبه در نشست خبری همایش وقف و رسانه گفت: سطح آگاهی، اعتماد به نفس و شناخت مردم نسبت به وقف در سطح بالایی قرار ندارد و نیاز است مسوولان دولتی به ضرورت اقتصاد وقفی توجه کنند. وی گفت: ایران از پیشینه زیادی در خصوص وقف برخوردار است اما اکنون کشورهای دیگر در بحث وقف از ما پیشی گرفتند. ربیعی با اشاره به وجود موقوفات پیش از اسلام در ایران گفت: موقوفه هایی از زرتشتیان ایران همچنان در کشور وجود دارد و این نشان از اهمیت وقف دارد. وی درباره اهمیت وقف در دیگر ادیان افزود: هم اکنون در ایران موقوفاتی از دیگر ادیان مانند یهودیت و مسیحیت وجود که درآمد حاصله از این موقوفات به پیروان این ادیان اختصاص داده می شود. مدیر کل روابط عمومی سازمان اوقاف و امور خیریه در ادامه با اشاره به اهمیت و ضرورت وقف گفت: در حال حاضر بودجه کشور مصر از ۳ طریق دولتی، خصوصی و نهادهای مردمی و خیریه تامین می شود که نشان از جایگاه وقف و امور خیریه در این کشور دارد. ربیعی در ادامه با اشاره به تاریخ وقف در ایران گفت: در همه دوره ها فرهنگ وقف در ایران گسترش خوبی یافته بود و تنها در دوره افشاریان و پهلوی دوم به دلیل عملکرد بد مسوولان، وقف شرایط خوبی نداشت.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی خبرگزاری ایرنا

<https://www.irna.ir/news/80965110>

^{۶۲} ارجاع پردازی: خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده. قیام برای نفس است که بیش از ده میلیون جمعیت شیعه را به طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه مشتی شهوت پرست پشت میز نشین شدند. قیام برای شخص است که یک نفر مازندران بیسواد را بر یک گروه چندین میلیونی چیره می کند که خُژ و نسل آنها را دستخوش شهوات خود کند. قیام برای نفع شخصی است که الآن هم چند نفر کودک خیابانگرد را در تمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده. قیام برای نفس اماره است که مدارس علم و دانش را تسلیم مشتی کودک ساده کرده و مراکز علم قرآن را مرکز فحشا کرده. قیام برای خود است که موقوفات مدارس و محافل دینی را به رایگان تسلیم مشتی هرزه گرد بیشراف کرده و نفس از هیچ کس در نمی آید. قیام برای نفس است که چادر عفت را از سر زنهای عییف مسلمان برداشت و الآن هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی بر علیه آن سخنی نمی گوید. قیام برای نفعهای شخصی است که روزنامه ها که کالای پخش فساد اخلاق است، امروز هم همان نقشه ها را که از مغز خشک رضاخان بیشراف تراوش کرده، تعقیب می کنند و در میان توده پخش می کنند. قیام برای خود است که مجال به بعضی از این وکلای قاچاق داده که در پارلمان بر علیه دین و روحانیت هرچه می خواهد بگوید و کسی نفس نکشد.

بخشی از نامه حضرت امام خمینی ره خطاب به مردم ایران و دعوت آنها به قیام در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳

صحیفه امام خمینی ره ج ۱ ص ۲۱

ها بهره برداری نمی شود؟ این هاست که بنده را به این نتیجه رسانده که در حال حاضر مهم ترین طرح برای تامین مالی برای حل مسائل مردم از پایگاه وقف رقم خواهد خورد. البته در وقف هم مشکلاتی وجود دارد از جمله اینکه اجازه نداریم نیت واقف را عوض کنیم. با همه اینها به نظرم در حال حاضر موضوع تغییر نیت وجود ندارد. مشکل اصلی بهره برداری سوء و ضعیف از موقوفات است. پس امام جماعت و جمعه باید یک جدول بودجه ریزی برای خودش درست کند. از قرض الحسنه، انفاق، زکات، خمس، وقف، معدن و انفال، آنگاه بر اساس این جدول جامعه را هدایت می کند. مثلاً الان حدود ده میلیون مستاجر داریم^{۶۳}. واضح است که این مشکل را نمی توانیم با جمع کردن پول از مساجد حل کنیم. پاسخ حل این مشکل در احیای قانون مترقی احیای موات است. تامین مالی در هر حوزه ای یک راه حل دارد.

۳/۲. استفاده از روشهای مختلف تامین مالی در اسلام، به عنوان منبع تامین درآمدها در مدل بودجه ریزی اسلامی

این را هم اضافه کنم که به جای مدل بودجه ریزی عملیاتی^{۶۴} و مدلهای دیگری که الان وجود دارد، ردیف درآمدها در مدل بودجه ریزی ما، همین منابع تامین مالی متعدد خواهد بود. در اینجا البته یک پرسش دیگر هم وجود دارد و

^{۶۳} ارجاع پردازی: به گزارش مشرق، رستم قاسمی در جریان سفر هیات دولت به آذربایجان غربی و در آیین بهره برداری از پالایشگاه قیر ارومیه، اظهار داشت: استان آذربایجان غربی یکی از استانهای با ویژگی های خاص است که اقوام مختلف در کنار هم برادرانه زندگی می کنند. وی با اشاره به اهداف وزارت راه در دولت سیزدهم، گفت: ما در وزارتخانه در ۲ حوزه راه و مسکن مشغول خدمت هستیم، در حوزه مسکن طبق نیاز مردم و تعهد دولت سالانه یک میلیون مسکن باید بسازیم.

وزیر راه و شهرسازی، عنوان کرد: اکنون در سطح کشور ۸ میلیون مستاجر داریم، حدود ۵۰ درصد از هزینه سبد خانوار مربوط به مسکن است که تصمیم داریم در این ۴ سال به طور میانگین سالانه یک میلیون واحد مسکن بسازیم.

وی ابراز داشت: خوشبختانه استان آذربایجان غربی در تامین زمین جهت ساخت مسکن جزو استان های پیشرو است و عملیات اجرایی بیش از ۴۰ هزار واحد مسکن شروع شد که تقریباً به میزان نصف نیازهای ۴ ساله ی مردم ثبت نام کننده است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی مشرق نیوز

<https://www.mashreghnews.ir/news/1377259>

^{۶۴} ارجاع پرورشی: بودجه ریزی عملیاتی، علاوه بر تفکیک اعتبارات به وظایف، برنامه ها، فعالیت ها و طرح ها، حجم عملیات و هزینه های اجرای عملیات دولت و دستگاه های دولتی بر مبنای روشهای علمی نظیر حسابداری قیمت تمام شده محاسبه و اندازه گیری می شوند، ارقام پیش بینی شده در بودجه عملیاتی باید مستند به تجزیه و تحلیل تفصیلی برنامه ها و عملیات و نیز قیمت تمام شده آنها باشد. برای تحقق این اهداف باید وظایف دولت ها در کنار وظایف مردم و نهادهای غیردولتی مشخص گردد، ساختار دولت تعیین شود و برای تحقق اهداف برنامه ریزی شود. برای تحقق برنامه ها، بودجه ریزی انجام می شود و با تخصیص منابع، وظایف دولت اجرا می گردد. بودجه ریزی عملیاتی از جمله مقوله هایی است که در بیش تر کشورهای توسعه یافته مورد استفاده قرار می گیرد و کشور ما ایران نیز چند سالی است در جهت تغییر نظام بودجه ریزی خود از حالت سنتی به بودجه ریزی عملیاتی است. برای ایجاد این تغییر ابتدا بایستی برخی مشکلات موجود از سر راه برداشته شود که این امر خود مستلزم طی زمان می باشد.

سیدقمی، میر رسول و سیدقمی، میرمحسن، ۱۳۹۵، بودجه ریزی عملیاتی، دومین کنفرانس بین المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی، تهران

<https://civilica.com/doc/530137>

آن اینکه تأمین مالی مشاغل از کجاست؟ یعنی کسی شغل دارد اما پول در گردش ندارد. پاسخ این است که "عقود" اسلامی منبع تأمین مالی برای مشاغل است. مثلاً از طریق عقد شرکت^{۶۵}،

^{۶۵}. ارجاع پرورشی: احکام شرکت

مسئله ۲۱۴۲- اگر دو نفر بخواهند با هم شرکت کنند، چنانچه قبل از خواندن عقد شرکت یا بعد از آن هر کدام مقداری از مال خود را با مال دیگری بطوری مخلوط کند که از یکدیگر تشخیص داده نشود و به عربی یا به زبان دیگر صیغه شرکت را بخوانند، یا کاری کنند که معلوم باشد می خواهند با یکدیگر شریک باشند، شرکت آنان صحیح است.

مسئله ۲۱۴۳- اگر چند نفر در مزدی که از کار خودشان می گیرند با یکدیگر شرکت کنند، مثل دلاکها که قرار می گذارند هر قدر مزد گرفتند با هم قسمت کنند شرکت آنان صحیح نیست.

مسئله ۲۱۴۴- اگر دو نفر با یکدیگر شرکت کنند که هر کدام به اعتبار خود جنسی بخرد و قیمت آن را خودش بدهکار شود ولی در جنسی که هر کدام خریده اند و در استفاده آن با یکدیگر شریک باشند صحیح نیست اما اگر هر کدام دیگری را وکیل کند که جنس را برای او نسبه بخرد بعد هر شریکی جنس را برای خودش و شریکش بخرد که هر دو بدهکار شوند شرکت صحیح است.

مسئله ۲۱۴۵- کسانی که بواسطه عقد شرکت با هم شریک می شوند، باید مکلف و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار شرکت کنند، و نیز باید بتوانند در مال خود تصرف نمایند، پس آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند، اگر حاکم شرع او را از تصرف در اموالش جلوگیری کرده باشد اگر شرکت کند صحیح نیست.

رساله توضیح المسائل حضرت آية الله العظمی امام خمینی ره ص ۳۲۹

مزارعه^{۶۶}، مساقات^{۶۷} و مثلاً شما یک باغ دارید که برای تأمین مالی آن می‌توانید از طریق مساقات اقدام کنید. بنابراین وقتی منابع مختلف تأمین مالی را احیاء کردیم و رواج دادیم، می‌توانیم برای هر حوزه‌ای با توجه به

^{۶۶}. ارجاع پرورشی: مسأله ۲۲۲۸- مزارعه آن است که مالک با زارع به این قسم معامله کند که زمین را در اختیار او بگذارد، تا زراعت کند و مقداری از حاصل آن را به مالک بدهد.

مسأله ۲۲۲۹- مزارعه چند شرط دارد:

اول: آن که صاحب زمین به زارع بگوید زمین را به تو واگذار کردم و زارع هم بگوید قبول کردم، یا بدون این که حرفی بزنند مالک، زمین را واگذار کند برای مزارعه و زارع تحویل بگیرد.

دوم: صاحب زمین و زارع هر دو مکلف و عاقل باشند و با قصد و اختیار خود مزارعه را انجام دهند و حاکم شرع آنان را از تصرف در اموالشان جلوگیری نکرده باشد بلکه اگر در حال بالغ شدن سفیه باشند اگرچه حاکم شرع جلوگیری نکرده باشد نمی‌توانند مزارعه را انجام دهند و این حکم در همه معاملات جاری است.

سوم: همه حاصل زمین به یکی اختصاص داده نشود.

چهارم: سهم هر کدام به طور مشاع باشد مثل نصف یا ثلث حاصل و مانند اینها و باید تعیین شده باشد، پس اگر قرار دهند حاصل یک قطعه، مال یکی و قطعه دیگر مال دیگری، صحیح نیست، و نیز اگر مالک بگوید در این زمین زراعت کن و هر چه می‌خواهی به من بده صحیح نیست.

پنجم: مدتی را که باید زمین در اختیار زارع باشد معین کنند و باید مدت به قدری باشد که در آن مدت به دست آمدن حاصل ممکن باشد.

ششم: زمین قابل زراعت باشد و اگر زراعت در آن ممکن نباشد اما بتواند کاری کنند که زراعت ممکن شود، مزارعه صحیح است.

هفتم: اگر در محلی هستند که مثلاً یک نوع زراعت می‌کنند چنانچه اسم هم نبرند همان زراعت معین می‌شود، و اگر چند نوع زراعت می‌کنند باید زراعتی را که می‌خواهد انجام دهد معین نماید، مگر آن که معمولی داشته باشد که به همان نحو باید عمل شود.

هشتم: مالک، زمین را معین کند، پس کسی که چند قطعه زمین دارد و با هم تفاوت دارند، اگر به زارع بگوید در یکی از این زمین‌ها زراعت کن و آن را معین نکند مزارعه باطل است.

نهم: خرجی را که هر کدام آنان باید بکنند معین نمایند، ولی اگر خرجی را که هر کدام باید بکنند معلوم باشد، لازم نیست آن را معین نمایند.

رساله توضیح المسائل حضرت آیه الله العظمی امام خمینی ره ص ۳۹۳

^{۶۷}. ارجاع پرورشی: احکام مساقات

مسأله ۲۲۳۸- اگر انسان با کسی به این قسم معامله کند که درختهای میوه‌ای را که درختها یا منافع آن، مال خود او است و یا اختیار آن با او است تا مدت معینی به آن کس واگذار کند که تربیت نماید و آب دهد و به مقداری که قرار می‌گذارند از میوه آن بردارد، این معامله را مساقات می‌گویند.

مسأله ۲۲۳۹- معامله مساقات در درختهایی که مثل بید و چنار میوه نمی‌دهد صحیح نیست، ولی در مثل درخت حنا که از برگ آن استفاده می‌کنند یا درختی که از گل آن استفاده می‌کنند اشکال ندارد.

مسأله ۲۲۴۰- در معامله مساقات لازم نیست صیغه بخوانند بلکه اگر صاحب درخت به قصد مساقات آن را واگذار کند و کسی که کار می‌کند به همین قصد تحویل بگیرد معامله صحیح است.

مسأله ۲۲۴۱- مالک و کسی که تربیت درختها را به عهده می‌گیرد، باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد، و نیز باید حاکم شرع آنان را از تصرف در مال خودشان منع نکرده باشد، بلکه اگر در حال بالغ شدن سفیه باشند اگرچه حاکم شرع منع نکرده باشد معامله ایشان صحیح نیست.

مسأله ۲۲۴۲- مدت مساقات باید معلوم باشد و اگر اول آن را معین کنند و آخر آن را موقعی قرار دهند که میوه آن سال به دست می‌آید صحیح است.

مسأله ۲۲۴۳- باید سهم هر کدام نصف یا ثلث حاصل و مانند اینها باشد و اگر قرار بگذارند که مثلاً صد من از میوه‌ها مال مالک و بقیه مال کسی باشد که کار می‌کند، معامله باطل است.

رساله توضیح المسائل حضرت آیه الله العظمی امام خمینی ره ص ۳۵۰

منبع خاص آن بخش اقدام کنیم. در حال حاضر فقط انفاق ها و صدقه ها را جمع آوری می کنند و با بقیه مصادیق منابع تامین مالی کاری ندارند و اصلا در جامعه رواج ندارد. حتی بدتر اینکه بعضی مساجد از لحاظ مالی به شهرداری ها و بانکها وابسته اند.

در جلسه آینده پرسش هفتم دوره را پاسخ خواهیم داد. سؤال این است که چه حمایت های فکری می توانیم از اجرای این شش پرسش داشته باشیم؟ این شش پرسش نیاز به حمایت های فکری و عملی دارند تا محقق شوند. یعنی غیر از مسئله منابع مالی نیاز به حمایت فکری هم داریم. مثلاً همین عقد "مساقات" را چگونه اجرایی کنیم؟ اینها نیاز به کمک فکری دارند. در جلسه آینده خواهیم گفت که می توان دو نوع حمایت فکری از تصمیمات تمدن ساز داشته باشیم. اول از طریق کتابخانه پشتیبان مسجد و دیگری از طریق تاسیس حوزه علمیه ای که دائماً درباره این موضوعات بحث و گفت و گو دارد و این مسائل را تعمیق می کند. بنابراین در هر مسجدی باید کتابخانه پشتیبان مسجد که حاوی پاسخ این پرسش هاست وجود داشته باشد و یک حوزه علمیه هم برای این درس و بحثها. ان شاء الله در جلسه آینده این ها را شرح خواهیم داد.

والحمد لله رب العالمین

پیوست ها

پیوست شماره یک: مسجد

بخش اول: آیات

۱. يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگزید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد. سوره اعراف آیه ۳۱

۲. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.

بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی گردید. سوره اعراف آیه ۲۹

۳. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

منزه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست. سوره اسراء آیه ۱

۴. لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.

هرگز در آن جا مایست چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می دارد. سوره توبه آیه ۱۰۸

۵. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ.

و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم و [لی] خدا گواهی می دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند. سوره توبه آیه ۱۰۷

۶. وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ.

و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شُرک] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است. سوره بقره آیه ۱۹۱

۷. وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمْنَعِي عَيْنِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

و از هر کجا بیرون آمدی [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجدالحرام بگردان و هر کجا بودید رویهای خود را به سوی آن بگردانید تا برای مردم غیر از ستمگرانشان بر شما حجتی نباشد پس از آنان تترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید. سوره بقره آیه ۱۵۰

۸. وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا.

و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع میکردند پس [عده ای] گفتند بر روی آنها ساختمانی بنا کنید پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند حتماً بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد. سوره کهف آیه ۲۱

۹. أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. سوره توبه آیه ۱۹

۱۰. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

از تو در باره ماهی که کارزار در آن حرام است می پرسند بگو کارزار در آن گناهی بزرگ و باز داشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و باز داشتن از مسجدالحرام [=حج] و بیرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا [گناهی] بزرگتر و فتنه [=شرک] از کشتار بزرگتر است و آنان پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباہ می شود و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. سوره بقره آیه ۲۱۷

بخش دوم: روایات

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّقَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمُرُورِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ أَلَا بَشَرِ الْمَشَاءِ يَنْ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

عبد الله بن جعفر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند متعال به بندگان خود فرموده است که: مساجد، خانه‌های من در روی زمین هستند، که در نظر اهل آسمان می‌درخشند بسان درخشش ستارگان برای ساکنان زمین، خوشا به حال آن بنده من که مساجد(خانه‌های من) خانه‌های او باشند، خوشا بر آن بنده‌ای که در خانه خود وضو بسازد و مرا در خانه خود(مسجد) زیارت کند که گرمی داشتن میهمان بر صاحب خانه لازم و واجب است؛ به آنان که در تاریکی شب به طرف خانه‌های من(مساجد) قدم بر می‌دارند بشارت باد که در روز قیامت با نوری درخشان در صف محشر حضور خواهند یافت.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۴۷ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۸

دیگر منابع: عوالي اللئالی ج ۱ ص ۳۵۱ / وسائل الشیعة ج ۱ ص ۳۸۱ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۱۴

۲. وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ وَ حُرُزٌ مِنَ الشَّيْطَانِ.

مساجد مجالس پیامبران اند و حفاظت گاه از شیطان

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۶۳

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَا أَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَقَالَ لَا تَكْرَهُ فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ فُقُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَةً مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا فَأَذَّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَ التَّوَافِلَ وَ إِقْضَ فِيهَا مَا فَاتَكَ.

راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من نماز خواندن در مساجد آنان (اهل سنت) را دوست ندارم.

فرمود: چنین مباش؛ زیرا هیچ مسجدی نیست مگر آن که بر قبر پیامبر، یا وصی پیامبری ساخته شده است که او در آنجا شهید شده و از خون او بر آن بقعه پاشیده شده است. خداوند دوست دارد که در آنجا یاد شود، پس نمازهای فریضه و نافله خود را در آنجا به جای آور و آن چه از تو قضا شده در آنجا بخوان.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۳۷۰ / تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۲۵۸

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۹۰ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۲۵ / الفصول المهمه ج ۲ ص ۸۲ / بحار الأنوار ج ۱۴ ص ۴۶۳

۴. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جَاءَ أَغْرَابِيٌّ مِنْ بَنِي عَامِرٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَسَأَلَهُ عَنْ شَرِّ بَقَاعِ الْأَرْضِ وَ خَيْرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ «شَرُّ بَقَاعِ الْأَرْضِ الْأَسْوَاقُ وَ هِيَ مَيْدَانُ إِبْلِيسَ يُغْدُو بِرَأْيَتِهِ وَ يَضَعُ كُرْسِيَّهُ وَ يَبْتُ ذُرِّيَّتَهُ فَبَيْنَ مَطْفَفٍ فِي قَفِيرٍ أَوْ طَائِشٍ فِي مِيزَانٍ أَوْ سَارِقٍ فِي دَرَجٍ أَوْ كَاذِبٍ فِي سِلْعَةٍ فَيَقُولُ عَلَيْكُمْ بِرَجُلٍ مَاتَ أَبُوهُ وَ أَبُوكُمْ حَيٌّ فَلَا يَزَالُ مَعَ ذَلِكَ أَوَّلَ دَاخِلٍ وَ آخِرَ خَارِجٍ» ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَ خَيْرُ الْبَقَاعِ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْلُهُمْ دُخُولاً وَ آخِرُهُمْ خُرُوجاً مِنْهَا».

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: مردی بیابان نشین از بنی عامر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از آن حضرت پرسید: بدترین مکانهای زمین کجاست و بهترین جایهای آن کجا؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین

مکانهای زمین محل های خرید و فروش اجناس و امتعه است، و آنجا میدان مسابقه ابلیس است؛ هر بامداد با پرچم خویش حرکت کرده تخت فرمانروائی خود را در سوق استوار می کند و ذراری خویش را به هر سو گسیل می دارد و آنان از این چند قسم خارج نیستند، یا مأمور کاستن پیمانه هستند، یا مأمور کم فروشی در میزان و سنجش، یا دزدی در ذرع پارچه و دروغزنی در وصف کالا و متاع و غیره و فرزندانش را سفارش می کند و می گوید: بر شما باد به آنکه پدرش مرده و شما پدرتان زنده است (یعنی بنی آدم که پدرشان مرده و شما که پدرتان من هستم و اکنون زنده ام) پس او را بفریبید. و هر روزه همین کار اوست، اولین کسی که وارد بازار می شود و آخرین کسی است که از بازار خارج می گردد، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و بهترین مکانهای زمین مساجد است، و محبوبترین مردم نزد خداوند عزیز آن کس است که زودتر از همه داخل می شود و از همه دیرتر بیرون می رود. شرح: «سوق و بازار هر کجا که محل خرید و فروش است می باشد و اختصاص به بازار معروف نزد ما ندارد و همه مغازه داران بازاری هستند و همه کسبه خیابانها جزء اهل سوق محسوبند.

مصدر: من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۹۹ / معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۶۸

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۹۳ / بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۹۷

۵. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاقُ غُوفِي أَهْلَ الْمَسَاجِدِ.

زمانی که بلاها و مصیبتها نازل می شوند اهالی مساجد در امانند.

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۵۶ / الاشعيات ج ۱ ص ۳۹

۶. أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لَا تَنْزِلُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي.

پدرم رحمة الله عليه، از عبد الله بن جعفر، از هارون بن مسلم، از سعدة بن صدقه، از حضرت جعفر بن محمد عليه السلام، حضرت فرمود: پدرم عليه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند جلّ جلاله هنگامی که ببیند اهل قریه‌ای در معاصی اسراف و زیاده روی می‌کنند و حال آنکه در بین ایشان سه نفر از اهل ایمان می‌باشند آنان را خوانده و می‌فرماید: ای اهل عصیان اگر میان شما مؤمنینی که مشتاق جلال من هستند و با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد نموده و در سحرها از خوف من استغفار و طلب آمرزش می‌کنند نبودند عذابم را بر شما فرو می‌فرستادم و باکی هم نداشتیم.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۲۴۶ / الامالی للصدوق ج ۱ ص ۱۹۶

دیگر منابع: روضه الواعظین ج ۲ ص ۲۹۲ / وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۹۲ / بحار الانوار ج ۷ ص ۳۸۱

۷. أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَمِيرِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ، عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): أَوَّلُ عُنْوَانِ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِ بَعْدَ مَوْتِهِ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ، إِنْ خَيْرًا فَخَيْرٍ، وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ، وَأَوَّلُ تَحْفَةِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ وَلِمَنْ تَبِعَ جَنَازَتَهُ. ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ، لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا، وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبُهَا. يَا فَضْلُ، إِنَّهُ لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ، وَ إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيُصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا، وَ إِمَّا أَحْ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ). قَالَ: ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ فَائِدَةِ الْإِسْلَامِ مِثْلَ أَحْ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ). ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ، لَا تَزْهَدُوا فِي فَقَرَاءِ شِيعَتِنَا، فَإِنَّ الْفَقِيرَ مِنْهُمْ لَيَشْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي مِثْلِ رِبِيعَةٍ وَ مَضْرٍ. ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ، إِنْمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ فَيَجِيزُ اللَّهُ أَمَانَهُ. ثُمَّ قَالَ: أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ (تَعَالَى) يَقُولُ فِي أَعْدَائِكُمْ إِذَا رَأَوْا شَفَاعَةَ الرَّجُلِ مِنْكُمْ لِصَدِيقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ».

فضل بن عبد الملك می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: ابتدای عنوان نامه اعمال انسان مؤمن پس از مرگش سخنانی است که مردم درباره او می‌گویند، اگر نیکی ذکر شود پس [سرنوشت او] به نیکی است و اگر بدی ذکر شود پس [سرنوشت او] به بدی است. نخستین هدیه انسان مؤمن این است که خود و هر آن‌کس که جنازه‌اش را تشییع می‌کنند آمرزیده شوند. سپس فرمود: ای فضل! از هر قبیله‌ای جز پیشتازان آن و از هر خانواده‌ای جز انسان‌های نجیب به مسجد نمی‌آیند. ای فضل، به مسجدروندگان با کمتر از سه خصوصیت از مسجد باز نمی‌گردند: یا به داعی

که با آن خدا را می خوانند و خدا به خاطر آن ایشان را در بهشت داخل می سازد و یا دعایی که با آن خدا را می خوانند تا خدا به وسیله آن آفات دنیا را از ایشان دور نماید و یا برادری که در راه [رضایت و قرب] خداوند از او بهره می برند؛ سپس فرمود: انسان مسلمان پس از بهره اسلام از هیچ چیز، چون برادری که در راه خدا از او بهره می برد استفاده نکرده است. سپس فرمود: ای فضل! شیعیان فقیر ما را كوچك شمارید. همانا شیعیان فقیر ما در روز قیامت در همچون ربیعه و مضر شفاعت می کنند.

سپس فرمود: ای فضل! همانا مؤمن به این نام نامیده شد چون خدا را امان خود قرار می دهد و خداوند امان او را می پذیرد؛ سپس فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند بلندمرتبه درباره دشمنان شما هنگامی که شفاعت یکی از شما برای دوستش را در روز قیامت می بینند، می گوید: «پس برای ما شفاعت کننده و دوستی نزدیک وجود ندارد.» [شعراء: آیه ۱۰۰-۱۰۱]

مصدر: الامالی للطوسی ج ۱ ص ۴۶

دیگر منابع: بشارة المصطفی (ص) ج ۱ ص ۷۲ / تفسیر البرهان ج ۴ ص ۱۷۸ / بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۹

پیوست شماره دو: چرخه چهاربخشی تحریک فکر

مطلب اول:

مدارس علمیه آینده چه ویژگی هائی دارد؟

در "نظریه مدرسه هدایت" برای حضور اجتماعی یک طلبه ساختاری ۷ بخشی - مبتنی بر چرخه چهار بخشی تحریک فکر - تعریف کرده ایم؛ که فهم غیر سطحی و عمیق از آن قدرت تحریک فکر و هدایتگری را در طلبه ارتقاء می دهد!

بخش اول این ساختار بدیع، فهم و تمرین مسئله مدیریت خبر است. مدیریت خبر، دارای دو بخش مدیریت خبر در رسانه های مدرن و مدیریت خبر در قالب پیشرفته "خانه عالم" است. در مجموع مدیریت خبر نقطه آغازین تحریک فکر مخاطب است!

بخش دوم این ساختار، مرور و بررسی نظری و عملی مفهوم تضارب آراء است. تشکیل خانواده روایت برای مفهوم تضارب و سپس تمرین عملی برای مدیریت جلسات تضارب؛ دومین هدیه مهم مدرسه هدایت به طلاب خود است! تضارب از مهمترین ابزارهای تحریک فکر در یک جامعه محسوب می شود!

بخش سوم از ساختار تحریک فکر، مسئله مدیریت مکتوبات است. طلبه ای که کتابت نداشته باشد، به زنبوری بی عسل تشبیه می شود! مهمترین مصادیق مکتوبات شامل: ۱- تدوین دوره های مباحثاتی، ۲- تدوین پیاده های فوری و ۳- تدوین نمودارهای پژوهشی است؛ که هرکدام دارای پیچیدگی های فنی خاصی است!

بخش چهارم این ساختار مدیریتی، تلاش برای مسلط نمودن طلبه ها بر نحوه نوشتن گزارش های راهبردی (روش تدبُّر) است. بدون گزارش راهبردی نمی توانیم تصمیمات غلط اجتماعی در حوزه های مختلف را تغییر دهیم. در مدرسه هدایت تدوین گزارش راهبردی (روش تدبُّر) را نظری و عملیاتی آموزش می دهیم!

بخش پنجم این ساختار ۷ بخشی، بر ارتقاء قدرت طلبه ها در جهانی سازی اندیشه های پیامبران تمرکز دارد. به دلیل محوریت منطقه غرب آسیا در فرآیند جهانی جبهه حق و البته به دلیل نزول اندیشه کاربردی وحی به زبان عربی، آموزش زبان عربی فصیح نقش مهمی در جهانی سازی اندیشه پیامبران ایفاء می کند!

بخش ششم ساختار تحریک فکر مدرسه هدایت، فهم و اجرای فرآیند نمونه سازی است. نمونه سازی متکی به ۲۵ بخش پیچیده است؛ که در نهایت خود قدرت هدایت بخشی و تحریک فکر را در جامعه ارتقاء می دهد. اگر طلبه قدرت نمونه سازی نداشته باشد، عامه و خواص مردم او را آرمان گرایی، غافل از واقعیت ها می پندارند!

در نهایت، مهمترین بخش ساختار تحریک فکر را قدرت تشکیل و معرفی نمایشگاه می دانیم. طلبه های که قدرت تشکیل نمایشگاه برای نظریات فقهی خود را دارند، آسانتر ۶ بخش فوق الذکر را مدیریت می کنند. البته نمایشگاه علاوه بر کارکرد گفته شده، ابزاری برای خود ارزیابی طلبه ها در مسیر تفقه و نظام سازی محسوب می شود!

طلبه آینده را مسلط به این ساختار ۷ بخشی می دانیم و معتقدیم بدون این نوع از تحریک فکر، نظام سازی و جامعه سازی فقهی خوابی شیرین محسوب می شود!

حجت الاسلام علی کشوری - شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۹۸ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/2119>

مطلب دوم:

چرخه تحریک فکر چیست؟!

از یک حیث مهمترین نظریه بخشی فقه هدایت؛ چرخه چهار بخشی تحریک فکر است. این نظریه بخشی به سوال چگونگی تصمیم سازی (چگونگی مشورت) پاسخ می دهد!

مرز باریکی میان تصمیم سازی و تحمیل تصمیم در یک جامعه وجود دارد و اگر "تحریک وعاء فکر مخاطب"، حذف و یا تضعیف شود؛ مدیران سطوح مختلف به سمت تحمیل به مخاطب، تمایل یافته اند!

در چرخه چهار بخشی تحریک فکر، مراحل تحریک فکر را در ۴ مرحله ۱- مدیریت خبر، ۲- مدیریت تضارب، ۳- مدیریت کتابت و ۴- مدیریت نمونه سازی مباحثه می کنیم .

بهترین نظریات فقهی اگر در فضای چرخه چهار بخشی تحریک فکر مطرح نشوند؛ در فرایند تحقق آنها اختلال ایجاد می شود!

حجت الاسلام علی کشوری - ۹ ذوالحجه ۱۴۴۰ هجری قمری (روز عرفه) - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/1785>

مطلب سوم:

چگونه به تحقق الگوی پیشرفت اسلامی کمک کنیم؟! / برخی برای الگوی پیشرفت جلسه تبلیغاتی تشکیل می دهند.

از همه عزیزان فعال در زمینه گفتگوهای ملی الگوی پیشرفت اسلامی استدعا می کنم؛ که برنامه های خود در زمینه الگوی پیشرفت اسلامی را بر اساس مراحل چهارگانه چرخه تحریک فکر تنظیم کنند.

مراحل چهارگانه تحریک فکر شامل چهار امر ۱- مدیریت خبر ۲- مدیریت تضارب ۳- مدیریت مکتوبات ۴- مدیریت نمونه سازی است. التزام به این چرخه چهار بخشی، زمینه اقامه الگوی اسلامی در کشور را فراهم می آورد.

به عبارت روشن تر باید درباره محتوای مباحثات الگوی پیشرفت، هم مدیریت خبر داشته باشیم و هم تضاریب گسترده طراحی کنیم و هم مکتوبات متنوع تولید کنیم و هم بر اساس محتوای مد نظر خود نمونه سازی کنیم. بزرگترین آفت برای دور جدید گفتگوهای ملی الگوی پیشرفت اسلامی برگزاری جلسات تبلیغاتی و شعاری است.

حجت الاسلام علی کشوری - مسجد جمکران قم - گفتگو با کارشناسان - ۲۱ آبان ۱۳۹۷

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

پیوست شماره سه: پیشگیری ساختاری از بیماری

مطلب اول :

معرفی برخی از کتب طبی کتابخانه الگوی پیشرفت

برخی از کتاب های کتابخانه الگوی پیشرفت اسلامی با موضوع تبیین نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری را در ادامه دریافت نمایید. این کتاب ها محصول تدوین ۲۵ جلسه تخصصی در قالب حدود ۱۵۴۲ صفحه بحث است:

۱- معایب و چالش های بخش سوم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ (بخش سلامت) / ۷۲ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/81

۲- پیشگیری ساختاری از بیماری (۱ مرداد ۱۳۹۸) / ۵۱ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/82

۳- تبیین نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری - ۳۶ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/83

۴- الگوی فقهی ارزیابی غذا (خبرگزاری حوزه) / ۴۸ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/84

۵- الگوی فقهی ارزیابی غذا (موسسه کیفیت رضوی) / ۷۴ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/85

۶- الگوی فقهی تحلیل بیماری (در مقایسه با پاتولوژی پوزیتیویستی) / ۵۷ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/86

۷- واکسن و طرح جایگزین (نظریه فقهی ایمنی) / ۷۷ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/87

۸- تبیین نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری / ۲۷ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/88

۹- پروتکل های فقهی مدیریت کرونا (ویرایش دوم) / ۸۵ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/89

۱۰- روش تحقیق فقهی در حوزه پزشکی / ۵۰ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/90

۱۱- طبیب مشاور نیروهای مسلح / ۹۷ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/91

۱۲- برنامه فقهی سلامت قلب و عروق / ۲۱۵ صفحه:

https://eitaa.com/ketab_olgou/92

۱۳- پروتکل های فقهی مدیریت انواع آبله / ۱۰۴ صفحه:

https://eita.com/ketab_olgou/93

۱۴- الگوی فقهی تحلیل و تجویز دواء / ۳۹۷ صفحه:

https://eita.com/ketab_olgou/94

۱۵- بازخوانی اشکالات پنج گانه مسئله تراریخته / ۲۸ صفحه:

https://eita.com/ketab_olgou/112

۱۶- بررسی ابعاد سیاسی، امنیتی، پزشکی و نظری تراریخته (جلسه اصفهان) - ۱۶ صفحه:

https://eita.com/ketab_olgou/111

۱۷- بررسی اشکالات پنج گانه تراریخته ها (جلسه کاشان) - ۶۰ صفحه:

https://eita.com/ketab_olgou/110

۱۸- بررسی ابعاد سیاسی، امنیتی، پزشکی و نظری تراریخته (جلسه قم) - ۴۸ صفحه:

https://eita.com/ketab_olgou/109

۱۹- پاتولوژی فقهی (جلسه اصفهان - منزل حکیم صالحی):

https://eitaa.com/sound_olgou/144

۲۰- مفهوم شناسی جامع طب اسلامی:

https://eitaa.com/sound_olgou/143

۲۱- نقد مبانی پزشکی:

https://eitaa.com/sound_olgou/142

۲۲- نقد واکسن (G2 دانشگاه علوم پزشکی اصفهان):

https://eitaa.com/sound_olgou/139

۲۳- الگوی ساخت در طب اسلامی:

https://eitaa.com/sound_olgou/138

۲۴- طبیب مشاور مغز و اعصاب و حافظه:

https://eitaa.com/sound_olgou/137

۲۵- طبیب مشاور عروق:

<https://eitaa.com/olgou4/5774>

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5748>

مطلب دوم :

نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری چه می گوید؟

برای ارتقای دانش پیشگیری از بیماری در کشور، نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری را بر اساس روش تحقیق فقهی تدوین کرده ایم. در این نظریه تفصیلی حوزه سلامت - که مفاهیم آن با مفاهیم بخش سوم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ مقایسه می شود - مسئله پیشگیری در سه بخش تئوریزه شده است:

بخش اول پیشگیری (پیشگیری پایه): منظور از پیشگیری پایه، روش جلوگیری از پیدایش بیماری های مادرزادی و پایه گذاری توان پیشگیری از بیماری در بدن انسان است. این نوع از پیشگیری، از رعایت اصول انعقاد نطفه و مراقبت های ویژه دوران بارداری حاصل می شود. توضیح بیشتر اینکه: در آیات و روایات، ۵ دسته توصیه با موضوع: ۱- انتخاب زمان صحیح برای انعقاد نطفه، ۲- انتخاب مکان مناسب برای انعقاد نطفه، ۳- انتخاب تغذیه طیب قبل از انعقاد نطفه، ۴- پاکسازی حالات روحی نامناسب با انعقاد نطفه و ۵- تقویت حالات روحی خیر، برای جلوگیری از بیماری های مادرزادی و امراض و آسیب های پایه توصیه گردیده است. همچنین در بخش پیشگیری پایه، توصیه های مهمی برای مراقبت های دوران بارداری به تفکیک ماه وجود دارد.

بخش دوم پیشگیری: (پیوست های بهداشتی و سلامت آفرین برای مرحله تولید و ساخت): منظور از پیوست های سلامت آفرین؛ تعریف اصول سلامت آفرین برای همه ابعاد مرتبط با حیات و زندگی انسان در مرحله ساخت و تولید است. برای دستیابی به مسئله مهم پیشگیری از بیماری، باید برای بخش تولید غذا، ساخت ساختمان، ایجاد فضای سبز شهری، مشاغل مختلف و... پیوست های سلامت آفرین قوی تعریف و اجرا کرد.

بخش سوم پیشگیری: (پیشگیری روزانه) منظور از پیشگیری روزانه، تعریف توصیه های مرتبط با مصرف و استفاده در حوزه های مختلف زندگی است. مهمترین توصیه های مرحله مصرف و استفاده، توصیه های پیشگیرانه مرتبط با مصرف غذا، استفاده از لباس، آداب سفر، رعایت اصول مرتبط با روابط انسانی صحیح و... می باشد. در بخش توصیه های مرتبط با مصرف غذا، رعایت سه اصل تجوع، حمیه و انتخاب غذای متناسب با مزاج، مهمترین توصیه ها محسوب می شوند.

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری در جمع دانشجویان علوم پزشکی ارومیه - سه شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۲ - دانشگاه علوم پزشکی ارومیه.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5690>

مطلب سوم:

سه نکته در باره روش تشخیص بیماری

همانطور که در جلسات گذشته بحث کرده ایم: مفاهیم طب اسلامی (نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری) در پنج بخش با مفاهیم طب سلولی و سایر مکاتب طبی تفاوت دارد. بازخوانی مقایسه ای مفاهیم طب اسلامی با مفاهیم سایر مکاتب طبی در پنج حوزه: ۱- روش تحقیق و تبویب در حوزه طب، ۲- پاتولوژی و تحلیل بیماری ها، ۳- فارماکولوژی و شناخت دارو، ۴- ابزارهای تشخیص بیماری و ۵- ایمونولوژی و تعریف واکسن، از مقدمات اولیه طب اسلامی و پیش نیازهای طبابت است. یکی از مغفول ترین بخش های روایات طبی - حتی در حوزه علمیه قم - بی توجهی به روش تشخیص بیماری ها در روایات طبی است. در باره روش تشخیص بیماری در طب اسلامی چند نکته را تبیین می کنم:

نکته اول: از حیث بررسی روایات، همه روایات و آیات مرتبط با عملکردهای دوائی، علاوه بر تبیین مفهوم عملکرد دوائی، کارکرد دیگری در حوزه تشخیص بیماری هم دارند و در واقع هر مفهومی که به تبیین یک عملکرد دوائی می پردازد؛ در مرحله قبل به تبیین یک آسیب در بدن هم پرداخته است. به عنوان مثال در عبارت: الجزر یسخن الکلیتین، علاوه بر معرفی یک عملکرد دوائی برای جزر، سردی و کاهش عملکرد، به عنوان یکی از آسیب های کلیه معرفی شده است و اصطلاح تسخین در این روایت از دو حیث عملکرد دوائی و تشخیص بررسی می گردد. مبتنی بر تتبع فقهی در روایات مرتبط با عملکردهای دوائی، آسیب های اصلی بدن در ۱۰۰ مورد معرفی شده اند؛ که طبیب طب اسلامی با معاینه بدن به دنبال کشف یکی از این آسیب ها و رفع و توصیف آن است.

نکته دوم: با توجه به وضوح آسیب های مطرح شده در روایات مرتبط با عملکردهای دوائی، ابزارهای تشخیصی در طب اسلامی در سه حوزه مشاهده و استماع، گفتگو با بیمار و لمس طبقه بندی می گردد. به عبارت بهتر از طریق ابزارهای سه گانه فوق به دنبال کشف یک یا چند مورد از آسیب های ۱۰۰ گانه فوق الذکر در بدن بیمار می باشیم. همچنین از حیث طبقه بندی معاینه، در مرحله اول: به دنبال شناسایی آسیب های مرتبط با قلب (۶ گروه آسیب بر

اساس فهرست کتاب قلب و عروق) و آسیب های مرتبط با مغز و اعصاب (۶ گروه آسیب بر اساس فهرست کتاب مغز و اعصاب)، در مرحله دوم به دنبال شناسائی آسیب های مرتبط با طبایع اربعة (آسیب های دم، آسیب های مره، آسیب های ریح و آسیب های بلغم) و در مرحله سوم به دنبال شناسائی آسیب های مرتبط با یک عضو هستیم.

نکته سوم: شیوع روش های تشخیصی مکاتب طبی دیگر در میان اطباء محترم طب اسلامی مانند: عنیه شناسی، مشاهده کف دست و علائم پوستی آن و ... فاقد حجیت و ناقص محسوب می گردد. حیث نقصان در روش های تشخیصی پزشکی سلول پایه، عنیه شناسی، تشخیص از کف دست و ... ارائه توصیف ناقص از بیماری بدن است. (ابزارهای آزمایشگاهی موجود علاوه بر تشخیص ناقص بیماری، هزینه درمان را افزایش داده است.)

به فضل الهی: نشست تخصصی: مفاهیم پایه تشخیص، مراحل تشخیص و ابزارهای تشخیص در طب اسلامی را در حوزه علمیه قم برگزار خواهیم کرد.

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین مفاهیم پایه تشخیص بیماری در طب اسلامی - بامداد یک شنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۲ - قم

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5675>

مطلب چهارم:

پرسش های اصلی نشست تخصصی قلب و عروق / معرفی داروهای جدید قلب و عروق

نشست تخصصی قلب و عروق به زودی در حوزه علمیه قم برگزار می گردد. به دلیل گسترش بیماری های قلبی و عروقی در جامعه (حدود ۳۰ درصد از فوت ها به علت بیماری های قلبی و عروقی است) و ناتوانی متخصصین فعلی قلب و عروق در کاهش و مهار این بیماری ها؛ این نشست تخصصی را با غرض بازتعریف و تکامل مفاهیم و تدابیر حوزه "قلب و عروق" برگزار می کنیم.

در این نشست مطالب گسترده ی فراموش شده ای - بر اساس علوم وحیانی - درباره قلب بازخوانی خواهد گردید. محتوای این نشست در مقایسه و نقد مطالب "کتاب بیماری های قلب و عروق برانوالد (Braunwald's Heart Disease) خصوصاً مفاهیم ناقص بخش ششم این کتاب (کاردیولوژی پیشگیرانه) مانند بررسی نقش فشار خون

بالا، کلسترول بالا، دیابت، سابقه استعمال سیگار، سابقه داشتن بیماری قلبی پیش از موعد، نتیجه تست کلسیم و... در پیدایش بیماری های قلبی تدوین شده است.

محتوای این نشست تخصصی در ۶ محور ۱- تعریف قلب و تبیین جایگاه آن در بدن، ۲- تبیین بخش های مختلف قلب خصوصاً بخش عَقد، ۳- بررسی ارتباط قلب و روابط انسانی (معرفی اخلاقیات و رفتارهای احیاء کننده قلب)، ۴- بررسی ارتباط قلب و تغذیه (معرفی غذاهای تقویت کننده قلب)، ۵- بررسی ارتباط قلب و سایر اعضای بدن و ۶- معرفی داروهای جدید قلب و عروق به متخصصان قلب و عروق (+ معرفی دستورالعمل جدید پیشگیری اولیه از CVD تبیین خواهد شد. (به فضل الهی)

بحث های "نظریه فقهی قلب و عروق" بر اساس "روش تحقیق فقهی" مطالعه و تدوین گشته است و از لحاظ جانمایی یکی از نظریات ۵۰ گانه نظریه فقهی پیشگیری ساختاری از بیماری محسوب می شود. تاکنون از مباحث مرتبط با "پیشگیری ساختاری از بیماری" نظریاتی مانند: ۱- الگوی فقهی تحلیل بیماری، ۲- الگوی فقهی ارزیابی غذا، ۳- روش تحقیق فقهی در حوزه پزشکی، ۴- نظریه فقهی ایمنی (تعریف جدید واکسن)، ۵- پروتکل های فقهی مدیریت کرونا و ۶- نظریه مترقی طبیب مشاور به صورت اجمالی تبیین شده است.

حجت الاسلام علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت) - تبیین پرسش های نشست تخصصی قلب و عروق - سه شنبه ۱۳ رجب ۱۴۴۳ (میلاد باب علم نبی خاتم صلی الله علیه و آله وسلم) مصادف با ۲۶ بهمن ۱۴۰۰ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/3907>

پیوست شماره چهار: زکات

بخش اول: آیات

۱. وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبٍّ لَّا يَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ.

و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد نزد خدا فزونی نمی گیرد و [لی] آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستارید دادید پس آنان همان فزونی یافتگانند [و مضاعف می شود]. سوره روم آیه ۳۹

۲. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. سوره بقره آیه ۲۷۷

۳. لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفاداراند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیباییانند آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند. سوره بقره آیه ۱۷۷

۴. لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا.

لیکن راسخان آنان در دانش و مؤمنان به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان دارند و خوشا بر نمازگزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز بازپسین که به زودی به آنان پاداشی بزرگ خواهیم داد.
سوره نساء آیه ۱۶۲

۵. وَاکْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا حُذَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ.

و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز] زیرا که ما به سوی تو بازگشته ایم فرمود عذاب خود را به هر کس بخواهم می رسانم و رحمت همه چیز را فرا گرفته است و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می کنند و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند مقرر می دارم.
سوره اعراف آیه ۱۵۶

۶. وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.

و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید و در این [قرآن] نیز همین مطلب آمده است [تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید او مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یاوری.
سوره حج آیه ۷۸

۷. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند آناند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. سوره توبه آیه ۷۱

۸. الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز بر پا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. سوره حج آیه ۴۱

۹. وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَرْتُمْهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ.

در حقیقت خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم و خدا فرمود من با شما هستم اگر نماز بر پا دارید و زکات بدهید و به فرستادگانم ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید قطعا گناهانتان را از شما می زدایم و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در می آورم پس هر کس از شما بعد از این کفر ورزد در حقیقت از راه راست گمراه شده است. سوره مائده آیه ۱۲

۱۰. وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا.

و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است. سوره مریم آیه ۳۱

بخش دوم: روایات

۱. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ.

امام ابو جعفر عليه السلام فرمود: اسلام بر پنج اصل بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۸۶ / من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۷۴ / الكافي ج ۴ ص ۶۲ / تفسير العياشي ج ۱

ص ۱۹۱

دیگر منابع: الوافی ج ۲۶ ص ۱۸۶ / وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۳۹۵

۲. وَ بِإِسْنَادِهِ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: لَا تَتْرُكُوا حَجَّ بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا يَخُلُ مِنْكُمْ مَا بَقِيْتُمْ، فَإِنَّكُمْ إِنْ تَرَكْتُمُوهُ لَمْ تَنْظُرُوا، وَإِنَّ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أَتَاهُ أَنْ يُعْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ، وَأَوْصِيَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَحِفْظِهَا فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَهِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ، وَبِالزَّكَاةِ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: الزَّكَاةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ فَمَنْ أَذَاهَا جَارَ الْقَنْطَرَةِ وَ مَنْ مَنَعَهَا احْتَبَسَ دُونَهَا، وَهِيَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَ عَلَيْكُمْ بِصِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ حَصِينَةٌ مِنَ النَّارِ، وَ فَقَرَاءُ الْمُسْلِمِينَ أَشْرَكَوهُمْ فِي مَعِيشَتِكُمْ، وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَجُلَانِ إِمَامٌ هَدَى أَوْ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهِدَاهُ، وَ ذُرِّيَّةُ نَبِيِّكُمْ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَا يُظْلَمُونَ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَى الدَّفْعِ عَنْهُمْ. وَ أَوْصِيَكُمْ بِأَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ، لَا تَسُبُّوهُمْ، وَ هُمُ الَّذِينَ لَمْ يُحْدِثُوا بَعْدَهُ حَدَثًا، وَ لَمْ يَأْتُوا مُحَدِّثًا، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَوْصَى بِهِمْ، وَ أَوْصِيَكُمْ بِنِسَائِكُمْ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، وَ لَا يَأْخُذَنَّكُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، يَكْفِيكُمْ اللَّهُ مَنْ أَرَادَكُمْ وَ بَغَى عَلَيْكُمْ، وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا كَمَا أَمَرَكُمْ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ)، وَ لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُؤَلِّيَ اللَّهُ أُمُورَكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ، وَ عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّاضِعِ وَ التَّبَادُلِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّقَاطُعَ وَ التَّدَابُرَ وَ التَّفَرُّقَ، وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى، وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ، وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

با همان سند راوی گفته که از علی علیه السلام شنیدم فرمودند: حج خانه پروردگارتان را ترك نکنید که تا وقتی زنده هستید از شما تهی نباشد؛ زیرا اگر حج را ترك کنید نباید امیدوار باشید. و همانا کمترین چیزی که به حج گزار می‌رسد آمرزش گناہانی است که او مرتکب شده است. و شما را به نماز و مراقبت از آن سفارش می‌کنم که آن بهترین عمل

و ستون دینتان است. و به زکات سفارش می‌کنم که از رسول خدا شنیدم: زکات، پل اسلام است. هرکس زکات بدهد از پل گذشته و هرکس زکات ندهد از آن باز مانده است و زکات خشم پروردگار را فرو می‌نشاند. و بر شما باد روزه ماه رمضان که روزه ماه رمضان سپری نفوذناپذیر در برابر آتش دوزخ است. و بر شما باد به نیازمندان از مسلمانان آنان را در زندگی تان شریک کنید. و شما را به جهاد در راه خدا با اموالتان و جان هاتان سفارش می‌کنم؛ زیرا دو کس در راه خدا جهاد می‌کنند: پیشوایی هدایتگر یا فرمانبر او که از هدایتش پیروی می‌کند. و بر شما باد به فرزندان پیامبران که در برابر دیدگانتان ستم نکشند درحالی که می‌توانید از آنان دفاع کنید. و شما را به اصحاب پیامبران سفارش می‌کنم. آنان را دشنام نگوئید آنان کسانی هستند که پس از پیامبر بدعتی پدید نیاوردند از بدعتی پیروی نکردند؛ زیرا رسول خدا درباره ایشان سفارش فرموده‌اند. و شما را به زنان و کنیزانتان سفارش می‌کنم. در راه خدا سرزنش هیچ سرزنشگری شما را نباید

که خداوند در برابر کسی که آهنگ شما کرده و بر شما ستم روا داشته، برایتان کافی است. «و با مردم سخن نیک بگوئید.» [بقره: آیه ۸۳] چنان که خداوند به شما فرمان داده است. و امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که خداوند بدانتان را بر کارهاتان می‌گمارد و هرگاه دعا کنید برایتان به اجابت نمی‌رسد. و بر شما باد فروتنی و بخشندگی در میان خودتان. و از پیوند گسستن و ناسازگاری و پراکندگی پرهیزید. «بر نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری کنید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید. و از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند سخت کیفر است.» [مائده: آیه ۲]

مصدر: الامالی للطوسی ج ۱ ص ۵۲۲

دیگر منابع: شهاب الأخبار ج ۱ ص ۸۷ / بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۳ / مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۲۴

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ الْعَرْزَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: أَتَأْفِيهِ الْإِسْلَامَ ثَلَاثَةَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةَ وَالْوَلَايَةَ لَا تَصِحُّ وَاحِدَةٌ مِنْهُنَّ إِلَّا بِصَاحِبَتَيْهَا .

امام صادق علیه السلام فرمود: پایه‌های اجاق اسلام سه چیز است: نماز و زکاة و ولایت، هیچ يك از آنها جز به‌همراه دو تای دیگر درست نباشد (پیدا است که نماز و زکاة بدون ولایت مقبول نباشد).

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۱۸

دیگر منابع: الوافی ج ۴ ص ۹۷ / وسائل الشیعه ج ۱ ص ۱۶ / بحار الانوار ج ۶۵ ص ۳۳۰

۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيُّهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ السَّيَّارِيِّ عَنْ الْحَارِثِ بْنِ الدَّلْهَاتِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكِّ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَأَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.

حارث بن دلهاث از پدرش از امام رضا علیه السلام نقل نموده است که حضرت فرمودند: خداوند به سه چیز دستور داده است که همراه با سه چیز دیگرند، به نماز و زکات امر فرمود، که هر کس نماز بخواند و زکات ندهد نمازش قبول نخواهد شد، و به سپاسگزاری از خویش و والدین امر فرموده که هر کس از پدر و مادرش تشکر و سپاسگزاری نکند خداوند را شکر نکرده است و امر به تقوی و صلۀ رحم نموده است و هر کس صلۀ رحم نکند در واقع تقوی نداشته است.

مصدر: الخصال ج ۱ ص ۱۵۶ / عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۵۸

دیگر منابع: کشف الغمة ج ۲ ص ۲۹۳ / وسائل الشیعة ج ۹ ص ۲۵ / بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۶۸

۵. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ شَيْئاً أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ وَفِيهَا تَهْلِكُ عَامَّتُهُمْ.

رفاعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

خداوند بر این امت فریضه ای را سخت تر از زکات واجب نکرده است، و به خاطر همین حکم عموم آن ها هلاک خواهند شد.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۴۹۷ / دعائم الإسلام ج ۱ ص ۲۴۷

دیگر منابع: الوافی ج ۱۰ ص ۳۳ / وسائل الشیعة ج ۹ ص ۲۸ / بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۲

پیوست شماره پنج: موضعگیری علما و مراجع درباره ربوی بودن بانکها

در سال ۱۳۹۵، حداقل ۶۰ مورد وجود داشته که مراجع عظام تقلید نسبت به عملکرد ربوی بانکها واکنشهای اعتراضی جدی و بعضاً بیاناتی تکان دهنده داشته اند.

به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، موضعگیری علما و بزرگان حوزههای علمیه در برابر برخی عملکردهای غیرشرعی و غیرقانونی بانکها، که ساز و کارهای کل اقتصاد ایران را تحت الشعاع قرار داده است، در سال ۱۳۹۵ نسبت به سالهای قبل از آن بی سابقه بود.

۰۹/۰۱/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | سود بانکی شرعاً و عرفاً جایز نیست و بانکها نباید از بدهیها سود بگیرند

۱۱/۰۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | دریافت سود برای تأخیر در وامهای بانکی و ادای دین، ربا و حرام است / خداوند ربا را «خانمان برانداز» و توأم با مفاسد فراوان دانسته / بانکها باید هر آنچه که به عنوان بهره گرفتند، پس بدهند

۱۱/۰۱/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | ملت بدون ثروت مادی فقیر بوده و ستون فقرات او شکسته است؛ اکنون این ثروتها در بانکهای ربوی جمع آوری شده / اگر این کشور (امریکا) از گزینه نظامی سخن به میان می آورد برای برخی افراد مهم است در صورتی که اگر خداوند بگوید گزینه نظامی روی میز قرآن است به آن توجه نمی کنند / حقوق کارمندان بانکهای ربوی حرام است زیرا حقوق حلال در برابر کار حلال گرفته می شود

۱۱/۰۱/۱۳۹۵ | جعفر سبحانی | سود بانکی خلاف شرع است و باید از دریافت و پرداخت آن جلوگیری شود

۱۹/۰۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | مسئله حل معضل بانکهای ربوی که هم اکنون چند سالی می شود از طرف نهادهای مختلف، از جمله مجلس شورای اسلامی در حال پیگیری است، نباید زمان زیادی صرف کند / پول نباید از طریق پول به دست بیاید بلکه باید فقط از طریق کار و سرمایه گذاری کسب شود / اسلام نمی خواهد که یک

نفر در خانه بنشیند و بدون اینکه زحمت کار کردن را به خود بدهد، با سپردن پول خود به دست دیگران مال و ثروت خود را افزایش دهد / مطابق نظر همه فقها و مراجع تقلید هر پولی که به عنوان دیر کرد گرفته می‌شود، ربا و حرام است

۲۳/۰۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | در اسلام گرفتن پول برای تأخیر در ادای دین حرام است، زیرا نوعی رباست و ربا حرام و گناه بسیار بزرگی است

۲۳/۰۱/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی | بانکها نباید دیرکرد وام از مردم بگیرند، دیرکرد حقیقتاً خسارت است

۲۴/۰۱/۱۳۹۵ | سیدموسی شبیری زنجانى سؤال: آیا حقوق و مزایای کارمندان بانک که متصدی معامله‌های ربوی هستند، اشکال دارد؟ پاسخ: اگر متصدی فعل حرامی همچون اخذ ربا و جریمه دیرکرد و ... شوند یا سبب قریب آن باشند، حقوقشان حرام است.

۰۱/۰۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | دیرکرد بانکها حرام است و نوعی ربا محسوب می‌شود / ما از بانکها می‌خواهیم که امکانات خود را در راه صنعت، کشاورزی و اقتصادمقاومتی به کار گیرند ولی آنها هر روز بر دریافت دیرکرد، که حرام است، اصرار می‌ورزند

۰۵/۰۲/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | (عملکرد) بانکهای ربوی، که منجر به ورشکستگی و پایین آمدن تولید می‌شود، حرام است و با کلاه شرعی، حلال حرام نمی‌شود و مع‌الاسف هم می‌خواهیم کشور امام زمان باشد و طلاق و اعتیاد در آن نباشد، آن را که نباید باور کنیم، باور می‌کنیم، ولی این را که باید باور کنیم باور نمی‌کنیم و توقع داریم خدا باران برای ما بفرستد. البته همین مقدار باران هم به برکت شهدا و قطع نخاعی‌ها و اعتکافی‌ها و ... است. / هیچ باور نداریم که ربا یعنی جنگ با خداوند ولی گزینه نظامی دشمن را خدا از ما رفع بلا خواهد کرد؛ فرمود ما عقب نمی‌افتیم که فکر کنید شما جلو خواهید افتاد

۰۷/۰۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | نظام بانکی از غرب وارد شده است به همین علت باید با عقود شرعی تطبیق داده شود اما بانکها برخی اوقات نسبت به موضوعهای شرعی توجه ندارند به همین علت نتایج برخی از اقدامات ربا می‌شود که باید با افزایش آموزشها این مشکلات رفع شود. / دریافت دیرکردهای بانکی مورد تأیید اسلام نیست / مردم باید در زمان مورد نظر اقساط وامهای خود را پرداخت کنند؛ مشکلات بانک و دستگاه قضایی قابل برطرف شدن بوده اما نیازمند عزم ملی است / جریمه دیرکرد قسطهای بانکی باید به بیت‌المال پرداخت شود تا همه مردم از آن استفاده کنند

۱۳۹۵/۰۲/۰۹ | حسین نوری همدانی | اخذ دیرکرد وام حرام است، اما کسی گوش نمی‌کند، توجه نمی‌کند / ربا مخرب است و هلاکت هر کشوری از ربا شروع می‌شود

۱۳۹۵/۰۲/۱۳ | حسین نوری همدانی | از ابتدا باید سراغ اسلام برویم، زیرا انقلاب ما اسلامی است، بنابراین باید به اسلام مراجعه شود و در بانکها از اروپا قوانین گرفته نشود / فرهنگ بانکهای اروپایی در ذهن و مغز مردم است، / فتوادلها در اروپا بانکها را تشکیل دادند، دولتها نیز قانونی وضع می‌کنند که به نفع آنها باشد، به این وسیله پولدارها، غنی‌تر و نیازمندان فقیرتر می‌شوند / در دوران امام خمینی (ره) این موضوع مطرح شد، زمانی که فردی پولی را قرض می‌دهد، اگر در ضمن عقد شرط کند، در تاریخ معین شده نیاورد، جریمه دهد، این شرط ضمن عقد الزام‌آور است ولی ربا نیست. از این امر سوء استفاده کردند و برای پول نرخی بر اساس زمان قرار دادند / هر پولی در برابر قرض گرفته و بر اساس زمان نرخ معین شود، ربا و حرام است، دیرکرد تأخیر نیز بر همین اساس است / اسلام همواره مسلمانان را از علاقه‌مندی به کفر و ربا بازداشته است یعنی از جنبه سیاسی و اقتصادی به این مسئله توجه داشته است / اسلام پول را در برابر کار قبول دارد، باید کاری کنیم که ربا به هیچ شکلی وجود نداشته باشد، مردم باید در این زمینه آگاه شوند، دیرکرد حرام است، باید با مراجعه به دستورات اسلام شرط ضمن عقد تعیین شود، در صورتی که فرد در تاریخ معین پول را تحویل نداد، جریمه باید بپردازد ولی دریافت پول بر اساس زمان مخرب بوده و باید ترک شود / باید پول‌ها در مسیر صنعت، تجارت، زراعت و اقتصاد به کار گرفته شود، به این وسیله کار ایجاد شده و مشکلات برطرف می‌شود، در این خصوص باید با بانکها صحبت شود / از نظر اسلام و قرآن ربا حرام است، وظیفه ما بوده که با ربا مبارزه کنیم، ربا، رباست با عوض کردن نام آن، تغییر نمی‌کند، ما معتقدیم تاخیر و دریافت پول به عنوان دیرکرد حرام است / در این زمینه فرهنگ‌سازی لازم است، باید به مردم گفته شود، تا این مشکل برطرف شود، باید در نظر داشت ربا دارای مفاسد است / فکر نمی‌کنم در کشورهای دیگر بانکی بدون ربا وجود داشته باشد، اسلام دین کاملی است، در این زمینه لازم است تشویق و ترغیب شود تا پول‌ها در مسیر صحیح مصرف شود.

۱۳۹۵/۰۲/۱۴ | حسین نوری همدانی | بانکها در مسیر غیرشرعی حرکت می‌کنند و تاخیر وام آنها و گرفتن پول به عنوان دیرکرد حرام است؛ این حرفها را بارها گفتیم اما عملی ندیدیم و اجرایی نشده است / قانون بانکهای کشور از خارج آمده و آنها هم مبنای بانک‌شان براساس قرض است / بانکهای کشور بر اساس قانون کشورهای اروپایی در حال حرکت هستند و به مردم وام می‌دهند و همین مسئله باعث مشکلاتی در کشور شده است / بانکها در مسیر غیرشرعی حرکت می‌کنند / باید فکری کرد. یکی از آن فکرها از طریق ضامن و رهن مانند طلا و جواهرات است. با این روش، می‌توان ربا را برطرف کرد / ربا در اسلام حرام است و این مسئله نگرانی به وجود آورده است، پولهای

زیادی در بانکها خوابیده می‌شود که می‌توان با برنامه‌ریزی بهتر آنها را صرف اقتصاد کشور کرد تا مشکلات از بین برود / ربا از مباحث بسیار فسادانگیز است و باید کاری کرد و راهکاری ارائه داد تا ربا پیش نیاید

۱۵/۰۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | بانکداری از غرب برای ما آمده و ما اسم اسلامی را برای آن گذاشته‌ایم که متأسفانه نه محاسن بانکداری غربی را دارد و نه اسلامی است / سود بانکی در کشورهای غربی بین ۴ تا ۶ درصد است؛ اما در بانکداری اسلامی تا ۲۸ درصد از مردم سود می‌گیرند و اخیراً یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که تا ۳۵ درصد هم سود گرفته می‌شود؛ آن هم در قالب عقود شرعیه. / بانکداری امروز ما با مشکلات بسیاری روبروست / باید نظام بانکداری در اختیار توده مردم بوده و کار و اشتغال ایجاد نماید / اگر سرمایه در اختیار افراد گردن کلفت قرار بگیرد، از میان آنان مفسدان اقتصادی و اختلاس‌گر بیرون خواهد آمد / این نوع از بانکداری مناسب ما نیست که هنوز نتوانستیم پس از ۳۷ سال از انقلاب اسلامی آن را اصلاح نماییم / یکی از عوامل تورم، بانکداری ناسالم است / اگر بانکداری سالم شود، تورم به مقدار زیادی افت کرده و پایین خواهد آمد

۱۸/۰۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | امیدوارم طرح جامع بانکداری اسلامی در عمر باقیمانده مجلس نهم به تصویب برسد / بانکداری از غرب برای ما آمده و ما اسم اسلامی را برای آن گذاشته‌ایم که متأسفانه نه محاسن بانکداری غربی را دارد؛ و نه اسلامی است / بانکداری امروز ما با مشکلات بسیاری روبروست / برخی خیال می‌کنند که مشکل بانکداری امروز ما فقط جریمه و دیرکرد است؛ ولی در اصل با مشکلات بسیاری روبه‌رو است؛ اما این بشارت را به شما بدهم که اخیراً گروهی از نمایندگان مجلس که اغلب آنان روحانی هستند به همراه جمعی از حقوقدانان نشست‌هایی را برگزار کرده و طرح جامع بانکداری اسلامی را طی دو سال تهیه کرده‌اند که بسیار مناسب می‌باشد / بنده این طرح را مطالعه کرده و با حضور اعضای این گروه، نکاتی را به آنان عرضه داشتیم که امیدوارم این طرح در عمر باقیمانده مجلس نهم، در مجلس ارائه شود و به تصویب برسد / این طرح نباید به مجلس آینده واگذار شود؛ چراکه ممکن است به درازا بینجامد و طولانی گردد / مشکلات اقتصادی کشور بدون حل مشکلات نظام بانکداری سامان پیدا نخواهد کرد / یکی از درآمدهای بانکها، حساب جاری مردم است که از این پول، به دیگران وام داده شده و سود ۲۵ تا ۳۰ درصدی گرفته می‌شود و درآمد آن در جیب بانک قرار می‌گیرد؛ در حالی که اصل پول برای مردم بوده است / طرحی که این گروه برای بانکداری اسلامی به رشته تحریر درآورده، بسیار مناسب است و باید مسئولان بانکی و مجلسیان با همکاری و تعامل آن را به تصویب برسانند تا بتوان از مشکلات موجود کاست.

۲۱/۰۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | باید از ابتدا در فعالیتهای خود متوجه فرامین اسلامی باشیم نه اینکه برنامه‌ای اجرا شود بعد سراغ اسلام برویم / اسلام را کد گذاشتن ثروت را حرام کرده است / پول باید در جامعه باید مثل گردش خون در بدن باشد / عده‌ای در جامعه قدرت کار دارند ولی سرمایه ندارند و اسلام می‌گوید ثروتمندان باید به این افراد کمک کنند و راه آن را مضاربه، مشارکت و جعاله عنوان کرده است / کسی که قرض بدهد و سود بگیرد عمل حرام مرتکب شده و این کار رباست / قرآن هفت مرتبه ربا را حرام عنوان کرده است / از نظر اسلام ربا در هر جنبه‌ای گناه بزرگ و موجب سقوط و انحطاط است / بانکها از ربا باید به شدت احتراز کنند؛ با وجود این غریبه‌ها بانکها را براساس ربا ایجاد کرده‌اند و قرض می‌دهند و سود می‌گیرند / این مرجع تقلید اضافه کرد: در اسلام کسی که قرض می‌دهد اجازه گرفتن بیشتر از آن را ندارد اما این امر از غرب به کشور ما هم وارد شده، ضرر این کار این است که اسلام می‌خواهد پول در برابر کار باشد نه در برابر پول و پول باید در صنعت و تولید و زراعت به کار گرفته شود و اشتغال و عمران و آبادی ایجاد شود که ربا از آن جلوگیری می‌کند / اسلام سودی که بانک به پول مردم می‌دهد قبول ندارد / اینکه کسی ۱۰۰ میلیون تومان در بانک بگذارد و بانک ماهیانه به پول او سود بدهد صحیح نیست و مانع گسترش تولید است / اگر قوانین اسلام عملی شود فقر ریشه کن می‌شود / دیرکرد نیز در اسلام حرام است، اگر من قرض گرفتم، جریمه تاخیر در ادای دین یک نوع رباست و حرام است و جایز نیست / بانکها نباید به دنبال تجارت باشند و پولهای مردم را در ایجاد کار و صنعت صرف کنند / بانکها باید بدون ربا و بدون دیرکرد و در نهایت اسلامی شود / بانک باید پول را از مردم بگیرد و به کسانی بدهد که قدرت کار دارند اما سرمایه ندارند، سرمایه‌داران هم پول خود را در راه تجارت صنعت و اشتغال به کار بگیرند چراکه راه شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی همین امر است / بانکها با دادن سود پول مردم را جمع می‌کنند / در کشور ما زمین و امکانات زیاد داریم و باید از آنها در راستای رشد و توسعه کشور استفاده کنیم / مسئولان باید به داد مردم برسند چراکه دیرکرد و سود برای جامعه مخرب و حرام است / اگر می‌خواهید به مردم خدمت کنید ربا را از بانکها حذف کنید / بانک بدون ربا فقط در عناوین نباشد چرا که برخی بانکها اسامی فعالیتهای خود را تغییر می‌دهند و تفاوتی نمی‌کند همه اینها رباست / اگر ما برای پول براساس زمان نرخ معین کنیم رباست و دیرکرد وام همین است و بسیاری از مردم با دادن این دیرکردها دچار مشکل شده‌اند.

۲۱/۰۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | بانکداری باید در خدمت مردم باشد / بخش اعظم مشکلات مردم باید با استفاده از سیستم بانکی برطرف شود / عمده منابع بانکها متعلق به مردم است / دو اشکال به بانکها توسط مردم وارد می‌شود که یکی این است که بانکها در خدمت سرمایه‌داران هستند و نسبت به ضعفا بی‌توجهی می‌کنند و دیگری اینکه بیشتر به فکر افزایش سرمایه خود هستند و مرتباً شاهد افزایش شعب بانکها هستیم. / عملاً باید ثابت

شود که بانکها می‌خواهند به مردم خدمت کنند / (وی) اشکالات سیستم بانکی را به دو بخش زیربنایی و روبنایی تقسیم کرد و افزود: در حوزه اشکالات زیربنایی یکی از موارد این است برخی قراردادهای سیستم بانکی از نظر شرعی درست نیست و در حوزه روبنایی نیز در اجرا برخی تخلفات صورت می‌گیرد که باید از آنها جلوگیری شود / وامی که مثلاً برای خرید خودرو گرفته می‌شود در محل دیگر نمی‌توان خرج کرد و این یکی از مشکلات اجرایی بانکهاست / بانک ملی باید این اعتماد را حفظ کند اگر نعمتهای خدا را حفظ کنید افزایش می‌یابد و گرنه از دست می‌رود پس کاری کنید اعتماد مردم به بانک باقی بماند / وثیقه‌هایی که بانک‌ها می‌گیرند برای اخذ مطالبات است نه اینکه بانکها وثیقه را معوض وام بدانند و در عوض عدم پرداخت وام وثیقه را جلب کنند / برخی می‌گویند بانکها در پیگیری اخذ وام تأخیر می‌اندازند برای افزایش بدهی، تا وثیقه‌ها را به‌طور کامل جلب کنند، اگر اینطور باشد این خیانت به مردم است / حداقل آسیبها در روند اجرایی سیستم بانکی را کنترل کنید تا مشکلی برای مردم ایجاد نشود / در برخی مواردی که مردم در فشار هستند بانکها باید از منافع خود صرف‌نظر کرده و تا جایی که می‌توانند با مردم همراهی کنند / باید به مردم ارفاق شود، اگر منابع بانکها سرمایه مردم است باید به مردم و خادمان مردم ارفاق شود / باید به‌نوعی این سودها کم شود و از جمع‌شدن سرمایه در بانک جلوگیری شود / بانکها نباید تقلیدی از بانکهای خارجی‌ها داشته باشند / وی جریمه تأخیر را یکی از معضلات سیستم بانکی دانست و با تأکید بر ضرورت جلوگیری از اخذ جریمه تأخیر / باید از راه‌اندازی این مؤسسات مالی و اعتباری جلوگیری شود، برخی پول می‌دهند و مؤسسه می‌زند باید جلوی این کار گرفته شود / بانکها مراقب باشند تا این رقیبان نامشروع با قاطعیت از بین بروند، قاطعیت در این بخش هزینه دارد که باید پرداخت شود.

۲۱/۰۲/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی دیرکرد قسط وامهای بانکی امروز به یک مشکل تبدیل شده است / بسیاری از نهادهای اقتصادی خصوصی و حتی دولتی در پرداخت دیرکردهای ایجاد شده با مشکل مواجه هستند / لازم است مسئولان بانکها و مشتریان با یکدیگر همکاری کنند تا مشکل بدهی مردم و دولت به بانکها در آینده نزدیک حل شود و هیچکدام از طرفها دچار ضرر و زیان نشود / بانکها با حمایت از تولیدکنندگان و کاهش فشار بر آنها می‌توانند در تقویت تولیدهای داخلی و به راه انداختن کارخانه‌ها نقش تاثیرگذاری داشته باشند.

۲۲/۰۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی در قرآن دو گناه از همه گناهان بالاتر است؛ یکی در جنبه سیاسی سلطه‌پذیری است و انسان نباید زیر سلطه استکبار برود و دومین گناه ریاست که اکبر گناهان است چرا که ربا مخرب جامعه است و اگر ربا در هر مجموعه باشد باعث سقوط و انحطاط آن جامعه می‌شود / کسی که دارای ثروت و سرمایه است باید این پول را در اختیار جامعه قرار دهد تا این پول در اجتماع مردم در گردش باشد، مانند گردش خون در بدن انسان تا احیاگر جامعه باشد / پول موجود در بانکها باید به‌صورت جعاله، مضاربه و مشارکت در بین

مردم جامعه قرار گیرد نه به صورت ربا که در اسلام حرام و مخرب یک جامعه است / یکی از چیزهایی که بانکها باید از آن به شدت اجتناب کنند مسأله رباست که امروز بانکها به این مسئله دقت لازم را ندارند و با عوض کردن اسم و ایجاد تبصره‌ها این عمل زشت و حرام را انجام می‌دهند. / اسلام سود را در کار کردن صحیح می‌داند که باعث اشتغال و کار در جامعه شود که اگر این روند نباشد جامعه رو به نابودی می‌رود / یکی از گرفتاری‌های جامعه فقر است که اگر قوانین اسلام به خوبی در جامعه رعایت شود این مشکلات به راحتی حل می‌شود، بیکاری از بین می‌رود و مملکت آباد می‌شود در حالی که ربا یکی از مهمترین عوامل فقر در یک جامعه است / در دین مقدس اسلام دیرکرد ادای دین یک نوع ربا، حرام و جایز نیست چرا که این دیرکردها و ربا روز به روز مردم فقیر را فقیرتر و مردم ثروتمند را دارا تر می‌کند و بانک نقش واسطه را بین مردم پول دار و فقرا بازی می‌کند و اگر این عمل بدون ربا باشد خدمت بزرگی به مردم است / اگر برای پول براساس زمان، نرخ معین شود این عمل ربا، حرام و غیرجایز است

۱۲/۰۳/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | عده‌ای بیکار هستند و عده‌ای نمی‌دانند ثروتهای بانک را کجا به کار ببرند، در این بخش بانکها باید اصلاح شود.

۲۳/۰۴/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی | دیرکرد بانکها غوغا می‌کند که باید راهکار اساسی برای آن اندیشیده شود، بعضی افراد که از بانکها وام می‌گیرند، با مشکل مالی روبه‌رو هستند و نمی‌توانند وام خود را به موقع پرداخت کنند که این موضوع آنها را با مشکلات بیشتری مواجه می‌کند / بانکها باید با مردم تعامل داشته باشند و تا جایی که امکان آن وجود دارد، سود وامها را کاهش داده و فرصت مجددی به مردم برای پرداخت وامها بدهند / بانکها برای افرادی که در زمینه پرداخت وام مشکل دارند تخفیف قائل شوند و با تعامل با آن شخص وام را دریافت کنند / بانکها به قرض الحسنه عمل کرده و سودی از مردم دریافت نکنند / قرض دادن در اسلام از ارزش و اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و قرض دادن نسبت به صدقه از اجر و ثواب بیشتری برخوردار است / بانکها هیچ‌گونه استثنایی میان مردم قائل نشوند و همه را به یک چشم ببینند و هر موضوعی در قانون آمده اجرا کنند.

۲۴/۰۴/۱۳۹۵ | حسین مظاهری | وای بر بانکها که با عنوانهای مختلف در حال رباخواریهای میلیاردی هستند، چه تملقها، چه چاپلوسیها اتفاق می‌افتد تا یک وام به یک شخص داده شود، بعد با همین وام، شخص وام گیرنده را مجبور به دادن ربا می‌کنند.

۲۸/۰۴/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | «مال» در اسلام حکم خون در بدن را دارد که باید به گونه‌ای متناسب در تمامی اندامها جریان داشته باشد؛ این در حالی است که در نظام سرمایه‌داری تکاثر ثروت در دست گروه خاصی قرار دارد و در نظامهای سوسیالیستی نیز ارزشهای والای اسلامی از منظر تداول ثروت در دست عموم مردم رعایت

نمی شود / خداوند در آیه شریفه می فرماید: "کی لا یکون دوله بین الاغنیاء منکم" یعنی ثروت نباید فقط در دست عده معدودی از آحاد جامعه در حبس باشد. بانکها نیز نباید عامل حبس ثروت در دست عده معدودی از افراد جامعه باشند / بیان حرمت شدید ربا در اسلام و قرآن / در شرایطی که مردم در کسب و کار خود به ویژه در زمان تحریم در حالت مساعد و سودآوری نیستند، بانکها نباید نسبت به این وضعیت بی توجه بوده و صرفاً به فکر سودآوری خود باشند و باید طبق شرع مقدس در سود و زیان مشارکت با مشتری شریک باشند.

۰۵/۰۵/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | متن سؤال و پاسخ این مرجع تقلید در یک استفتاء به شرح زیر است:

سؤال:

معمولاً بانکها برای مشتریان خود اقدام به صدور کارت اعتباری کرده و بابت این خدمات هزینه هایی را به عنوان کارمزد در قرارداد صدور کارت درج کرده و از مشتریان خود اخذ می کنند. مستدعی است نظر خود را در موارد زیر اعلام فرمایید:

الف) نظر حضرتعالی در خصوص ارائه خدمات کارتهای بانکی خصوصاً کارتهای اعتباری چیست؟

ب) آیا قالب عقد جعاله را برای ارائه خدمات کارت موجه می دانید؟

پاسخ:

در صورتی که واقعاً خدمات قابل ملاحظه ای که در عرف دارای ارزش است ارائه شود و سود اضافی در برابر آن خدمات گرفته شود مانعی ندارد و می تواند تحت عنوان عقد جعاله مندرج گردد؛ ولی اگر خدمات صوری است، یا در بعضی موارد خدمتی وجود ندارد و تنها سود پول گرفته می شود، ربا و حرام است. ضمناً جریمه دیرکرد با موازین شرع سازگار نیست، چون نوعی ربا محسوب می شود و خدمات خاصی در برابر آن نیست.

۰۹/۰۵/۱۳۹۵ | حسین مظاهری | قرض الحسنه ها زیاد هستند ولی اکثراً به دستورات خداوند عمل نمی کنند و دچار ربا شده اند، اگر برای این قضیه خون گریه کنیم جا دارد که در غرب و کشورهای نامسلمان بالاترین سود بانکی ۳ درصد است، هرچند اسلام همین را هم حرام می داند.

۰۱/۰۷/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | بارها تأکید کرده ایم دیرکردی که بانکها دریافت می کنند ربا و حرام است ولی متأسفانه هنوز انجام می پذیرد.

۰۷/۰۷/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی در اروپا بانکها با تکیه بر ربا به مردم تسهیلات می‌دهند و روزبه‌روز قدرتمندتر می‌شود و اقتصاد را در اختیار می‌گیرند / در غرب، دولتها را بانکداران به‌وجود می‌آورند / بانکداران در کشورهای اروپایی نقش مهمی در اقتصاد دارند، اما در اسلام بر حل مشکلات مردم در بانکها تأکید شده است و بانک باید در خدمت مردم و تسهیل‌کننده تولید باشد / دیرکرد در اسلام حرام است / سود بالای بانکی در اسلام ربا محسوب می‌شود و تأکید اسلام بر این است که پول در مقابل کار باشد نه اینکه پول در مقابل پول.

۲۷/۰۷/۱۳۹۵ | حسین مظاهری مسئله ربا، سودهای کلان و حیف و میل در برخی بانکها باید به‌صورت اساسی حل شود.

۳۰/۰۷/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی مدتهاست که بانکهای ما دیرکرد می‌گیرند که این مسئله رباست و هنوز نتوانسته‌ایم جلوی این کار را بگیریم.

۰۸/۰۵/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی پیش از انقلاب در راهپیمایی‌ها، روحانیان جلو بودند. مردم سه جا را آتش می‌زدند، یکی شراب‌فروشی‌ها، یکی بانکها و سینماها را آتش می‌زدند، بعد از انقلاب شراب‌فروشی‌ها سه قسم شد، یک عده واقعاً توبه کردند، یک عده فرار کردند و یک عده رفتند در زیرزمین، بعد از انقلاب سینماها سه قسم شدند، یک عده واقعاً توبه کردند، یک عده هم فرار کردند و یک عده هم رفتند به دنبال کنسرت‌های زیرزمینی، بانکها اما همچنان باقی ماندند و رباخواری دارند، ما واقعاً حرف خدا را باور نکردیم / این آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، تعارف هم ندارد، با این که فرهنگ ما فرهنگ شهادت است اما تا آمریکا گزینه نظامی را مطرح می‌کند، برخی از وی حساب می‌برند، قرآن می‌فرماید گزینه نظامی روی میز قرآن من است، ما باور نکردیم / حضرت آیت الله جوادی در ادامه در حالی که بغض گلوی وی را گرفته بود و اشک در چشمانش حلقه زده بود، مراتب تأثر و ناراحتی خود را از وجود ربا در سیستم بانکی ابراز کرد / ما دلمان می‌خواهد اقتصاد مقاومتی درست بکنیم، این فقط با سفارش و توصیه که حل نمی‌شود؛ این (ربا) جنگ با خداوند است، الآن این پولی که شما می‌گذارید می‌گویند چه تحریم باشد، چه نباشد، چه تورم باشد و چه تورم نباشد، می‌گویند سود دارد و سود علی‌الحساب دارد.

۰۷/۰۸/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی با کم کردن بهره و حذف دیرکرد برای تسهیلات بانکی روستاییان می‌توان به آنها مساعدت کرد.

۱۳/۰۸/۱۳۹۵ | حسین مظاهری مسائل ربوی در بانکها باید اصلاح شود تا بخشی از بیماری اقتصادی کشور درمان گردد.

۲۴/۰۹/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی در این دیدار، آیت‌الله العظمی جوادی آملی از اخذ جریمه‌های دیرکرد و موضوع ربا در سیستم پولی انتقاد و به کمیسیون اقتصادی تأکید کرد که به دغدغه‌های شرعی در موضوعات مالی و پولی توجه جدی شود.

۲۴/۰۹/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | بانک محل مبادلات مالی مردم است و بدون بانک فعالیت‌های بزرگ اقتصادی انجام نخواهد شد / بانکداری کنونی از غرب آمده و اسلامی نیست / باید سیستم بانکداری اسلامی شود هر چه می‌خواهیم بانکداری را اسلامی کنیم باز هم غربی است از همین رو باید مطالعات وسیعی در این زمینه صورت بگیرد / بانکها گوششان بدهکار بانکداری اسلامی نیست و به بخشنامه‌ها استناد می‌کنند و این زیان است، هر چه هم می‌گوییم فایده‌ای ندارد / بارها به رؤسای بانکها مسائل و مشکلات را مطرح کرده‌ایم اما به تکلیف خود عمل نمی‌کنند / باید راهی برای عملیاتی شدن طرح بانکداری اسلامی باید تعریف شود، مسئولان به دنبال درآمد بیشتر هستند وقتی هم می‌بینند کار سخت است کار را به مردم واگذار می‌کنند / بانکها قوانین بانکداری اسلامی را دور می‌زنند، با بهانه‌های مختلف کلاه سر قانون می‌گذارند / ریشه اصلی این است که نظام بانکداری از غرب آمده برای همین هر چه تلاش می‌کنیم اشکالات را رفع کنیم باز همان مسائل تکرار می‌شود.

۲۴/۰۹/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی | این یک مطالبه مردمی است که سیستم بانکی در راستای موضوعات اسلامی فعالیت کند / علاوه بر اینکه قراردادهای بانکی نباید حرام باشند، باید در این قراردادها جزئیاتی لحاظ شود که به مردم فشار اقتصادی وارد نشود.

۲۴/۰۹/۱۳۹۵ | جعفر سبحانی | در سال ۱۳۶۲ مسئله بانکداری بدون ربا در کشور مطرح شد، ولی به دلیل جنگ تحمیلی چندان این مسئله مورد توجه و اهتمام قرار نگرفت و متأسفانه مسکوت ماند / در ابتدا باید مشخص کنیم که آیا وظیفه یک بانک، تجارت است یا امانت‌داری؟ اگر بانک کارش صرفاً تجارت شد دیگر نمی‌توان از آن انتظار داشت که به‌سوی ربا کشیده نشود، ولی اگر کار او امانت‌داری شد، باید مردم پولی را که در بانک می‌گذارند و ارزش آن به هر دلیلی پایین آمد، بانک همان ارزش پایین آمده را جبران کند در این صورت مسئله فرق می‌کند / کثرت بانکها مشکلی را برطرف نمی‌کند و صرف تجارت با پول مردم ربا را بر نمی‌دارد، بنابراین باید برای این مسئله فکری اساسی کرد.

۲۵/۰۹/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | در مقابل آن دشمن بیرونی که کاری هم از او ساخته نیست یک دشمن درونی نیز وجود دارد و آن غده سرطانی رباست. خداوند صریحاً در قرآن فرمود گزینه نظامی من در مقابل ربا روی میز است. ربا این چنین است اما بسیاری این را باور نکردند.

۰۱/۱۰/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | تعدادی از بانکها سود مضاعف دریافت می کنند / گاهی جریمه دیرکرد از اصل مبلغ وام بیشتر است و گاهی به چند برابر می رسد، اما در اسلام اگر کسی قادر به پرداخت قرض خود نیست باید به آن فرد مهلت داده شود اما بانکها کاری به این کارهای ندارند هر روز سود آن را اضافه می کنند و به آن بانکداری اسلامی هم می گویند / ربا از غارت اموال مردم سر در می آورد / اگر سرمایه ها غارت شود در هر جایی، بر اساس احادیث نام ربا بر آن اطلاق می شود؛ متأسفانه سیستم بانکداری با اسلامی شدن فاصله دارد / ربا در اسلام بسیار مذموم است که قرآن آن را اعلان جنگ خدا با فرد رباخوار توصیف کرده است

۰۲/۱۰/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | بانکها در مقابل پول، پول دریافت می کنند که این رباست، پرداخت پول باید در مقابل کار باشد / پولهای زیاد در بانکهای تجمع شده است در حالی که این پولها اگر وارد چرخه صنعت و کشاورزی شوند باعث رونق اقتصادی می شود / اسلام به شکل جدی با ربا مخالف است و این جریمه دیرکردها هم رباست و هر کسی که از ما در این زمینه سؤال می کند، ما می گوییم که جریمه دیرکرد رباست اما بانکها گوش نمی دهند و کار خود را می کنند که همه اینها باعث فقر می شود.

۰۲/۱۰/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | خدیجه (س) فرهنگ عقلانیت را در فضای جاهلی پیاده کرد. آنها چون جاهل بودند، اقتصادشان هم جاهلی بود و اقتصاد جاهلی در محدوده ربا دور می زند. بارها عرض کرده ام که از آمریکا و دشمنان کاری بر نمی آید و در جریان جنگ تحمیلی و ... دیدیم، آنها نخواهد توانست کاری بکنند، اما همین آدم بی عرضه اگر بگوید گزینه نظامی روی میز من است، خیلی ها حساب می برند، ولی اگر خداوند بگوید ربا حرب با من است، کسی تکان نمی خورد و این فرهنگ جاهلی است / وی تأکید کرد: الآن هم باید با تأسی از آن حضرت، بانکهای ربوی را تحریم کنیم و اگر می خواهیم این مادر از ما راضی شود باید مسیر او را برویم، زیرا این جزو حقوق ایشان بر گردن ماست.

۱۳/۱۰/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | اگر کسی مورد تحریم قرار گرفت و مقروض شد، بر حاکم اسلامی است که این قرض را ادا کند / ربا را دیگران تیزهوشی و زیرکی می دانند و قرآن آن را کار مخططانه عنوان می کند، در صورت عمل به قرآن ما نه کارتن خواب خواهیم داشت و نه فقیر خواهیم داشت و نه دیگر زندانهای ما پر خواهد بود.

۱۴/۱۰/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | مردم گلایه های بسیاری در خصوص دریافت دیرکرد توسط بانکها دارند و با وجود اینکه بارها گفته ایم که دریافت دیرکرد حرام بوده و رباست، ولی ترتیب اثری داده نشده است.

۳۰/۱۰/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | مردم نیز از ما می خواهند مشکلات را به دولت منعکس کنیم؛ ما نیز بیان کرده ایم که مباحثی چون دیرکرد اقساط ربا و حرام است، ولی این مشکل حل نمی شود.

۰۲/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | دیرکردی که بانکها از مردم دریافت می‌کنند حرام است و حوزه‌های علمیه در این رابطه باید به میدان بیایند.

۰۳/۱۱/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی | لزوم اصلاح نظام بانکی کشور بر اساس آموزه‌های اسلامی / ابراز نگرانی و ناراحتی از وضعیت سیستم بانکی کشور / وجود ربا زیننده نظام بانکی که پسوند اسلامی را یدک می‌کشد، نیست / متأسفانه در جامعه ما رباخواری و اخذ دیرکردهای آنچنانی رواج پیدا کرده است که این مسئله به هیچ وجه درست نیست / اصلاح امور اقتصادی جامعه را در گرو اصلاح نظام بانکی کشور دانست.

۰۶/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | تا رباخواری در کشور هست مملکت به پیشرفت نمی‌رسد، بارها مؤکداً اعلام کردیم که دریافت دیرکرد حرام است / مرجع تقلید شیعیان تأکید کرد: ربا باید از نظام بانکی کشور برچیده شود.

۰۹/۱۱/۱۳۹۵ | محمدعلی علوی گرگانی | یکی از دردهای جامعه امروز در کشور بانک و بانکداری است / متأسفانه در کشور بانکها تنها نام اسلامی بودن را یدک می‌کنند و با آن که شاید در سر در آنها نام بانکداری اسلامی نوشته شده ولی کوچکترین حرکتی در این راستا انجام نمی‌دهند / بانکهای در حال حاضر با شکلهای مختلف در حال گرفتن سودی از مردم هستند که زیاد از منظر اسلام این کار درست نیست و بانکها به جای آن که در خدمت اشتغال باشند با گرفتن سودهای سرسام‌آور حتی رونق را از کارخانه‌ها و کسب‌وکار گرفته‌اند / سودهای بانکی در برخی مواقع سبب گسست خانواده‌ها شده است.

۱۱/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | بر مبنای اسلام کار کردن باید در مقابل پول باشد اما در بانکهای ما این کار انجام نمی‌شود و دریافت دیرکرد از سوی آنها حرام است. اکنون نامه‌هایی روزانه در زمینه دریافت دیرکرد برای ما آورده می‌شود، باید در نظر داشت دیرکرد، ربا و حرام است، ولی درعین حال دیرکرد را دریافت می‌کنند.

۱۴/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | باید برای ربا و سودهای بانک در کشور فکری کرد.

۲۰/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | اگر بانکها از این کار خود دست برندارند؛ در درجه اول مردم باید پول را به بانکها ندهند / ربا، گناه کبیره‌ای است که توصیف آن در شرع این گونه آمده که یک درهم از ربا مقابل ۷۰ زنا با مادر در خانه کعبه می‌باشد و خدای متعال در هفت جای قرآن نیز از آن انتقاد کرده است / همین بانکدارها در کشورهای خارجی با این وضع پولی و مالی، دولت‌ها را به وجود آورده و دولت‌ها نیز قوانین را به نفع آنان وضع می‌کنند / اگر در مقابل یک قرض، پول بیشتری گرفته شود، حرام و رباست و متأسفانه این کار در بانکهای ما انجام می‌شود

/ حضرت آیت الله نوری همدانی با بیان این مطلب که گرفتن زیادی فقط در یک مورد مجاز است؛ تصریح کردند: اگر در هنگام قرض و به عنوان شرط ضمن عقد توافق شود که اگر تا فلان تاریخ آورده نشود، باید فلان مقدار جریمه دهد، مشکلی نیست و باید پرداخت گردد؛ اما در بانکها از این موضوع سوء استفاده شده و در قراردادهای خود آورده اند که اگر یک ماه دیر شود، فلان مقدار؛ اگر یک ماه و پنج روز دیر شود، فلان مقدار و ...؛ که در این صورت این جریمه ها را روی بدهی افراد کشیده و برای آن جریمه نیز مجدد جریمه دریافت می کنند که این مسائل، رباست / جریمه را فقط یک مرتبه می توان دریافت کرد؛ نه اینکه برای آن مدلهای گوناگون ساخته و روی جریمه نیز مجدداً جریمه دریافت کنند / بارها در پاسخ به نامه ها نوشته ایم که جریمه برای أداء دین رباست؛ اما متأسفانه به این احکام الهی عمل نمی شود / امروز ثروت مردم در بانکهاست و بانکدارها نباید به نفع خود به تجارت بپردازند؛ باید پولها را به دست مردم سپرد تا در راه صنعت، کشاورزی و اشتغال به کار گرفته شود و در این صورت است که نعمت فراوان شده؛ ارزانی آمده و اشتغال ایجاد خواهد شد.

۲۵/۱۱/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | اینجا| الگوی ما در جامعه اسلامی حکومت حضرت امیر(ع) است که با تازیه در بازار حاضر می شدند و هشدار می دادند تا بازار از آسیبهایی مانند احتکار، گرانفروشی و ربا محفوظ بماند.

۳۰/۱۱/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | وی از بی توجهی بانکها به مسئله ربا گلایه کرد و گفت: روزی نیست که نامه ای از مردم درباره ربا و دیرکرد سود وامها دریافت نکنیم و هر چه تذکر می دهیم ربا حرام است و با تغییر نامها به مضاربه و دیرکرد نمی توان حرمت این عمل را از بین برد باز بانکها توجهی نمی کنند. / بانکها نباید خودشان مستقیم وارد تجارت شده و به مردم سود بدهند بلکه باید ثروتی که در اختیار دارند را به بخش خصوصی بدهند تا با ایجاد شغل و درآمد اقتصاد کشور از رکود خارج شده و پویا شود.

۰۴/۱۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | درباره حرام بودن ربا و دیرکرد بانکها گفتیم اما کسی توجهی نمی کند / آن قدر این مسئله را مطرح می کنیم تا به نتیجه برسد، این تکرارها مصداق امر به معروف و نهی از منکر است.

۰۴/۱۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | گاهی در اخبار اعلام می شود بیشترین درآمد بانک از محل جریمه تأخیر بوده، این اقدامات خلاف شرع است / دریافت هزینه دیرکرد توسط بانکها ربای آشکار است.

۰۹/۱۲/۱۳۹۵ | عبدالله جوادی آملی | پول و ثروت در مکتب اسلام عامل قوام، قیام و ایستادگی یک ملت معرفی شده است؛ در قرآن کریم از کسی که مال ندارد به فقیر تعبیر شده است، فقیر غیر از گداست؛ فقیر یعنی کسی که ستون فقراتش شکسته است / قرآن کریم راجع به کار بانکها فرمود، پول مانند خانه نیست که بشود آن را اجاره

داد، قرآن کسی را که بخواهد از راه ربا کسب درآمد کند دیوانه می‌داند، زیرا این شخص در حقیقت دارد خون مردم را می‌خورد / ربا یک غده سرطانی است که از غرب به شرق آمده است، و باید جلو این غده را با ترویج قرض‌الحسنه‌ها گرفت / کشوری مانند آمریکا که بدون پشتوانه، پول خلق می‌کند به اقتصاد همه کشورها ضربه می‌زند، کشوری که پول خود را به کشورهای دیگر تحمیل می‌کند و آنها را وادار می‌کند تنها با دلار معاملات خود را انجام دهند، در حال ظلم و ستمگری است ولی این، تنها گوشه‌ای از جنایات آمریکا بر علیه بشریت است.

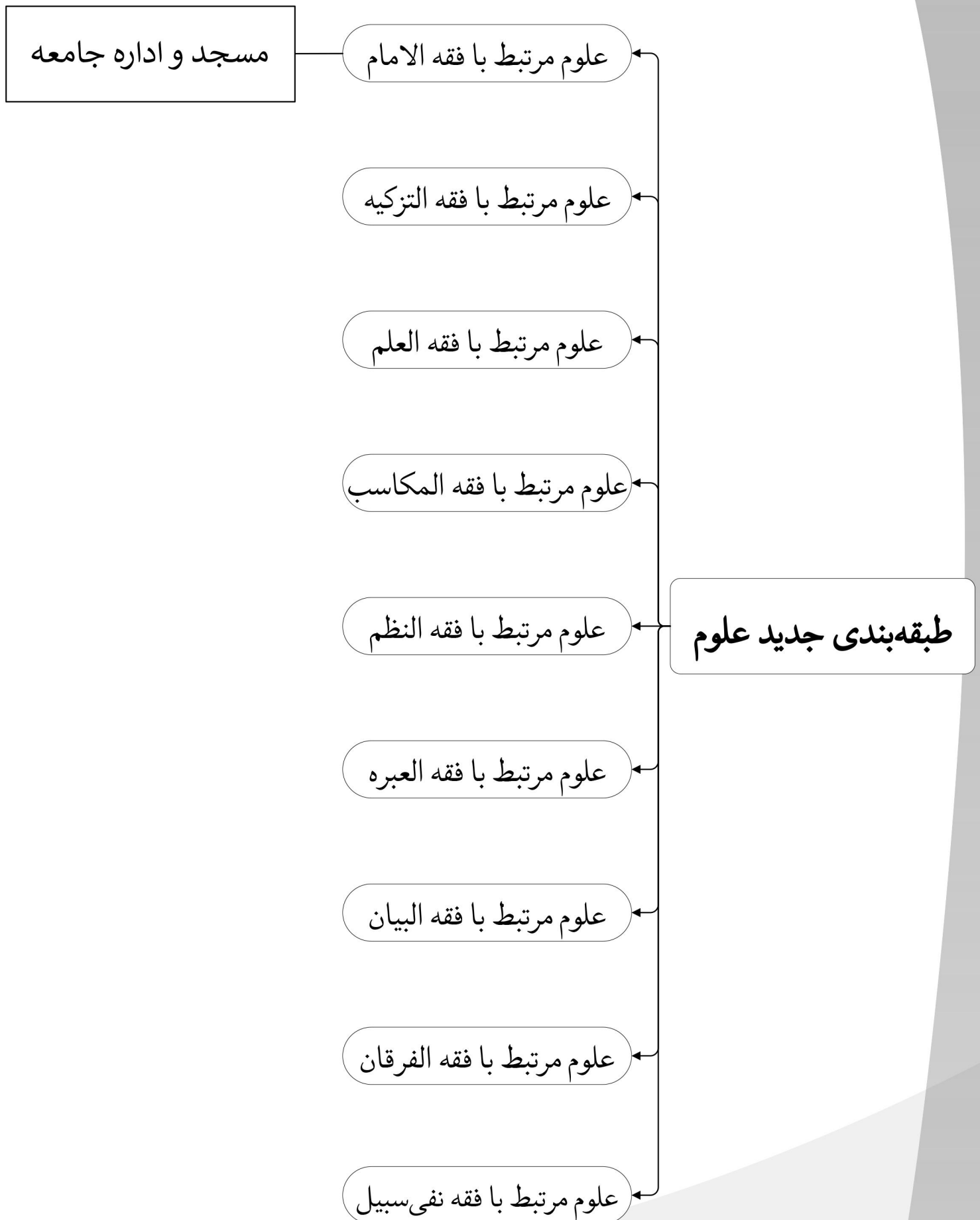
۰۹/۱۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | بارها گفتیم که اخذ دیرکرد توسط بانکها حرام است، ولی باز هم بانکها این دیرکرد را که رباست می‌گیرند.

۱۰/۱۲/۱۳۹۵ | ناصر مکارم شیرازی | در زمینه بانکداری نیز بانکداری اسلامی طرحی است که از سال ۵۹ در دستور کار بانک‌های کشورمان قرار گرفت اما چندی است که برخی از اقدامات بانکهای کشورمان از سوی مراجع تقلید حکم ربوی به خود گرفته‌اند / گوش بانکها بدهکار کسی نیست؛ پس از دستوراتی که بانک مرکزی داده، شاهد آن هستیم که این بانکها به حرف کسی گوش نمی‌دهند؛ آنها به بخشش اضافات بیش از ۱۰۰ میلیون نیز گوش نمی‌دهند / گوش بانکها بدهکار کسی نیست؛ پس از دستوراتی که بانک مرکزی داده است شاهد آن هستیم که این بانکها به حرف کسی گوش نمی‌دهند؛ آنها به بخشش اضافات بیش از ۱۰۰ میلیون نیز گوش نمی‌دهند / بسیاری از بانکها متمرّد هستند و به این دستورات گوش نمی‌دهند و تا زمانی که این روند ادامه دارد مشکلات حل نمی‌شود.

۱۴/۱۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | اینجا| این پدیده (دیرکرد) ربا و حرام است و متأسفانه ۵۰ درصد درآمد بانکها از جریمه دیرکرد بدست می‌آید. در هر جامعه‌ای ربا وجود داشته باشد برکت از بین می‌رود و نظام اقتصادی سقوط می‌کند.

۱۶/۱۲/۱۳۹۵ | حسین نوری همدانی | چندین سال است که بیان می‌کنیم دیرکردی که بانکها از مردم می‌گیرند حرام است، هر روز آه و ناله مردم را در نامه‌ها مشاهده می‌کنیم، چرا وقتی مطلبی را همه اعلام می‌کنند حرام است گوش نمی‌کنند؟

طبقه بندی جدید علوم



اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه در مقایسه با محورهای ۱۷ گانه سند ۲۰۳۰



از اینجا به بعد وارد ششمین پرسش دوره مسجد و اداره جامعه می شویم. از کجا هزینه های راه اندازی چرخه چهاربخشی تحریک فکر را تأمین کنیم؟ یکی از احتمالات این است که خدمات مسجد را پولی کنیم. مثلاً بازار یا مغازه های مسجد را اجاره بدهیم. باید عرض کنم که این کار صحیح نیست و باید بازار را رایگان در اختیار مردم یا حداقل محرومین گذاشت. یا بخواهیم نرمش قهرمانانه داشته باشیم، باید بگوییم مغازه ها و بازار مسجد را حداقل دو بخش کنید. یک بخش را کرایه و بخش دیگر را رایگان کنید. حضرت آقا امام صادق علیه السلام می فرمایند: آقا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمودند: سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ قَالَ وَكَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بَيْتِ السُّوقِ كِرَاءً. این نکته مهم را ائمه جمعه و جماعت باید توجه داشته باشند. حضرت آقا امیرالمؤمنین علیه السلام بازار می ساختند ولی از غرفه ها کرایه دریافت نمی کردند. به هر روی اگر مسجد به سمتی برود که خدماتش را پولی کند، اصل مهم "لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا" نقض شده است. اصل "زكاة العلم نشره" همین طور. جدای از اینها روایت "سوق المسلمین کمسجدهم" نقض شده است. در نهایت مجموعه از روایات نقض خواهد شد. نتیجه اینکه ما نمی توانیم خدمات مسجد را پولی کنیم. اگر این را بگوییم باز این پرسش مطرح می شود که هزینه های مسجد را از چه راهی تأمین کنیم؟